

چاپ سوم

گزیده بیانات
رهبر فرزانه انقلاب
در جمع دانشجویان
و دانشگاہیان

نکته‌های ناب

ویژگی‌های فرهنگ و تمدن غربی

نگرش اسلام و غرب نسبت به زن

نگرش اسلام و غرب

نسبت به خانواده



www.leader-khamenei.com

بیت‌الاحقر
والله اعلم
بالحق

تهیه کننده: وبلاک شناخت رهبری، آیت الله خامنه ای

www.leader-khamenei.com



برای خواندن کتاب روی صفحه کلیک راست کرده
و گزینه rotate clockwise را انتخاب کنید .



نکته‌های ناب (جلد پنجم)

نظارت: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

معاونت آموزش و تبلیغ

تدوین و تنظیم: حسن قدوسی زاده

حروف چینی و صفحه‌آرایی: امیرحسین علیزاده

ناشر: دفتر نشر معارف

چاپ هفتم: بهار ۱۳۸۸

چاپخانه: پاسدار اسلام

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک جلد: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۰۷۹-۵

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مراکز پخش

۱. قم: بلوار امین - بلوار جمهوری - معاونت آموزش و تبلیغ، تلفن: ۲۹۰۴۴۲۰

۲. مدیریت پخش نشر معارف: قم: خیابان شهید، کوچه ۳۲، پلاک ۳، تلفن و شماره: ۷۷۴۴۶۱۶

۳. فروشگاه شماره ۱: قم: خیابان شهید، روبروی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن: ۷۷۳۵۴۵۱

۴. فروشگاه شماره ۲: تهران: خیابان انقلاب، چهارراه کالج، پلاک ۷۹۱، تلفن: ۸۸۹۱۱۲۱۲، شماره: ۸۸۸۰۹۳۸۶

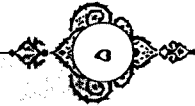
نشانی اینترنت: WWW.nashremaaref.ir

پست الکترونیک: info@nashremaaref.ir

فهرست

فصل اول: ویژگی‌های فرهنگ و تمدن غربی

- ۱. پایه‌های تمدن و فرهنگ غرب ۱۵
- ۲. ظواهر پر زرق و برق تمدن غرب ۱۵
- ۳. سلطه طلبی، مهم‌ترین نکته منفي فرهنگ غرب ۱۶
- ۴. صادرات فرهنگ غربی به کشورها ۱۸
- ۵. علت گریز ما از فرهنگ غرب ۱۹
- ۶. علت مقابله ملت ایران با فرهنگ غربی ۲۰
- ۷. گرایش به سمت مدرگرایی و تجمل‌گرایی، کمند بسیار خطرناک فرهنگ غربی ۲۰
- ۸. عصیان جوانان غربی، پاسخی در برابر فشار تمدن غربی ۲۱
- ۹. مسائل جوانان، یکی از گرفتاری‌های بزرگ کشورهای غربی ۲۲
- ۱۰. بی‌تفاوتی و از دست رفتن نسل جوان، نشانه‌های زوال یک ملت ۲۳
- ۱۱. نمونه‌هایی از برخورد دوگانه غرب ۲۴
- ۱۲. برخورد دوگانه غرب با حجاب ۲۵
- ۱۳. برخورد دوگانه غرب با تروریسم ۲۶





- ۵۴. یکی از نشانه‌های مردسالاری غربیها، مسئله «آزادی زن» است!..... ۵۴
- ۵۴. این هم یکی دیگر از نشانه‌های مردسالاری در غرب..... ۵۴
- ۵۵. نگاه غرب به زن به عنوان موجود درجه دوم!..... ۵۵
- ۵۵. تا ۷۰-۶۰ سال قبل، زن در دنیای غرب هیچ حقی نداشت..... ۵۵
- ۵۶. زن در غرب حق مالکیت نداشت!..... ۵۶
- ۵۶. زنان غربی حق گرفتن مدرک تحصیلی نداشتند!..... ۵۶
- ۵۷. زن غربی حتی مالک اموال موروثی خودش هم نبود..... ۵۷
- ۵۷. نگرش اسلام نسبت به زن..... ۵۷
- ۶۱. الگوی زن اسلامی..... ۶۱
- ۶۲. عدم تفاوت زن و مرد در کسب فضائل بشری از دیدگاه اسلام..... ۶۲
- ۶۳. اسلام کرامت زن را می‌خواهد..... ۶۳
- ۶۴. زن مسلمان ایرانی باید قدر خود را بداند و از بازیچه‌های تمدن غربی رو بگرداند..... ۶۴
- ۶۴. باور غلطی که زاینده فرهنگ غرب است و باید از ذهن زنها خارج شود..... ۶۴
- ۶۹. دوست ندارم دختر و پسر ما در نوع آرایش و لباس و... دائم چشمان به غربی‌ها باشد..... ۶۵
- ۶۶. سرگرم شدن زنان به مد و زور و زیور..... ۶۶
- ۶۶. گرایش به مد و تجمل گرایی، یکی از بزرگترین عوامل انحراف زنان..... ۶۶
- ۶۷. اگر زهای یک جامعه فاسد شدند، طولی نمی‌کشد که..... ۶۷
- ۶۷. معنای حجاب..... ۶۷
- ۶۸. مقصود اسلام از حجاب این است که..... ۶۸
- ۶۸. حجاب، به معنای منزوی کردن زن نیست..... ۶۸
- ۶۹. حجاب است که می‌تواند عفت و طهارت و تقوی را در زن نگه دارد..... ۶۹
- ۷۰. ببینید چقدر مسأله عفت مهم است..... ۷۰
- ۷۳. بی بندوباری، مهمترین عامل بی‌رغبتی به تشکیل خانواده در غرب..... ۷۳
- ۷۴. عشق مصنوعی در خانواده‌های غربی..... ۷۴



- ۱۴. دموکراسی مورد ادعای کشورهای غربی، مطلقاً وجود ندارد..... ۲۷
- ۱۵. دیدگاه غرب نسبت به علم..... ۲۸
- ۱۶. علم، ابزار قدرت غربی‌ها..... ۲۹
- ۱۷. برتری علمی غرب به معنای برتری فرهنگ غرب نیست..... ۲۹
- ۱۸. به معنای ایرانی تخریب کردند که باید دنیامرو غرب باشی..... ۳۰
- ۱۹. سکولاریزه کردن علم در غرب، یک مغالطه و فریب بزرگ..... ۳۱
- ۲۰. برتری علمی غربی‌ها دلیل بر این نیست که ما عادات فرهنگی و رفتار و آداب معاشرت خود را هم از آن‌ها یاد بگیریم..... ۳۲
- ۲۱. نابآوری نسل کنونی به خودش ناشی از تکنولوژی پر سر و صدای غرب است..... ۳۳
- ۲۲. تحصیل کرده‌های کشورهای غربی و فراموشی هویت فرهنگی و ملی..... ۳۴
- ۲۳. مهمترین خلاء دنیای غرب، نداشتن یک ایدئولوژی متکی به یک تلقی درست از عالم است..... ۳۵
- ۲۴. نسل دانش پژوه کشور بدانند اگر امروز علمی با غربی‌ها است با همت و اراده می‌شود کاری کرد که فرادا آن ما باشد..... ۳۶
- ۲۵. آثار منفی هیمنه دانش غربی..... ۳۷
- ۲۶. غرب و استکبار، دین را مایه تخدیر و افیون ملت‌ها معرفی کردند..... ۳۹
- ۲۷. مقایسه دورمان اسلامی و غربی..... ۳۹
- ۲۸. غرب، در سراسرین سقوط..... ۴۲
- فصل دوم: نگرش اسلام و غرب نسبت به زن**
- ۴۷. دیدگاه اسلام و غرب نسبت به زن..... ۴۷
- ۴۹. الگوی زن غربی، برخاسته از الگوی زن رومی..... ۴۹
- ۴۹. اهانت غرب به زنان در قالب تکریم..... ۴۹
- ۵۰. رزمیه «آزادی زن» در فرهنگ غرب از کجا شروع شد؟!..... ۵۰
- ۵۱. معنای آزادی زن در غرب..... ۵۱
- ۵۲. در الگوی فرهنگ غرب، زن وسیله التذاذ مرد است..... ۵۲
- ۵۳. ارتباط آزاد زن و مرد در غرب، بزرگترین ضربه برای زن..... ۵۳



- ۶۰. آزادی جنسی و فروپاشی خانواده در غرب..... ۷۵
- ۶۱. فروپاشی خانواده و بی‌هویتی نسلها در غرب..... ۷۶
- ۶۲. سست کردن بنیان خانواده مهمترین راه نفوذ فرهنگ غرب در بین ملتها..... ۷۷
- ۶۳. متلاشی شدن خانواده، آخرین ضربه به فرهنگ غرب..... ۷۷
- ۶۴. ظهور ارزشهای انسانی در زن و مرد..... ۷۸
- ۶۵. زنان، محور اصلی خانه..... ۷۹
- ۶۶. عنصر اصلی تشکیل خانواده..... ۷۹
- ۶۷. برای زن، مسئله مادری، همسری و خانواده، یک محور اصلی است..... ۸۰
- ۶۸. شغل اصلی زن..... ۸۱
- ۶۹. بالاترین ارزش و افتخار برای زن، گرم نگه داشتن کانون خانواده است..... ۸۱
- ۷۰. رفتار مرد نسبت به زن در خانواده باید این گونه باشد..... ۸۲
- ۷۱. مردها باید به فکر بصیرت دادن به زن و فرزندان شان باشند..... ۸۲
- ۷۲. زن، گل خانه و زندگی است نه سرکارگر و مباشر..... ۸۳
- ۷۳. محیط امن خانواده، نیاز طبیعی و عاطفی زن..... ۸۴
- ۷۴. مهمترین هدف ازدواج در اسلام و سایر ادیان، تشکیل کانون خانواده است..... ۸۴
- ۷۵. ازدواج، یک امر انسانی است نه یک داد و ستد..... ۸۵
- ۷۶. سازش دختر و پسر، اساس ازدواج است..... ۸۶
- ۷۷. معیارهای غلط در ازدواج..... ۸۷
- ۷۸. ای پدرها! ای مادرها! به ازدواج جوانها بشتابید. معیارهای طاغوتی را دور بریزید..... ۸۸
- ۷۹. چرا مهریه‌های سنگین؟!..... ۹۰

ضمائم

- ۹۳. بی توجهی روزافزون به کودکان در آمریکا.....
- ۹۵. اهمیت حیاتی سه سال اول زندگی کودکان.....
- ۹۷. بروز تغییرات چشم‌گیر در خانواده‌های آمریکایی.....
- ۹۹. بحران خاموش از نگاه آمار.....
- ۹۹. هزینه‌های ناشی از غفلت از کودکان چیست؟.....

- خانواده در بحران..... ۱۰۱
- تأثیر تغییرات ساختاری دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بر ساختار خانواده در آمریکا..... ۱۰۴
- تغییرات در نظام تربیت کودک..... ۱۰۵
- افول ازدواج در جوامع صنعتی..... ۱۰۷
- زنان؛ قربانی خشونت رسانه‌ها..... ۱۱۲
- افتخار مادر بودن..... ۱۱۵
- اسطوره اول: فقط زنان بی سواد در خانه می‌مانند تا بچه‌ها را بزرگ کنند..... ۱۱۶
- اسطوره دوم: ماندن در خانه برای بزرگ کردن بچه‌ها، برابر است با خودکشی شفلی..... ۱۱۷
- اسطوره سوم: برخورداری از همه مزایا و مواهب مادری، با شاغل بودن تمام عیار نیز میسر است..... ۱۱۸





مقدمه

مجموعه‌ای که با عنوان «نکته‌های ناب» فرا روی شما است، گلچینی دلنشین و جذاب از بیانات رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی است که در طول سالهای ۶۸۸۳ در جمع دانشجویان، استادان دانشگاه‌ها، مسئولین شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر مجامع علمی و دانشگاهی ایراد گردیده است.

هر چند متن کامل بیانات معظم له در جمع دانشجویان و دانشگاهیان، هر ساله در قالب کتابی با عنوان «دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجویی مسلمان» به وسیله نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها چاپ شده و در اختیار دانشجویان عزیز قرار گرفته است؛ اما از آنجا که این بیانات حاوی مباحثی بسیار ارزشمند و راه‌گشا برای نسل جوان و به ویژه دانشجویان عزیز دانشگاه‌ها است، مرکز فرهنگی نهاد تصمیم گرفت نکات مهم و اساسی این بیانات را استخراج و پس از تدوین و فصل‌بندی به صورتی مناسب در اختیار مجامع دانشگاهی و فرهنگی قرار دهد. بدین ترتیب تمام مطالب پس از گزینش و فهرست‌بندی، در ۱۵ فصل تدوین و در قالب ۵ جلد تنظیم گردید:

جلد اول: دانشگاه، دانشجو، شکل‌های دانشجویی

جلد دوم: تولید علم و جنبش نرم‌افزاری، جوانان، هنر و موسیقی

جلد سوم: نظام و انقلاب، استکبار جهانی

جلد چهارم: فرهنگ و تهاجم فرهنگی، روشن فکری، ارزشهای دینی و اسلامی، مسائل سیاسی و اجتماعی

جلد پنجم: ویژگی‌های فرهنگ و تمدن غربی، نگرش اسلام و غرب نسبت به زن، نگرش اسلام و غرب به خانواده.

امید است این مجموعه، راهگشای دانشجویان، دانشگاهیان و نسل جوان فرهیخته کشور در صحنه‌های دفاع از آرمانهای عظیم انقلاب اسلامی گردد و مقدمات حضور هر چه بیشتر دین و ارزشهای الهی در فرآیندهای علمی و محیطهای دانشجویی را فراهم آورد و پیگیری مسئله تولید علم و جنبش نرم‌افزاری را در دانشگاه‌ها تسریع بخشد. در پایان وظیفه خرد می‌دانیم از تلاشهای خالصانه و چندین ماهه برادر عزیز جناب آقای دکتر حسن قدوسی زاده، که تدوین و تنظیم کامل این مجموعه را به عهده گرفتند تقدیر و تشکر کنیم.

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
معاونت آموزش و تبلیغ



بسم الله الرحمن الرحیم



فصل

تولید علم و جنبش نرم‌افزاری



فرهنگ ببینیم؛ نه.

فرهنگ غرب، مثل فرهنگ شرق، مثل فرهنگ هرجای دیگر دنیا، یک فرهنگ است که مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌ها است. یک ملت عاقل و یک مجموعه خردمند، آن خوبی‌ها را می‌گیرد، به فرهنگ خودش می‌افزاید، فرهنگ خودش را غنی می‌سازد و آن بدی‌ها را رد می‌کند. همان‌طور که گفتیم، در این زمینه، بین فرهنگ اروپایی، غرب، آمریکایی، آمریکای لاتین، آفریقا و ژاپن فرقی نیست و هیچ تفاوتی ندارد و در این حکمی که می‌گویم، همه یکسان هستند. ما در مقابل هر فرهنگی که قرار می‌گیریم، به‌طور طبیعی تا آن جایی که می‌توانیم، باید محسّنات آن را بگیریم و چیزهایی که مناسب ما نیست - بد و مضّر است - و با چیزهایی که به نظر ما خوب است، منافات دارد، آن را رد کنیم. این اصل کلی است. منتها در زمینه فرهنگی غربی نکته مهمی وجود دارد که من دلم می‌خواهد شما جوانان به این نکته توجه کنید. فرهنگ غرب - یعنی فرهنگ اروپایی‌ها - عیبی دارد که فرهنگ‌های دیگر، تا آن جایی که ما می‌شناسیم، آن عیب را ندارند، و آن «سلطه‌طلبی» است. این، قطعاً دلایل انسانی و جغرافیایی و تاریخی دارد.

از اول که این‌ها در دنیا به یک برتری علمی دست یافتند، سعی کردند همراه با سلطه سیاسی و اقتصادی خودشان - که به شکل استعمار مستقیم در قرن نوزدهم انجامید - فرهنگ خودشان را هم حتماً تحمیل کنند. این‌ها با فرهنگ ملت‌ها مبارزه کردند؛ این بد است. ملتی می‌گوید فرهنگ من باید در این کشور جاری شود! این چیز قابل قبولی نیست. هر چند هم خوب باشد، آن ملتی که این فرهنگ بر او تحمیل می‌شود، این را نمی‌پسندد. شما یقیناً خوردن نان و ماست را به میل و اشتیاق خودتان، ترجیح می‌دهید به این که چلوکباب را به زور در دهانتان بگذارند و بگویند باید بخوری! وقتی کاری زوری و تحمیلی شد؛ وقتی از موضع قدرت انجام گرفت و وقتی مستکبران و مستکبران‌ه تحمیل کردند، هر ملتی آن را پس



حیوانی، فراوان است. آن کسانی که از تکنولوژی و دانش جدید در این کشورها استفاده می‌کنند، طبقه خاصی از مردمند. آنهایی که برای یک شکم غذا مجبورند شرف و ناموس و شخصیت خودشان را بفروشند و انواع اهانت‌ها را تحمل کنند، توده عظیمی از مردمند. این، واقعیت قضیه است. ظواهر، پرزرق و برق و پرچلوه است. دورین تلویزیونها و خیر خیرگزارها چیزهایی را به عنوان تبلیغات به مردم دنیا ارایه می‌دهد که پرزرق و برق و چشمگیر است.

اگر تمدن غربی، با این همه پیشرفت علمی، با پیبودن فضا، با ثروت‌های عظیم مادی که در اختیار دارد و از کشورهای جهان سوم و فقیر دزدی و غارت کرده است، ادعا بکند که فقر را در کشورهای پیشرفته برانداخته، دروغ گفته است. پس، تمدن غربی، همان زندگی مادی راحت و برخوردار از رفاه را هم نمی‌تواند به همه انسانها بدهد.^۱

۳. سلطه‌طلبی، مهمترین نکته منفی فرهنگ غرب

نمی‌غرب، به هیچ وجه به معنی نفی فناوری و علم و پیشرفت و تجربه‌های غرب نیست و هیچ عاقلی چنین کاری را نمی‌کند. نفی غرب، به معنای نفی سلطه غرب است که هم سلطه سیاسی مورد نظر است، هم سلطه اقتصادی و هم سلطه فرهنگی. من در این فرصت اندک، در زمینه سلطه فرهنگی غرب چند جمله می‌گویم، شاید ان‌شاءالله برای شما مفید باشد. ببینید؛ فرهنگ غرب، مجموعه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌ها است. هیچ کس نمی‌تواند بگوید فرهنگ غرب یکسره زشت است؛ نه، مثل هر فرهنگ دیگری، حتماً زیبایی‌هایی هم دارد. هیچ کس با هیچ فرهنگ بیگانه‌ای این‌گونه برخورد نمی‌کند که بگوید که ما در خانه‌مان را صد در صد روی این

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا علیه السلام.



تمام فضای زندگی اینها را پُر کرده است. آیا بشر به این چیزها احتیاج داشت؟! کشورهای تولید کننده نفت، ثروت خدادادی متعلق به همه مردم را که باید صرف عمران و آبادی کشورشان بشود، می دهند و در مقابل وسایلی می گیرند که جز انحطاط و فساد در زندگی، تأثیر دیگری ندارند. همه اینها صادرات فرهنگ غربی و امریکا و اروپا به کشورهای جهان سوم است.

امریکا و اروپا و کشورهای غربی، در لابلای فرآورده های خوب تمدن خود - مثل صنعت و علم و تحقیق، که متعلق به همه بشریت است و برای گروه خاصی نیست - انواع و اقسام بدبها و فسادها و انحطاطها را وارد کشورهای جهان سوم کردند و مردم و جوانها و دولتها و ملتها را مبتلا و ذلیل نمودند و به خاک سیاه نشاندند. آنها از کارهای خود شرم نمی کنند و خجالت نمی کشند و به صادرات پلید خودشان به کشورهای دیگر افتخار هم می کنند!^۱

۵. علت گریز ما از فرهنگ غرب

ممکن است شما سؤال کنید که چرا باید از فرهنگ غرب و اروپا و امریکا گریخت و چرا باید ذهن خود را به روی آن بست؟ این سؤال بجایی است که مردم بعد از انقلاب، تا حدودی پاسخ آن را دریافته اند؛ لیکن در این مورد جمله کوثاهی را مطرح می کنم:

فرهنگ غرب، فرهنگ برنامه ریزی برای فساد انسان است، فرهنگ دشمنی و بغض با ارزشها و درخشندگیها و فضیلتهای انسانی است، فرهنگی است که همچون ابزار در اختیار خداوندان زور و زر و امپراتوران قدرت است. با این فرهنگ، در صدند نسل بنی آدم را از همه فضایل انسانی تهی دست کنند و انسانها را به موجودات فاسد و مطیع و تسلیم و غافل از یاد خدا و معنویت تبدیل کنند. منافع آنها، جز از طریق گسترش این فرهنگ تأمین نمی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم جمع کثیری از اقدار مختلف مردم شهرهای قم، رفسنجان و کهنوج، ۶/۴/۸۹.

می زند؛ باید هم بزند. مثلاً کراوات یک پدیده غربی است. غربی ها این را می خواهند، دوست می دارند و با استئشان هماهنگ است؛ اما شما که اهل فلان کشور دیگر هستید و تصادفاً کت و شلوار را انتخاب کرده اید، اگر کراوات نزنید، یک آدم بی ادب محسوب می شوید؟! چرا؟! این فرهنگ شماست؛ تقصیر من چیست؟ اگر کت و شلوار پوشیدید، باید پایتون و کراوات بزنید، و الا در فلان مجلس رسمی راه ندارید و یک آدم بی ادب و غیر منضبط و بی نزاکت تلقی می شوید! این، آن تحمیل فرهنگ غربی است. زن غربی، روش هایی دارد. آن ها نسبت به مسئله زن و روش زن و پوشش زن و ارتباطش با مردان و حضورش در جامعه، فرهنگی دارند - خوب یا بد، بخشی سر آن نداریم - اما سعی دارند این فرهنگ را به همه ملت های دنیا تحمیل کنند! در باب فرهنگ غربی، این بد است.^۱

۴. صادرات فرهنگ غربی به کشورهای

دنای غرب و سردمداران فرهنگ فاسد و منحط غربی، از این که فساد فحشا و اعتیاد و انواع و اقسام بدبختیها و روسیاهیها را به سراسر عالم صادر می کنند، خجالت نمی کشند؟! این فرهنگ فحشایی که امروز متأسفانه سراسر دنیا و بیش از همه، دنای فقیر جهان سوم را فرا گرفته، از کجا آمده است؟ این، یکی از صادرات فرهنگ غربی و تمدن استعماری و استکباری است. انواع و اقسام فسادها و انحطاطهایی که امروز بشریت را در فشار گذاشته و اعتیادهای خطرناکی که گریبان جوانها را در بسیاری از کشورهای فقیر و عقب افتاده گرفته، از کجاست؟ فرهنگ مصرفی غلط که بر بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی جهان سوم تحمیل شده، از کجاست؟ اگر شما وارد بازار کشورهای فقیر منطقه خوردمان - نفت خیز و غیر نفت خیز - بشوید، خواهید دید تبلیغات اجناس مصرفی مزید و غیر لازم غربی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ۱۳/۸/۱۳۷۷.





شود. این فرهنگ، برهنگی و اختلاط و امتزاج بی قید و شرط زن و مرد با هم است که یکی از پایه های اصلی فرهنگ غربی می باشد و از روز اول، برای فساد انسانها و خروج انسانیت از دایره ی فضایل انسانی بینگذارای شد. آنها که دلشان برای انسانیت نسوخته است.^۱

۶. علت مقابله ملت ایران با فرهنگ غربی

شما ببینید در دوران حکومت پهلویها و اندکی قبل از آن در اواخر حکومت قاجارها، که همین حمله غربیها شروع شده بود و در دوران پهلویها به اوج خود رسید، پرورش یافته های آن دوران، ملت ایران را اصلاً قابل این نمی دانستند که بتواند خودش را اداره کند، بتواند کاری بکند، بتواند چیزی بسازد، چیزی به دنیا ارائه دهد و یا بر معلومات دنیا اضافه کند. این به خاطر چیست؟ این به خاطر تحقیر فرهنگ ملت، تحقیر هویت ملی و تحمیل فرهنگ بیگانه است. هویت ملی با «فرهنگ» شکل می گیرد. هویت هر ملتی، فرهنگ اوست؛ این را ناپستی زخمی و جریحه دار کرد. علت مقابله ملت ایران با فرهنگ غربی این است، و الاً بله، فرهنگ غربی محسّنات و زیباییهای هم دارد. البته زشتیهای هم دارد که آن زشتیها بیخ و بن خودشان؛ اشکالی ندارد که ما زیباییهای فرهنگ آنها را فرا بگیریم. این که حالا آن زیباییها چیست، می تواند مورد بحث قرار گیرد.^۲

۷. گرایش به سمت مدرگرایی و تجمل گرایی، کمند بسیار خطرناک فرهنگ غربی

به اعتقاد من، گرایش به سمت مدرگرایی و تجمل گرایی و تازه طلبی و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با انتشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور ۶۸/۹/۸۵.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه مبارکه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۷۷/۱۱/۱۳.

افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل اینها، خانمها بایستی مقاومت کنند.

غربی ها برای این که از زن، آن چنان موجودی به وجود بیاورند که مورد نظر خودشان است، محتاج این هستند که دایماً مد درست کنند و چشمها و دلها و ذهنها را به همین چیزهای ظاهری و کوتاه نظرانه مشغول کنند. کسی که به این چیزها مشغول شد، کی به ارزشهای واقعی خواهد رسید؟ مجال پیدا نمی کند برسد. زنی که در فکر باشد از خود وسیله ای برای جلب نظر مردان بسازد، کی فرصت این را پیدا خواهد کرد که به طهارت اخلاقی فکر کند و بیندیشد؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ آنها این را می خواهند. آنها مایل نیستند که زنان جوامع دنیای سوم، دارای فکر روشن و آرمانخواه باشند؛ خودشان دنبال هدفهای بزرگ حرکت کنند و شوهر و فرزند خود را هم حرکت بدهند. زنان جوان در جامعه ما باید خیلی مراقب باشند، تا این کمند ناپیدای بسیار خطرناک فرهنگ و تفکر غربی را بشناسند؛ از آن پرهیز کنند و جامعه زنان را از آن جدا و برحذر بدارند.^۱

۸. عصیان جوانان غربی، پاسخی در برابر فشار تمدن غربی

در محیط بسیار شکننده و پرفشار تمدن صنعتی که در آن از معنویت، عواطف، دلبستگی های حقیقی، روحی و معنوی کمتر خبری هست و هر چه هست انضباط دروغین و زرق و برق ظاهری است، جوان عصیان می کند. در جامعه ای که شرط ورود به یک فروشگاه، منظم و مرتب بستن کراوات و پوشیدن فلان نوع لباس است، جوان از لیج سنتها، درست زشت ترین شکل ضدیت با سنتها را انتخاب می کند و در معرض عام ظاهر

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمع کثیری از پرستاران، به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری علیها السلام و روز پرستار، ۷۰/۸/۲۲.





می‌شود. این یک پاسخگویی طبیعی از سر عصبان است، نه اینکه آن جوان فیلسوف است که این کار را می‌کند. نه، آن جوان یک فرد عامی است، اما در آن محیط که چرخ و پر فشار تمدن مادی و صنعتی آن جور رگ و پی انسان را می‌کشد و بند از بند انسان جدا می‌کند، یک جوان چگونگی عصبان خود را نشان بدهد؟ اینگونه عصبان می‌کند، آن وقت جوان مقلد جهان سومی خیال می‌کند این یک مد است، از او تقلید می‌کند.^۱

۹. مسائل جوانان، یکی از گرفتاری‌های بزرگ کشورهای غربی

در هر جامعه‌ای مسأله جوانان یک مسأله بسیار مهم است. یکی از گرفتاری‌های بزرگ کشورهای غربی - که گاهی می‌گویند، گاهی هم کتمان می‌کند - مسأله جوانان آنهاست. شما خیال نکنید که مسأله جوان - چه دختر و چه پسر - در جوامع غربی حل شده است؛ نه. در بین هزار نفر جوان در آن جا، شاید نتوان یک نفر را پیدا کرد که این همه صفا و نورانیت و پاکی و طهارت در او مشاهده شود. خاصیت نظام‌های مبتنی بر مادیت و متکی به ارزش و اهمیت سرمایه و پول و آزادی شهوات، جز آنچه که امروز دارند آن را تجربه می‌کنند، چیز دیگری نیست.

امر تدریجی را چشم‌های تیزبین متفکران غربی در امریکا و اروپا مشاهده می‌کنند. در آن جوامع، جوان به طور معمول مایل به بی بندوباری، نابرخوردار از حیا و مایل به ارتکاب جنایت و تجاوز و تعدی تربیت می‌شود و در فساد اخلاقی غرق است. چنین نسل جوانی برای هر جامعه‌ای، در هر حدی از علم و معرفت و ثروت هم که باشد، مثل موربانه‌ای پایه‌های آن جامعه و نظام را می‌خورد و از بین می‌برد.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از تشکلهای دانشجویی کشور، قم، ۲۴/۹/۷۸.

نقطه مقابل آن را شما امروز در کشور خودمان مشاهده می‌کنید؛ شوق جوانی، نورانیت جوانی، صفای جوانی، دینداری و ایمان در جوانان؛ پدیده‌ای که از اول انقلاب تا امروز به طور مستمر مثل یک رودخانه زلال و پُرخروش در جریان بوده است. جوانان و نوجوانان کشور ما، در دوران جنگ و پس از جنگ توانستند پاکی خودشان را حفظ کنند. بعضی از آمارهایی که عکس این را ادعا می‌کند، آمارهای واقعی نیست. نه این که من از وجود جریانه‌ها و حرکات بدآموز در میان جوانان بی اطلاع باشم - نه، من می‌دانم چه می‌گذرد - اما در زیر این کفها و این گل و لایها، من جریان عظیم و خروشان نجابت و دیانت و اصالت و نورانیت را هم مشاهده می‌کنم.^۱

۱۰. بی تفاوتی و از دست رفتن نسل جوان، نشانه‌های زوال یک ملت برای هر اجتماعی این مهم است که جوانان آن اجتماع و آن کشور، چگونه فکر کنند، چگونه عمل و چگونه احساس کنند. نسل جوان برای هر کشوری در اصل تعیین کننده است؛ حتی اگر کشورهایی در اوج پیشرفت مادی و علمی و صنعتی و اقتصادی و ثروت‌های گوناگون باشند، اگر نتوانند نسل جوان خودشان را درست اداره کنند و نسل جوان از دست آنها برود، مطمئناً باید در انتظار آینده سختی باشند.

این اتفاقی است که امروز در دنیای غرب - به خصوص در بعضی از کشورهای غربی - دارد رخ می‌دهد. البته این جور طوفان‌های اجتماعی و تاریخی به تدریج خودش را نشان می‌دهد. آدم‌های ناهوشمند تا آن‌ها آخر هم نسبی فهمند چه شد؛ به طریق اولی آدم‌های خودخواه و خودپرست و سودطلب و به فکر جیب خود هم یا نمی‌فهمند، یا اگر هم بفهمند، برایشان اهمیت ندارد؛ اما آدم‌های تیزبین و دلسوز در هر جامعه‌ای این خطر را حس

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور، ۲۸/۱۲/۷۸.





فرهنگ کجاست؟ این عربانی زن به عنوان یک سنت، این رواج مسکرات به عنوان یک رسم رایج، متعلق به کجاست؟ این، متعلق به اروپاست و از فرهنگ قدیمی این کشورها ناشی شده است. حالا این رسماً در جاهای دیگر دنیا هم حجیت پیدا کرده است و اگر کسی با آن مخالفت کرد، کاتب مرتکب گناه کبیره‌ای شده است!^۱

۱۲. برخورد دوگانه غرب با حجاب

شما می‌بینید که در همین کشور ما، یک روز بی حجابی را اجباری کردند؛ اما احدی در دنیا اعتراض نکرد که چرا بی حجابی را اجباری می‌کنید! در کشور همسایه ما ترکیه، بی حجابی را اجباری کردند و تا همین اواخر هم حتی بعضی از دولتهای ترکیه، همین اجبار و الزام را ادامه می‌دادند - که نمونه‌هایی در همین سالهای اخیر دیده شد - اما هیچ کس در دنیا اعتراض نکرد و اعتراض نمی‌کند!

بالتر از این، در کشورهای اروپایی که خودشان را پیشرفته می‌دانند و در ادعا و تبلیغات، مسایل حقوق بشر و آرای انسانها برایشان حایز اهمیت است - یعنی فرانسه و انگلیس - اجازه ندادند که چند نفر زن یا دختر مسلمان، با حجاب اسلامی رفت و آمد کنند و به مدارس بروند! این اجبار و الزام را جایز می‌شمارند و در آن ایراد و عیبی نمی‌بینند؛ اما جمهوری اسلامی به خاطر این که حجاب را در جامعه الزامی می‌داند، همه این محافل، آن را مورد اعتراض قرار می‌دهند! اگر الزام زنان به شکلی از لباس و زینت ایراد دارد، ایراد آن بیشتر از الزام به حجاب است؛ زیرا این به سلامت نزدیکتر است. حداقل این است که این دو، با یک نظر دیده بشود؛ اما غرب این طوری عمل نمی‌کند.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با روحانیون و ائمه جمعه و جماعات استان مازندران، ۶۹/۲/۲۲



می‌کنند که ببینند نسل جوانشان دارد از دست می‌رود.

الان این اتفاق افتاده است؛ یعنی دلسوزان و هوشمندان در همان جوامع غربی که عرض کردم، احساس کرده‌اند که برای آن‌ها چه فاجعه‌ای دارد رخ می‌دهد. جوانهایشان به میزان بسیار زیادی دچار بلاهای اجتماعی مثل اعتیاد و این چیزها هستند. تعداد بسیار زیادشان دچار هیجانهای گمراه‌کننده‌اند که منجر به قتل و دزدی و غارت و جنایت و شهوترانیهای بسیار زشت می‌شوند. تعداد زیادی هم دچار بی تفاوتی هستند؛ در انتخاباتها و در مسایل جمعی شرکت نمی‌کنند، وقتی از آن‌ها سؤال می‌کنند که چرا شرکت نمی‌کنید، می‌گویند برایمان اهمیتی ندارد - حالت بی تفاوتی - اینها نشانه‌های زوال است.^۱

۱۱. نمونه‌هایی از برخورد دوگانه غرب

امروز در دنیا، روی چیزهای خاصی حساسیت هست. امروز در دنیا، روی کتک خوردن زن به وسیله شوهر، حساسیتی نیست. مردان در اروپا و امریکا - نه همه آنان - خیلی راحت زنانشان را کتک می‌زنند. روی ظلم کردن مرد به زن در خانواده، خیلی حساسیتی در دنیا نیست. آمارهایی که از این می‌کنند، نشان دهنده ی این است که پدران و شوهران در خانواده‌های امریکایی و اروپایی، خیلی راحت به فرزندان و همسرانشان ظلم می‌کنند. در دنیا روی این مسأله، خیلی هم جنجال نیست؛ اما روی پوشش زن حساسیت هست! اگر کسی، شخصیتی، فیلسوفی، نظامی، سیاسی، با عریان بودن زن مخالفت کند، این را در دنیا هو می‌کنند! روی بسیاری از فسادها و روشها و عادات، حساسیتی نیست.

اگر کشوری به عنوان یک سیاست، با مشروبات الکلی مخالفت بکند، این را در دنیا هو می‌کنند، لبخند تمسخر می‌زنند، او را مر تجع می‌نامند! این،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان سپهری ۷۸/۶/۸۳



جنگ حرف می‌زنید، خودتان هم می‌آید شمار صلح می‌دهید! آن‌ها این همه سلاح تولید می‌کنند و به همه دنیا می‌دهند. بنابراین حقیقت قضیه این است که خود آن‌ها بیشترین خشونت را مرتکب می‌شوند. از تروویسم صحبت می‌کنند؛ ولی مرادشان این است که چرا جمهوری اسلامی از مبارزان فلسطینی‌ای که از وطن خودشان دفاع می‌کنند، حمایت می‌کند. از نظر رسانه‌های جهانی، حمایت از تروویسم، یعنی حمایت از مبارزان فلسطینی! خراب کردن خانه فلسطینی روی سرش توسط تانک اسرائیلی و کشتن بچه چند ماهه، تروویسم نیست، اما وقتی نظامی خشن جنایتکاری در حادثه کشته می‌شود، در مطبوعات خودشان عکس زنش را جدا، عکس بچه‌اش را جدا، در حال گریه کردن و شیون زدن و عکس خاکسپاری‌اش را جدا منتشر می‌کنند؛ برای این که نشان دهند این طرف دارد خشونت می‌ورزد! این‌ها کارهای تبلیغاتی‌ای است که دارند می‌کنند.^۱

۱.۴. دموکراسی مورد ادعای کشورهای غربی، مطلقاً وجود ندارد

آن دموکراسی که امروز در اصطلاحات جهانی و دنیای غرب تعریف می‌شود و به آن افتخار می‌کنند، نه در آمریکا وجود دارد، نه در فرانسه و نه در انگلیس - حالا من آلمان را مثال نمی‌زنم که سابقه فاشیسم و نازی‌گری دارد - حتی در آمریکا و در فرانسه که خودش را مهد دموکراسی دنیا می‌داند، چنین دموکراسی که تعریف می‌کنند، مطلقاً وجود ندارد. فاصله زیادی با آن دارد. منتها یکی از خصوصیات و اخلاقیات غربی‌ها این است که زشت‌ترین پدیده‌ها را خیلی اطو کشیده و بسته بندی شده و ادکلن زده و زیبا عرضه می‌کنند - مثل همه بسته‌بندی‌هایشان - طبیعت آن‌ها این است! با کسی هم که می‌خواهند دعوا بکنند، ماها دست به یقه می‌شویم و داد و فریاد می‌کشیم؛ ولی آن‌ها فریاد نمی‌کشند؛ در قلب طرف گلوله برتاب می‌کنند؛ بدون این که خیلی هم

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه کشور، ۱۳۸۰/۵/۱۸.

غرب، جمهوری اسلامی را به عنوان کشوری که در آن، لباس زنان شکل الزامی دارد، مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ اما آن دولتهایی که برهنگی و نبودن حجاب میان زن و مرد را الزامی می‌کنند، آنها را مورد انتقاد قرار نمی‌دهند! این برای چیست؟ برای همین است که این برخلاف فرهنگ پذیرفته شده غرب است. اینها روی این مسأله به شدت حساسند.^۱

۱.۳. برخورد دوگانه غرب با خشونت و تروویسم

این حرف‌هایی که گاهی آدم می‌شنود که در دنیا ما را به خشونت طلبی متهم می‌کنند، ما الان باید چه کنیم، حرف‌هایی نیست که آدم‌های هوشمند و زیرک آن را بپذیرند یا بر زبان جاری کنند. برای از رو بردن یک ملت، بهترین راه این است که با انبوه تبلیغات متراکم او را از میدان خارج کنند، دائم او را متهم کنند و در موضع دفاع قرار دهند؛ این یک شیوه شناخته شده است. ما را به خشونت متهم می‌کنند؛ چه کسانی این کار را می‌کنند؟

یکی، دو سال پیش، یکی از رؤسای کشورهای اروپایی به این جا آمده بود. میدانید که در دیدارهای بین المللی سطوح بالا، خیلی از حرف‌ها، کلیات و نوعاً تعارف‌آمیز و ایده پراکنی است. او راجع به صلح صحبت کرد که بله، ما طرفدار صلح هستیم من خارج از پرتکل‌های معمولی این گونه ملاقات‌ها، حالت طلبگی به خودم گرفتم و گفتم شما اروپایی‌ها جنگ را به راه‌انداختید. خودتان هم دم از صلح می‌زنید! بزرگترین جنگ‌های تاریخ بشر را شما اروپایی‌ها به راه‌انداختید و آن همه آدم کشته شدند. ما که این طرف دنیا بودیم، باد جنگ شما این همه به ما خسارت وارد کرد؛ حالا هم آمده‌اید و دم از صلح می‌زنید!

«خودگویی و خودخندی، خودمرد هنرمندی». گفتم ما مشکلی به نام جنگ نداریم. هیچکدام از کشورهای اسلامی، طالب جنگ نیستند. شما از

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب خطبه نماز جمعه، ۱۳۸۰/۶/۱۰ (آینه زن، ص ۳۵۵).





توحیدی اسلامی رسیده باشند.^۱

۱۶. علم، ابزار قدرت غربی‌ها

یکی از موضوع‌هایی که نمی‌گذارند در کشورهای زیر سلطه رشد کند و به شدت مانع آن می‌شوند، مسئله علم است؛ چون می‌دانند علم ابزار قدرت است. خود غربی‌ها با علم به قدرت رسیدند؛ این یکی از پدیده‌های تاریخ بود. البته علم بین شرق و غرب دست به دست گشته و برای مدتی هم آن‌ها در جهالت بودند. در همان دوره قرون وسطا، که خودشان توصیف می‌کنند، در این طرف دنیا وقت شکوفایی علم بوده است؛ اما به مجرودی که آن‌ها به علم رسیدند، از علم به صورت یک ابزار برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه سیاسی و جذب ثروت ملت‌ها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت باز تولید علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند.

آن‌ها می‌دانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور، تأثیر دارد، لذا است که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آن‌ها مایل‌اند سلطه‌پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که بر برگرد ندارد و الا رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرده؛ باید کار کرد.^۲

۱۷. برتری علمی غرب به معنای برتری فرهنگ غرب نیست

گرفتن علم از دیگران، با گرفتن فرهنگ دیگران اشتباه نشود. این مغالطه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید دانشگاهها ۸۳/۹/۲۶.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار هیأت علمی و کارکنان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲/۴/۸.



عصبانی بشوند. با خونسردی آدم می‌کشند. این خصوصیت آن‌ها است.^۱

۱۵. دیدگاه غرب نسبت به علم

نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت توحیدی را در اختیار انسان می‌گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در سنتز با آنچه آن را دین می‌پنداشتند، آغاز شده. البته حق داشتند؛ دینی که رنسانس علیه آن قیام کرد و خط فکری و علمی دنیا را در جهت مقابل و مخالف آن ترسیم کرد، دین نبود؛ توهمات و خرافاتی بود با عنوان دین. دین کلیسایی قرون وسطایی، دین و معرفت دینی نبود. بدیهی بود که عقده‌ها و گره‌ها در ذهن دانشمندان و نخبگان و زیدگان فکری باقی بماند و برایش راه علاج‌های ضددینی و غیردینی پیدا کنند. لذا هنوز چگونگی کنار آمدن علم و دین برای آن‌ها مسئله است؛ لیکن مسئله ما این نیست.

در جهانی‌بینی ما، علم از دل دین می‌جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می‌شناسیم، جهانی‌بینی دینی‌ای که ما از قرآن می‌گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراءالطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولیدکننده و تشویق‌کننده علم است. نمونه‌اش را شما در تاریخ نگاه کنید؛ ببینید حرکت علمی در قرون اولیه اسلام بر اثر تشویق اسلام آن چنان اوج گرفت که تا آن روز در دنیا بی‌سابقه بود - در همه زمینه‌ها - و علم و دین با هم آمیخته و ممزوج بودند و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد.

پایه و مبنای علوم انسانی‌ای که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۷۵/۹/۱۵.



غیره یک نظریه علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده دنیا باشد، عده‌ای می‌ایستند و می‌گویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه فلائی است؛ حرف شما در روان‌شناسی، مخالف با نظریه فلائی است. یعنی آن‌طورمی که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، این‌ها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب این‌جاست که آن نظریات کهنه و منسوخ می‌شود و جایز نظریات جدیدی می‌آید؛ اما این‌ها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست می‌گیرند!

دهها سال است که نظریات پوپر در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی کهنه و منسوخ شده و دهها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته‌اند؛ اما در سال‌های اخیر آدم‌هایی پیدا شدند که با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سال‌های متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده و حرف‌های جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده‌ای هنوز وقتی می‌خواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه قدیمی نگاه می‌کنند!^۱

۱۹. سکولاریزه کردن علم در غرب، یک مغالطه و فریب بزرگ

در دنیا برای این که ثابت کنند که علم، ذات سکولار دارد و دانش با ارزش‌ها کاری ندارد، خیلی سعی شد و برایش فلسفه درست کردند؛ استدلال کردند و بحث کردند برای این که مفهوم دانش را یک مفهوم مجرد از ارزش‌ها معرفی کنند

علم و عقل، ابزار دو جنبه‌ای است؛ می‌تواند در خدمت ارزش‌ها قرار بگیرد، می‌تواند در خدمت حیوانیت و سببیت قرار بگیرد. بستگی به این

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های همدان ۸۳/۴/۱۷.



بزرگی است که کسی بگوید علم غربی‌ها خوب است، پس فرهنگ و سیستم زندگی و اخلاشان هم خوب است؛ نه، این‌ها با هم ملازمه‌ای ندارد. علمشان خوب است؛ اما این علم، پروریده و ساخته این فرهنگ نیست؛ حتی این فرهنگ دارد به این علم ضرر هم می‌زند. علم، مولدها و عناصر به وجود آورنده خاص خود را دارد؛ باید آن‌ها را پیدا کرد. فرهنگ بی‌بندوباری، بی‌دینی، خودپرستی، گرایش به پول و ماده و اصیل دانستن مادگیری و ارزش‌های مادی، فرهنگ‌های غلطی است که امروز غرب دچار این‌هاست.

اگر آن مردم، پارسا و صالح و نیکوکار و کم‌اعتنا به زخارف دنیا بودند، این دانش برای دنیا مفید می‌شد؛ همچنان که در دوره شکوفایی اسلامی در قرن چهارم و پنجم و ششم هجری، برجستگان علمی بی‌به وجود آمدند و دانش را به اوج قله آن روز رساندند و به هیچ وجه فرهنگی که امروز در غرب رایج است - فرهنگ بی‌بندوباری و بی‌دینی و امثال این‌ها - بر آن‌ها حاکم نبود؛ مثل ابن سیناها، محمدبن زکریای رازی‌ها، خوارزمی‌ها و دیگران. این‌ها در فرهنگی مثل فرهنگ غرب رشد نکردند؛ همچنان که دانشمندان بزرگ غرب و کسانی که دانش غرب را پایه‌گذاری کردند، هرگز در چنین فرهنگی رشد نکردند. بنابراین پیشروی و برتری علمی غرب را به هیچ وجه به معنای برتری فرهنگ غرب ندانید.^۱

۱۸. به مغز ایرانی تزریق کردند که باید دنباله‌رو غرب باشی

تهاجم فرهنگی بزرگ‌ترین است که در طول سال‌های متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم.

الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از برگزیدگان سپاه‌های جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمون‌های سراسری سال ۸۰ و ۸۱، ۱۳۸۱/۰۷/۰۳.

دارد که مدیریت علم با چه کسی است. اگر مدیریت علم به دست انسان‌های دنیا طلب و قدرت طلب و زراندوز و سلطه طلب بود، همین می‌شود که امروز شما در دنیا مشاهده می‌کنید؛ یعنی علم، ابزاری برای استعمار، استثمار، تحقیر ملت‌ها، اشغالگری و برای ترویج فحشا، سکس و هورن‌ن خواهی شد. اگر علم نبود، استعمار هم نبود. اروپایی‌ها به برکت علمشان توانستند در دنیا راه بیفتند و ملت‌ها را زیر سلطه استعمار بگیرند....

اگر مدیریت علم دست انسان‌های صالح باشد، این مسائل پیش نمی‌آید و علم در خدمت بشریت قرار خواهد گرفت؛ چون این ظرفیت را دارد و می‌تواند اینطور باشد. بنابراین، این که ما باییم علم را سکولاریزه کنیم؛ ثابت کنیم که علم نمی‌تواند با ارزش همراه باشد، یک مغالطه بسیار بزرگ و فریب بزرگ برای ذهن انسان‌هاست؛ نخیر، علم می‌تواند با ارزش همراه باشد. معنویت اسلامی با حیوانیت، با فساد و با سوءاستفاده از علم مشکل دارد، نه با دانش و فناوری و تحقیق. می‌تواند معنویت همراه با علم باشد و می‌تواند نتایج دانش و پژوهش در جهت معنویت حرکت کند.^۱

۲۰. برتری علمی غربی‌ها دلیل بر این نیست که ما عادات فرهنگی و رفتار و آداب معاشرت خود را هم از آن‌ها یاد بگیریم

عده‌ای فکر می‌کنند چون غربی‌ها از لحاظ علمی بر ما برتری دارند، پس ما باید فرهنگ و عقاید و آداب معاشرت و آداب زندگی و روابط اجتماعی و سیاسی مان را از آن‌ها یاد بگیریم؛ این اشتباه است. اگر استادی در کلاس به شما درس بدهد و خیلی هم استاد خوبی باشد و به او علاقه هم داشته باشید، آیا حتماً باید رنگ لباس خود را همان رنگی انتخاب کنید که او می‌پسندد؟ اگر این استاد عادت بدی هم داشت، شما باید این عادت بد را از

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲/۴/۸.

او یاد بگیرید؟ فرض کنید استاد وسط درس گفتن، دستش را در دماغش می‌کند؛ شما علم را از او یاد بگیرید، چرا این کار را از او یاد می‌گیرید؟ اروپایی‌ها کارهای غلط و خطا و رفتارهای زشت الی ماشاءالله دارند؛ چرا باید این کارها را از آنها یاد بگیریم؟ آن سرِدِ مجذوبِ مفتونِ دانش غربی‌ها می‌گفت: ما باید از فرق سر تا نوک پا غربی شویم. چرا؟ ما ایرانی هستیم و باید ایرانی بمانیم. ما مسلمانیم و باید مسلمان باشیم. آن‌ها بیشتر از ما علم دارند؛ خوب، ما می‌رویم علمشان را یاد می‌گیریم؛ چرا باید عادات و فرهنگ و رفتار و آداب معاشرت آن‌ها را یاد بگیریم؛ این چه منطق غلطی است؟

چون آن‌ها به دلیلی باید چیزی به نام کراوات دور گردنشان ببندند. البته ما نمی‌گوییم شما چرا کراوات می‌بندید؛ کراوات مال آن‌هاست. آیا ما هم باید از آن‌ها تقلید کنیم؟ منطق ما برای این کار چیست؟ چرا ما لباس و رفتار و آداب معاشرت و حرف زدن و حتی لهجه آن‌ها را تقلید کنیم؟ من گاهی می‌بینم در تلویزیون گزارشگر ما از فلان نقطه دنیا دارد به زبان فارسی گزارش می‌دهد و مطلب مربوط به ایران است؛ اما زبان فارسی را طوری حرف می‌زند مثل این که یک انگلیسی دارد به زبان فارسی حرف می‌زند؛ این، ضعف نفس و احساس حقارت است.^۱

۲۱. نابوری نسل کنونی به خودش ناشی از تکنولوژی پر سر و صدای غرب است

با آن سابقه علمی که ما در گذشته داشتیم، متأسفانه نسل امروز از آن بی‌خبر است. شماها همه تان الحمدلله اهل علم هستید و واردید و شاید این چیزها را از ما بهتر هم می‌دانید. می‌دانید که گذشته علمی ایران، واقعاً چه گذشته پرافتخاری بوده است. گاهی می‌گویند که فلان چیز قرون وسطایی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۲/۴/۱۷.



بود که این‌ها هویت خود را گم کردند.^۱

۳۳. مهمترین خلاء دنیای غرب، نداشتن یک ایدئولوژی متکی به یک تلقی درست از عالم است

دنیای اروپا، دنیای مسلط امروزه همان دنیای غرب و من تبعش هستند مهم‌ترین خلاء را دارند و آن، خلاء یک فکر، یک اندیشه راه‌ما و به اصطلاح متداول، یک ایدئولوژی است که متکی به یک فکر صحیح و یک تلقی درست از عالم وجود باشد. مهم‌ترین خلاء آن‌ها نداشتن این است؛ لذا مرتب سعی می‌کنند ایدئولوژی‌های دروغی، درست و تزویق کنند. یک علت عمده‌ای که از این انقلاب می‌ترسند، همین است که این انقلاب، یک تفکر صحیح درست‌تر شده متکی بر یک جهان‌بینی صحیح و یک تلقی مستدل و متین از آفرینش عالم دارد.

براساس این مجموعه، هرکسی می‌داند کجای دنیا و کجای راه قرار دارد و دارد به سمت کدام هدف حرکت می‌کند. زندگی، هدفدار و مبارزه نیز هدفدار می‌شود. در مبنا و تفکر اسلامی، هدف حیات انسان، رسیدن به درجات کمال است؛ کمال معنوی که حتماً آراستگی مادی را با خودش دارد؛ یعنی به تعبیر رایج، آخرتی که از دنیا عبور می‌کند. ایجاد یک جامعه عادلانه، یک جامعه صالح، یک کشور پیشرو و معنوی، در عین حال دارای قدرت‌های والای مادی، با جهت‌گیری معنوی، با اخلاق انسانی و با احساس حقیقی انسانیت.

بینید چه هدف والا و زیبایی است! غربی‌ها این را ندارند. همه این تمدنی که آن‌ها روی هم سوار کرده‌اند و این مسابقه‌ای که وجود دارد، براساس فرودپستی و سودپستی شخصی استوار است؛ لذا در این مسابقه، در یک جا

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان اتحادیه اسلامی شرق اروپا، ۷/۱۹/۱۳۸۱.



است؛ غافل از این که قرون وسطی برای اروپا روزگار ننگ است، اما برای ما روزگار نور است.

شما قرن چهارم هجری را نگاه کنید. کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری»، نوشته «آدام متز»، نشان می‌دهد که تمام محیط اسلامی، اصلاً بازار علم دنیاست، و آن نقطه اصلیش هم ایران است؛ یعنی همین اصفهان و ری و فارس و خراسان و هرات و مرو و ... این شهرها مرکز و قله علم دنیا بوده است؛ اما متأسفانه نسل امروز اینها را نمی‌داند. این ندانستن، نه به معنای این است که همین مطالبی را که من گفتم، نمی‌داند؛ چرا این مطالب را صد بار شنیده است؛ همه در کتابها هم گفته اند؛ همه جا هم گفته اند؛ اما باورش نیست! بی آن که به زبان انکار کند، یک حالت نابوری در همه نسل امروز و نسل قبل، نسبت به گذشته ایران وجود دارد؛ علتش هم این است که تمدن غرب و این تکنولوژی پرسروصدا، آن چنان آمده فضا را پر کرده، که حتی کسی جرأت نمی‌کند به شجره نامه خودش نگاه کند!^۱

۳۴. تحصیل کرده‌های کشورهای غربی و فراموشی هویت فرهنگی و ملی بلای بزرگی که بر سر نسل‌هایی از جوانان کشور ما در دوره‌ای در کشورهای دیگر آمده، این است که آن‌ها برای تحصیل علم به کشورهای دیگر رفته‌اند و چیزی هم یاد گرفته‌اند؛ اما یک چیز مهم‌تر را جا گذاشتند و فراموش کردند و آن، هویت فرهنگی و ملی خودشان بوده است. این‌ها به هر کشوری برگشتند، اگر چه عالم و از لحاظ علمی شاید مفید بودند؛ اما مثل یک بیگانه در کشور خود عمل کردند و نتوانستند به هدف‌های اساسی کشور و ملی خود خدمت لازم را بکنند. بسیاری از تحصیلکرده‌های در کشورهای اروپایی، در دوره‌هایی از کشور ما، عامل وابستگی شدند؛ این‌ها به خاطر آن

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای «گروه دانش» صدای جمهوری اسلامی ایران، ۷/۱۹/۱۳۸۱.



بیشرفت‌هایی به دست می‌آوردند، اما در چند جای دیگر، دچار اختلال می‌شوند. این اختلال‌های اخلاقی، این خلاهای فکری، این اختلالات عصبی جوان‌ها، این آشفتگی و بی‌هدفی جوان‌ها ناشی از آن سودپرستی و خودپرستی و شخص‌پرستی است.

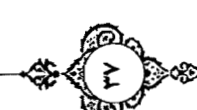
در نظام اسلامی، این جورری نیست. تفکر فلسفی اسلام و فهم درست از مبانی اسلامی، کاری می‌کند که انسان در هر لحظه‌ای از لحظات، احساس می‌کند در کجای راه و به سمت کدام هدف حرکت می‌کند؛ قدرت تحلیل برای حوادث پیدا می‌کند و وظیفهٔ خود را در هر شرایطی تشخیص می‌دهد. امروز باید جوان ما این جور باشد.^۱

۲۴. نسل دانش پژوه کشور بدانند اگر امروز برتری علمی با غربی‌ها است یا همت و اراده می‌شود کاری کرد که فردا از آن ما باشد

ما دویست سال از علم دنیا عقب مانده‌ایم؛ اما معنای رسیدن به مرزهای دانش این نیست که راهی را که اروپایی‌ها در طول دویست سال رفته‌اند، ما هم همان راه را در طول دویست سال برویم؛ بعد به آن‌جایی که امروز رسیده‌اند، برسیم؛ نه، این حرف‌ها نیست؛ ما راه‌های میان‌بر پیدا می‌کنیم. ما علم را از دست اروپایی‌ها می‌قاییم. ما از یاد گرفتن ننگمان نمی‌کنند.

اسلام می‌گوید قوام دنیا به چند گروه است؛ یکی از آن‌ها کسانی هستند که وقتی نمی‌دانند، در صدد یاد گرفتن باشند؛ از یاد گرفتن ننگشان نکند. ما دانش‌هایی را که امروز فرآوردهٔ ذهن و مغز و عقل بشر است، یاد می‌گیریم؛ آنچه را که بلد نیستیم، با کمال میل می‌آموزیم و به استادمان هم احترام می‌کنیم. به کسی که به ما علم بیاموزد، بی‌احترامی نمی‌کنیم؛ اما گرفتن علم از دیگری نباید به معنای این باشد که شاگرد باید تا ابد شاگرد بماند؛ نه، امروز

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی (طرح ولایت)، ۱۳۷۸/۶/۱۳.



شاگردیم، فردا می‌شویم استاد آن‌ها؛ کما این که آن‌ها یک روز شاگرد ما بودند، اما الان شده‌اند استاد ما.

غربی‌ها علم را از ما یاد گرفتند. شما به کتاب پیرو سو - «تاریخ علوم» - نگاه کنید؛ آن‌جا می‌گویید: چهار پنج قرن قبل تاجری در یکی از کشورهای اروپایی به استادی مراجعه می‌کند و می‌گوید می‌خواهم فرزندانم درس بخوانند؛ او را به کدام مدرسه بفرستم؟ استاد در جواب می‌گوید اگر به همین چهار عمل اصلی - جمع و ضرب و تفریق و تقسیم - قانع هستی، می‌توانی او را به هر کدام از مدارس کشور ما یا دیگر کشورهای اروپایی بفرستی؛ اما اگر بالاتر از آن لازم داری، باید او را به کشور آندلس یا به مناطق مسلمان‌نشین بفرستی. این را پیرو سو می‌نویسد؛ این حرف من نیست.

جنگ‌های صلیبی به آن‌ها کمک کرد تا از ما بیاموزند. هجرت دانشمندان ما به آن‌ها به این مناطق، کمک کرد تا از ما بیاموزند. هجرت دانشمندان ما به مناطق آن‌ها و منتقل شدن کتاب‌های ما به آن‌ها، کمک کرد تا از ما بیاموزند.

یک روز آن‌ها از ما یاد گرفتند و شاگرد ما بودند، بعد شدند استاد ما؛ الان هم ما از آن‌ها یاد می‌گیریم و شاگرد آن‌ها می‌شویم و بعد می‌شویم استاد آن‌ها. پس نسل دانش‌پژوه و محقق و پژوهندهٔ کشور ما بدانند؛ امروز اگر برتری علمی با غربی‌ها است، در آیندهٔ نه چندان دوری با همت و ارادهٔ شما می‌توان کاری کرد که فردا آن‌ها از شما یاد بگیرند.^۱

۲۵. آثار منفی هیمنهٔ دانش غربی

این که دیگران فرآورده‌های علمی داشته باشند و فرمول‌ها و کلماتی را به ما بیاموزند و ما بدون این که هیچ عمقی از آن به دست بیآوریم، آن کلمات را یاد بگیریم، به پیشرفت هیچ کشوری کمک نمی‌کند؛ نه ما و نه هیچ کشور

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های همدان، ۱۳۸۲/۶/۱۷.



۲۶. **غرب و استکبار، دین را مایه تخدیر و اقیون ملتها معرفی کردند**
ایمان قلبی و دینی در حرکت‌های سازنده تأثیر فراوانی دارد، برعکس آنچه که سالهای سال دنیای غرب و استکبار تبلیغ کرده و دین را مایه تخدیر و جرت زدن و به گوشه‌های خزیدن و از دنیا قهر کردن معرفی کرده بود. درست به عکس این واقعیت که مظهرش امام بود. امام یک متدین واقعی بود. ببیند با دنیا و با سیاستها و با حوادث و با سازندگی چگونه برخورد می‌کرد. این اثر دین است. آنهایی که می‌گفتند دین تریاک ملتها و اقیون ملتها است، آنها دین را نشناخته بودند، شاید هم سوءنیتی نداشتند. آنها دین را نشناخته بودند، یک چیز بی‌ربطی به نام دین در دست‌شان بود و دیده بودند که تخدیر کننده است. فکر کرده بودند که دین تخدیر کننده است، نه، دین تخدیر کننده نیست. البته آنچه آنها دیده بودند ممکن است تخدیر کننده باشد ولی دین اسلام برانگیزاننده و احیاکننده است.^۱

۲۷. **مقایسه دو رمان اسلامی و غربی**
ماجرای یوسف، فقط ماجرای چشم پوشیدن از یک شهوت جنسی نیست؛ مسأله، از این فراتر است. پسر جوان زیبایی برانزده‌یی در یک خانواده صددردصد اشرفی، مورد توجه ویژه بانوی آن خانه، و مورد اعتماد مرد آن خانه؛ این را در دهنتان فرض کنید. در خانه عزیز مصر، نوکرها، خدمتکارها و مباشرین - همه جور انسانی - هستند. وقتی جوانی که خود از شخصیتی هم برخوردار است، عاقل است، آگاه است، نجیب، پاکیزه و در نهایت زیبایی است، به یک صورت سوگلی مردخانه، و به یک صورت هم مورد نظر زن خانه است و همه اجزای این خانه، از چنین جوانی فرمان می‌برند و برایش احترام قائلند!

حالا این جوان، در معرض یک امتحان قرار می‌گیرد؛ در آن امتحانی که

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مراسم بیعت نیروهای سه گانه ارتش، ۶۸/۳/۱۸.

دیگری.
در گذشته سرچشمه علم در این کشور خشک شده بود. از طرق مختلف این کار صورت می‌گرفت: یکی این بود که در مقابل هیمنه پیشرفت دانش غربی، این تصور در کشور ما غلیظ شد و مورد تأکید قرار گرفت که ایرانی قادر نیست، ایرانی نمی‌تواند، ایرانی استعداد لازم را برای پیشرفت علمی و صنعتی ندارد. امروز این حرف به گوش شما بیگانه و ناآشناست؛ اما بدانید که در یک دوره طولانی، این فکر در کشور تولید و ترویج شد؛ گفتند ایرانی به درد ادبیات می‌خورد - ادبیات بزم و گل و بلبل و اینطور چیزها - آن هم ادبیات به معنای شعر؛ و آلت تحقیقات ادبی را هم باز باید اروپایی‌ها و مستشرقین اروپایی می‌آمدند می‌کردند. ایرانی به درد کارهای جدی و اساسی نمی‌خورد.

نتیجه فقر علمی، فقر صنعتی شد. نتیجه فقر صنعتی، خرج کردن همه سرمایه‌ها برای رسیدن به سطح زندگی معمولی متعارف دنیایی شد؛ یعنی وارد کردن، صنعت موتاز، دائم دنبال دیگران دویدن، نفت و همه سرمایه‌های داخلی را تقدیم کردن. نتیجه دیگرش این بود که خیلی از استعدادهای طبیعی - غیر از استعدادهای انسانی - در کشور ما متوقف ماند. وقتی مردمی دانشمند نبودند، اهل صنعت نبودند و فناوری و علم نداشتند، از بسیاری از ثروت‌های موجود طبیعی خودشان هم غافل می‌مانند. سال‌های متمادی می‌گذشت؛ نفت در این کشور بود، اما کسی نبود که بداند این نفت چیست و به چه درد می‌خورد! دیگرانی که پیشرفت کرده بودند، این ماده را می‌شناختند و کاربرد آن را می‌دانستند؛ لذا آن‌ها آمدند آن را کشف و استخراج کردند؛ صاحب آن شدند و به سود خودشان تصرف کردند؛ هم در کشور ما و هم در اغلب کشورهای نفت‌خیز دنیا. همه این‌ها دنباله عقب ماندگی علمی است.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۸۳/۸/۱۰.



همه شنیده‌اید و می‌دانید - وسوسه بانوی آن خانه - و این جوان - سربلند بیرون می‌آید. غلبه بر شهوت جنسی، بخش کوچکتر مسأله است. ببینید، فرهنگ قرآنی این است؛ این هنوز مرحله پایتزر آن است.

این که من راجع به آلودگیهای فرهنگ غرب، تکرار می‌کنم، برای خاطر این است که در مقام مقایسه - هر کجا مقایسه کرده باشد - در مقابل نور، ظلمت و [در مقابل پاکی، پلیدی قرار می‌گیرد.

داستان معروف «استاندال» - نویسنده معروف قصه‌نویس؛ کتابش هم «سرخ و سیاه» - از داستانهایی است که صد سال است به همه زبانها ترجمه شده، سالها پیش هم به فارسی ترجمه شده است. جووانی با همین خصوصیات وارد خانه‌ای می‌شود؛ البته خانه هم نسبتاً اشرافی است، نه مثل خانه عزیز مصر. این جوان هم مثل یوسف نیست. عیباً همین حادثه اتفاق می‌افتد؛ یعنی بانوی خانه، عاشق این پسر جوان می‌شود.

ماجرایهای بین این زن و این جوان، مظهر پلیدی است؛ پلیدی جنسی، خیانت، دناقت، بدقولی، پیمان‌شکنی، شهوترانی و غرق شدن در هوسها! استاندال، یکی از شاهکارهای قصه‌نویسی فرهنگ غرب است! آقای استاندال - نویسنده این کتاب - به خاطر همین کتاب، جزو رمان‌نویسهای درجه اول فرانسه، نام برده می‌شود! این کتاب هم از رمانهای درجه یک و یکی از ده رمان معروف دنیاست!

ببینید، اینهاست! آن هم درس است. رمان را فقط برای این نمی‌نویسند که کسی سرگرم بشود؛ اینها پیام دارد و نشان‌دهنده فرهنگ است. یعنی در واقع زندگی را به نحوی به خواننده خودش تعلیم می‌دهد.

قرآن، یوسف را در چنین آزمایشی آن چنان تصویر می‌کند که انسان می‌ماند در مقابل این عظمت چه بکند! در یک شرایط حساس، این بانو این جوان را گیر می‌اندازد و این جوان از دست او می‌گریزد و بعد بلافاصله متهم می‌شود. «وَأَلْقَىٰ سَيِّئَهَا لَدَىٰ الْبَابِ فَأَلَّا مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَن يُسْجَنَ

أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» تا عزیز مصر را در مقابل در اتاق مشاهده می‌کنند، فوراً انگشت اتهام را به طرف این جوان دراز می‌کنند؛ می‌گویند: این بود. بعد او به خاطر معصومیت خودش نجات پیدا می‌کند؛ قرینه و نشانه‌ای پیدا می‌شود که او اشتباه کرده است. این جا این قضیه تمام می‌شود.

خوب، این امتحان بزرگی است؛ امتحانی است که در هزاران انسان، یک نفر از آن سربلند بیرون نمی‌آید - حتی در مراحل پایتزرش - این جا یوسف، مظهر پاکی و پیراستگی و پرهیزگاری شده؛ لیکن از این بالاترش بعد است.

بعد که در مصر، بیج بیج می‌افتد که زن عزیز، عاشق پیشخدمت خودش شده است، زن عزیز برای این که تهمت را از خود برطرف بکند، زنان مصر را دعوت می‌کند - اینها قصه سرایی نیست، قرآن است، متن واقعیت؛ و قرآنی که درباره قضایای گوناگون، از نقاط غیر لازم عبور می‌کند، این جا داستان را با جزئیاتش نقل کرده است - و در مقابل هر کدام، کاردی می‌گذارد که میوه را با آن پوست بکنند.

برای هر کدام هم تکیه گاهی قرار می‌دهد که بلمند - متکاً - بعد می‌گوید که «اخرج علیهن»! این جوان را وارد مجلس می‌کند، در مقابل چشم این زنها! می‌خواهد تهمت را از خودش برطرف کند. چه تهمتی را؟ تهمت عشق به این جوان را؟ نه، تهمت هرزه‌گی را. می‌خواهد بگوید من زن هرزه‌ای نیستم؛ یوسف، این است، هر که می‌تواند از چنین جمالی صرف‌نظر کند، بسم‌الله! بعد که یوسف، وارد مجلس می‌شود، آن چنان فضای مجلس، مقهور جمال یوسفی می‌شود که همه آنها دستهایشان را می‌برند! «و قطعن ایدیهن». «قطعن» با «قطعن»، فرق دارد؛ «قطعن»، یعنی «قطع کردند» - «بریدند» - «قطعن»، یعنی به شدت زخمی کردند، به شدت بریدند. از دستپاچگی نمی‌فهمیدند دارند چه کار می‌کنند، همین طور که دستهای خودشان را بریدند؛ همه خونین شدند!

بعد زن عزیز مصر می‌گوید: این است آن جوان؛ و قسم می‌خورد که اگر



نمی فهمند، به تدریج می فهمند.

آن وقتی که بیماری ضربه خودش را تا اعصاب فرو آورد، آن وقت می فهمند. آن وقت هم دیگر هیچ علاچی نخواهد داشت. الان، جوامع غربی دارند به این سمت حرکت می کنند، آن هم به سرعت. یعنی، حقیقتاً به نقطه‌ای بسیار خطرناک سرایشی رسیده‌اند.^۱

در دنیای غرب، بنیان خانواده متزلزل شده است، خانواده‌ها دیر تشکیل می شوند، زود هم منهدم می شوند.^۲ فساد و فحشاء روز به روز بیشتر می شود، اگر این اتفاق به طور کامل بیفتد، آن جامعه به بیات عظیمی دچار خواهد شد، البته این طور بیماریها و گرفتاریها، چیزهایی نیست که ظرف ۵ سال یا ۱۰ سال خودش را نشان بدهد، لکن بعد از گذشت سالهای متمادی وقتی که اثر گذاشت، یک جامعه را به کلی منهدم و نابود می کند، ثروت‌های علمی و فکری و مادی و همه چیز را از بین می برد. این آینده در انتظار بسیاری از کشورهای غربی است.^۳

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقده، مورخه ۷۸/۱۲/۲۳. (مطلع عشق ص ۱۳)

۲. به ضمیمه شماره ۲ با عنوان «خانواده در بحران» مراجعه کنید.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقده، مورخه ۷۹/۸/۳. (مطلع عشق، ص ۴۱)

تسلیم خواسته من نشود، «لیسجن» او را به زندان خواهم انداخت. یوسف هم خودش می داند که قضیه این است، به او گفته‌اند؛ می گوید: «رَبِّ السَّجُنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ»؛ پروردگارا، زندان در نزد من، محبوبتر از این گناه، این هوسرانی و این چیزی است که اینها من را به آن دعوت می کنند!

این جا دیگر مسأله، فقط مسأله گذشت از یک هوس جنسی نیست؛ گذشت از همه چیز است؛ از آقایی، از راحتی، از زندگی در یک خانواده علاقمند و فریفته یک جوان، که در این زندگی چقدر به او خوش می گذرد! همه احترام، همه تکریم، همه تعظیم، آینده درخشان، پول فراوان، امکانات فراوان، هر چه بخواهد این جا برایش آماده است. از همه چیز، چشم می پوشد!

این، آن تفاوت است. به زندان می افتد. زندان هم، زندان یک و ماه و شش ماه و یک سال نیست؛ اصلاً زمان ندارد! زندانهای آن زمان، این طور بود که وقتی کسی به زندان می رفت، دیگر می رفت! بعضی روایات دارد که هفت سال، و بعضی دارد که چهارده سال در زندان ماند. بعد از زندان آزاد می شود و خدای متعال به او پاداش می دهد.^۱

۲۸. غرب، در سراسریشی سقوط

اگر شما امروز به بعضی از جوامع غربی نگاه کنید، به خصوص آنهایی که بیشتر آمیخته به مسائل صنعت و ارتباطات صنعتی و ماشینی هستند، خواهید دید که روز به روز به آلودگیها در آن جا زیاد خواهد شد. آلودگی اخلاقی و فساد که در جامعه‌ای رایج شود، آن جامعه را از هم خواهد پاشاند. حالا اینها مثل زلزله و سیل، بلایای دفعی نیست. بلکه اینها بلایای تدریجی است؛ منتها بی علاج. بلایایی است که وقتی بر جامعه‌ای نازل شد، به زودی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با تشکلهای مختلف دانشجویی دانشگاههای تهران.



نگرش اسلام و غرب نسبت به زن

۲۹. دیدگاه اسلام و غرب نسبت به زن
دنیای استکباری سرشار از جاهلیت، در اشتباه است که خیال می‌کند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان آرایش کند تا چشم‌های هرزه به او نگاه کنند و از او تمتع گیرند و او را تحسین نمایند.
بساط آن چیزی که امروز به عنوان «آزادی زن» در دنیا و از سوی فرهنگ منحط غربی پهن شده است، برپایه این است که زن را در معرض دید مرد قرار دهند تا از او تمتعات جنسی ببرند. مردان از آن‌ها لذت ببرند و زن‌ها وسیله التذاد مردان شوند. این، آزادی زن است؟ کسانی که در دنیای جاهل و غافل و گمراه تمدن غربی ادعا می‌کنند طرفدار حقوق بشرند، در حقیقت ستمگران به زن هستند.

زن را به چشم یک انسان والا نگاه کنید، تا معلوم شود که تکامل و حق او و آزادی او چیست. زن را به عنوان موجودی که می‌تواند مایه‌ای برای صلاح جامعه با پرورش انسان‌های والا شود نگاه کنید، تا معلوم شود که حق زن چیست و آزادی او چگونه است.

زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید؛ که خانواده اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت





نادارستی است. این شهوت است نه عشق! زن را این گونه خواستند پرورش و عادت دهند: به عنوان یک موجود مصرف‌کننده. مصرف‌کننده دست و دل‌باز و کارگر کم‌توقع و کم‌طلب و ارزان.

اسلام این‌ها را برای زن ارزش نمی‌داند. اسلام با کارکردن زن موافق است. نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آن‌جا که مزاحم با شغل اساسی و مهم‌ترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند. یک کشور که نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد! اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته‌باشد. نباید زن را تذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند.

تکبر از همه انسان‌ها مذموم است، مگر از زنان در مقابل مردان نامحرم! زن نباید در مقابل مرد نامحرم متکبر باشد. «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ»؛^۱ در حرف‌زدن مقابل مرد نباید خضوع داشته‌باشد. این، برای حفظ کرامت زن است. اسلام این را می‌خواهد و این الگوی زن مسلمان است.

۳۰. الگوی زن غربی، برخاسته از الگوی زن رومی

الگوی غربی امروز اروپایی، برخاسته و زاینده از الگوی باستانی رومی و یونانی آنهاست. آن روز هم این طور بود که زن وسیله‌ای برای تکلیف‌انداز مرد بود و همه چیز تحت الشعاع این بود، امروز هم این را می‌خواهند؛ حرف اصلی غربیها این است.^۲

۳۱. اهانت غرب به زنان در قالب تکریم

وقتی به تاریخ اروپا نگاه کنیم، در کتابهای تاریخ و نیز کتابهای هنری و

۱. سوره احزاب: آیه ۳۳.
 ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با پرستاران و افسار مختلف مردم، ۷۰/۸/۲۲، (آینده زن، ص ۳۱-۳۰).

آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه است، به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه‌کنند تا معلوم شود که او چگونه کمال پیدامی‌کند و حقوقش در چیست.

از روزی که اروپایی‌ها، صنایع جدید را به وجود آوردند - در اوایل قرن نوزدهم که سرمایه‌داران غربی کارخانه‌های بزرگ را اختراع کرده بودند - و احتیاج به نیروی کار ارزان و بی‌توقع و کم‌درده‌تر داشتند، زمزمه «آزادی زن» را بلند کردند؛ برای این که زن را داخل خانواده‌ها به درون کارخانه‌ها بکشانند؛ به عنوان یک کارگر ارزان از او استفاده کنند، جیب‌های خودشان را بپوشانند و زن را از کرامت و منزلت خود بیندازند.

امروز آنچه که به عنوان «آزادی زن» در غرب مطرح است، دنباله همان داستان و همان ماجراست. لذا ظلمی که در فرهنگ غربی به زن شده‌است و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بی‌سابقه‌است. در گذشته هم در همه جا به زن ظلم شده‌است، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌جانبه، مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است.

زن را به عنوان وسیله التذاذ مردان معرفی کردند و اسمش را «آزادی زن» گذاشتند! درحالی که به واقع آزادی مردان هرزه برای تمتع از زن و نه آزادی زن بود. نه فقط در عرصه کار و فعالیت صنعتی و امثال آن، بلکه در عرصه هنر و ادبیات هم به زن ظلم کردند.

شما امروز، در داستان‌ها، در رمان‌ها، در نقاشی‌ها، در انواع کارهای هنری نگاه کنید، ببینید با چه دیدی به زن نگریسته‌می‌شود؟ آیا جنبه‌های مثبت و ارزش‌های والا می‌که در زن هست، مورد توجه قرار می‌گیرد؟ آیا آن عواطف رقیق، آن مهربانی و خوبی مهرآمیزی که خدای متعال در زن به ودیعه گذاشته‌است - خوبی مادری، روحیه نگهداری از فرزند و تربیت فرزند - مورد توجه است یا جنبه‌های شهوانی و به تعبیر آن‌ها عشقی؟ (که این تعبیر غلط و





بکشاند؛ به عنوان یک کارگزار ارزان از او استفاده کنند، جیبهای خودشان را پرکنند و زن را از کرامت و منزلت خود بیندازند. امروز آنچه که به عنوان «آزادی زن» در غرب مطرح است، دنباله همان داستان و همان ماجراست. لذا ظلمی که در فرهنگ غربی به زن شده است و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بی سابقه است.^۱

۳۳. معنای آزادی زن در غرب

آنچه در غرب با عنوان شعار وجود دارد، در درجه اول آزادی زن است. آزادی، معنای وسیعی را شامل می‌شود؛ هم شامل آزادی از اسارت است، هم شامل آزادی از اخلاق است - چون اخلاق هم یک قید و بند است - هم آزادی از نفوذ مبنی بر سوء استفاده کارفرمایی است که زن را با مزد کمتری به کارگاه می‌کشند و هم شامل آزادی از قوانینی است که زن را در مقابل شوهر، متعهد می‌کند. آزادی، به همه این معانی می‌تواند باشد. کما این که در همین شعارهایی که نسبت به زن وجود دارد، طیف وسیعی از این مطالبات و درخواستها هست، که بعضی با یکدیگر به کلی متناقضند. این آزادی معنایش چیست؟

مستأفانه در دنیای غرب، بیشتر متفاهم از این آزادی، آزادی به معنای نادرست و مضر آن است - یعنی آزادی از قید و بندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی از حتی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آن جایی که هدف شوهانی زودگذری در مقابل قرار گیرد - نه آزادی به معنای صحیح آن. لذا شما می‌بینید جزو حرفهایی که در دنیای غرب زده می‌شود، مسأله آزادی سقط جنین است، که این نکته بسیار مهمی است و با این که ظاهر ساده و کوچکی دارد، اما باطن بسیار خطرناک و سهمگینی در

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمع کشوری از بانوان کشور، ۷۸/۹/۲۵. (آرشیو زن،



فرهنگی و رمانهایی که وضع مغرب زمین را نشان می‌دهد، هر چه به عقب بر می‌گردیم این مسأله کاملاً برجسته است و برخورد با زن یک برخوردی است که اسلام آن را رد می‌کند. یعنی در اروپا و غرب جنس مرد اجازه پیدا می‌کند به هر شکلی از جنس زن التذاذ ببرد و این در فرهنگ روم قدیم به اشکال مختلف وجود داشته. حالا یک وقت هست که یک زن، زن اشرافی است، این نسبت و این رابطه با او در یک سطح است. اما یک وقت، یک زن، زن رعیت و یک فقیر و بی سواد است اینجا برخورد با او متناسب با حال او است.

البته بدیهی است که این گونه سوءاستفاده از زن، گاهی با یک نوع تملق گفتن نسبت به زن هم هست، اما این تملق گفتن به هیچ وجه به معنای احترام و تکریم واقعی نیست، بلکه این یک اهانت واقعی است که مثالهای روشن و واضحی دارد، لکن نمی‌خواهم وارد آن مثالها شوم؛ زیرا ممکن است از تأدب خارج بشود، اگر چه از واقعیات است. من خواهش می‌کنم خانمها به این قضیه فکر کنند و آن مثالهای روشن و واضح را پیدا کرده آنها را به زنان تفهیم کنند. اگر دیده می‌شود در جامعه غربی نسبت به زن به نحوی از انتقام بعضی از تکریمها می‌شود و ستاره‌های سینما و هنرپیشه‌ها و زنهای زیبا در مسابقات زیبایی را مثلاً احترام می‌کنند، این از آن نوع تکریم در مقام اهانت و اهانت به شکل تکریم است.^۱

۳۲. زمزمه «آزادی زن» در فرهنگ غرب از کجا شروع شد؟

از روزی که اروپاییها، صنایع جدید را به وجود آوردند - در اوایل قرن نوزدهم که سرمایه داران غربی کارخانه‌های بزرگ را اختراع کرده بودند - و احتیاج به نیروی کار ارزان و بی توقع و کم دردمس داشتند، زمزمه «آزادی زن» را بلند کردند؛ برای این که زن را از داخل خانواده‌ها به درون کارخانه‌ها

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان، ۷۸/۲/۸۵.



این سخن مضمر و مندرج است. این، وسیله و شعار و مطالبه ای است که در غرب غالباً مطرح می‌شود؛ لذا می‌گویند نهضت آزادی زنان. در نظام صحیح، در یک مطالبه و مبارزه صحیح، هدف نمی‌تواند این معنای وسیعی باشد که یک بخش آن قطعاً مضمر است؛ اگر چه ممکن است بخشهای مفیدی هم در آن باشد. باید به دنبال شعارهایی بهتر، مناسبتر، صحیح‌تر و گره‌گشا تر گشت.^۱

بساط آن چیزی که امروز به عنوان «آزادی زن» در دنیا و از سوی فرهنگ منحن غربی پهن شده است، برپایه این است که زن را در معرض دید مرد قرار دهند تا از او تمتعات جنسی ببرند. مردان از آنها لذت ببرند و زن‌ها وسیله التذات مردان شوند. این، آزادی زن است؟ کسانی که در دنیای جاهل و غافل و گمراه تمدن غربی ادعا می‌کنند طرفدار حقوق بشرند، در حقیقت ستمگران به زن هستند.^۲

۳۴. در الگوی فرهنگ غرب، زن وسیله التذات مرد است

در الگوی اروپایی زن، مسأله این نیست که آنها می‌خواهند زن عالم باشد، اما اسلام نمی‌خواهد زن عالم باشد؛ آنها می‌خواهند زن در مناصب اجتماعی و صحنه اجتماعی باشد، ولی اسلام نمی‌خواهد؛ قضیه این نیست. اسلام زنان عالمه بزرگی پرورش داده است. اگر امروز هم در جامعه ما مشاهده کنید، می‌بینید که متخصصان زن، دانشمندان زن، پزشکان زن، محققان زن و هنرمندان بزرگ زن کم نیستند؛ انسانهای ارزش آفرین و صاحب فکر و مکتب در بین آنها هست. در صحنه سیاسی و در قوای مجریه و مقننه هم همین طور است. در همه بخشهای کشور، حضور زنان، حضور

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم بزرگداشت مقام زن در ورزشگاه آزادی، ۷۶/۷/۳۰، (آینده زن، ص ۲۸).
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمع کثیری از بانوان کشور، ۷۷/۹/۲۵، (آینده زن، ص ۲۸۲).

فعال است. بین ما و آنها، بین تفکر و ارزشگذاری اسلامی و غربی، بحث بر سر اینها نیست؛ بحث بر سر چیز دیگری است. الگوی غربی امروز اروپایی، برخاسته و زاینده از الگوی باستانی رومی و یونانی آنهاست. آن روز هم این طور بود که زن وسیله بی برای تکلیف و التذات مرد بود و همه چیز تحت الشعاع این بود، امروز هم این را می‌خواهند؛ حرف اصلی غربیها این است.^۱

۳۵. ارتباط آزاد زن و مرد در غرب، بزرگترین ضربه برای زن

یک چیزی در غرب هست که این چشم‌ها را پر می‌کند و آن این است که در جامعه، زن و مرد از لحاظ رفتارهای اجتماعی، با هم تفاوتی ندارند؛ یعنی همچنانکه در یک جلسه مردی وارد می‌شود، سلام علیکم و احوالپرسی می‌کند و جزو جمعیت می‌شود؛ زن هم با همان راحتی وارد می‌شود و جزو جمعیت می‌شود. یعنی هیچ گونه تبعیضی در رفتارها از این جهت، بین زن و مرد وجود ندارد. توجه کردید؛ این، چشم همه را می‌گیرد. انسان می‌بیند یک وضع خوبی است؛ همه هم از این وضع خوششان می‌آید. یعنی حتی آن کسانی که به دلایل منطقی با این مخالفند، می‌بینند چیز بدی نیست؛ در یک مجموعه، مثل دو بیگانه به هم نگاه نمی‌کنند، مثل خواهر و برادر که در خانه وارد می‌شوند با هم سلام و علیک دارند و زندگی می‌کنند؛ زن و مرد در غرب، این گونه با هم برخورد می‌کنند. این، یک نقطه مثبت، ولی سطحی و ظاهری است؛ در کنار این، نقاط منفی فراوانی وجود دارد...^۲ کسی که قطعاً به او ظلم می‌شود، زن است؛ زیرا مردی که همسر این زن است، با زن‌های متعدد دیگری ارتباطات عاطفی و جنسی دارد. ارتباطات کاملاً خودمانی و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمع کثیری از پرستاران، به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری علیها السلام و روز پرستار، ۷۰/۸/۲۲.
۲. به ضمیمه پایان کتاب مراجعه کنید.





فرهنگ قدیمی غربی است که مرد سرور زن است.^۱

۳۸. نگاه غرب به زن به عنوان موجود درجه دوم:

غربیها در زمینه شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار افراط و تفریط بوده اند. اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. شما به شعارهایی که در غرب داده می شود، نگاه نکنید؛ این شعارها پوچ است و حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را از این شعارها نمی شود فهمید. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد. کسانی که با ادبیات اروپایی، با شعر اروپایی، با رمان و داستان و نمایشنامه‌های اروپایی آشنا هستند، می دانند که در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و بعد از آن تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه دوم بوده است! هر چه بر خلاف این ادعا کنند، خلاف می گویند. شما به نمایشنامه‌های معروف شکسپیر انگلیسی نگاه کنید، ببینید با چه نفسی و با چه زبانی و با چه دیدی در این نمایشنامه‌ها و سایر ادبیات غربی به زن نگاه می شود! مرد در ادبیات غربی، سرور و ارباب زن و اختیاردار اوست، که بعضی از نمونه‌های این فرهنگ و آثار آن، امروز هم باقی است.^۲

۳۹. تا ۷۰-۶۰ سال قبل، زن در دنیای غرب هیچ حقی نداشت

دنیای غرب زن را به ابتدال کشاند. تا ۷۰-۶۰ سال قبل از این، در تمام اروپا و کشورهای غربی زن فقط در سیطره مرد (یا مرد خود یا یک مرد دیگر یا صاحب کارخانه و صاحب مزرعه) می توانست باشد و هیچ حقی از حقوق

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۷۶/۷/۳۰ (آینه زن، ص ۳۳۰).

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۷۶/۷/۳۰ (آینه زن، ص ۳۱۵).



صمیمی دارد که کم‌تر از آن را با عیال خودش ندارد! این برای زن بزرگترین ضربه است.^۱

۳۶. یکی از نشانه‌های مرد سالاری غربیها، مسئله «آزادی زن» است!

یکی از نشانه‌های مردسالاری غربیها همین است که زن را برای مرد می خواهند؛ لذا می گویند زن آرایش کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. می خواهند مرد آزاد باشد، حتی برای التذاذ بصری؛ لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرج در مقابل مرد تشویق می کنند! البته این خودخواهی را بسیاری از مردان در جوامعی که از دین خدا بهره مند نبودند، از دورانهای قدیم هم داشتند، امروز هم دارند؛ غربیها هم مظهر اعلامی این بودند. پس، این مسأله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدی گرفته شود و به آن اهمیت بدهند.^۲

۳۷. این هم یکی دیگر از نشانه‌های مردسالاری در غرب

امروز هم وقتی زنی با مردی ازدواج می کند و به خانه شوهر می رود، حتی نام خانوادگی او عوض می شود و نام خانوادگی مرد را بر خود می گذارد. زن تا وقتی نام خانوادگی خود را دارد که شوهر نکرده است؛ وقتی شوهر کرده، نام خانوادگی زن به نام خانوادگی مرد تبدیل می شود. این رسم غربیهاست؛ در کشور ما این طور نبوده، هنوز هم نیست. زن هویت خانوادگی خودش را با خودش حفظ می کند؛ ولو بعد از ازدواج، آن نشانه همان

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با زنان نماینده مجلس، ۷۶/۴/۳۰ (آینه زن، ص ۳۲۱).

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۷۶/۷/۳۰ (آینه زن، ص ۳۲۳).





تحصیلات عالی خودشان را بگیرند! در همین اواخر، در بعضی از کشورهای غربی - از جمله در انگلستان - یکی از مجلات یکی از کشورهای غربی - که نمی‌خواهم از آن کشور و از آن مجله اسم بیاورم - پیرزنی را معرفی کرده بود که در سال ۱۹۱۷ - یعنی تقریباً هفتاد سال قبل - در حدّ دکترا تحصیلات عالی کرده است؛ لیکن به او مدرک تحصیلی نداده‌اند! بعد سؤال می‌کند، چرا مدرک تحصیلی نداده‌اند؟ می‌گوید: چون تا سال ۱۹۴۷ در انگلستان، به زنانی که تحصیل می‌کردند، مدرک تحصیلی نمی‌دادند و می‌گفتند که زن نباید مدرک تحصیلی بگیرد! اینها امروز آمده‌اند و در مقابل جمهوری اسلامی، مدعی حقوق زن شده‌اند! در همان سالهایی که چنین حقارت‌هایی در فرهنگ غربی مشاهده می‌شد، در ایران اسلامی، «بانوی اصفهانی» اجازه اجتهاد از مجتهدان درجه اول آن روز اسلام داشت و در اصفهان، حوزه تدریس فلسفه و فقهش دایر بود! اسلام، این است.^۱

۴۲. زن غربی حتی مالک اموال موروثی خودش هم نبود

شما ملاحظه کنید در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدعی دفاع از حقوق زنان هستند - که تقریباً همه‌اش هم دورخ است - تا دهه‌های اول این قرن که تمام شد، زنان نه فقط حق رأی نداشتند، نه فقط حق گفتن و انتخاب کردند نداشتند، حق مالکیت هم نداشتند؛ یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود، اموال او در اختیار شوهر بود.^۲

۴۳. نگرش اسلام نسبت به زن

زن را از سه دیدگاه می‌شود مورد ملاحظه قرار داد تا بینش اسلامی نسبت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در سخنرانی در مرقد امام خمینی ره، ۷۶/۳/۸۴. (آیینه زن، ص ۳۱۷)

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با زنان، ۷۹/۶/۳۰. (آیینه زن، ص ۳۱۸)



اصولی یک انسان در جامعه متمدن را نداشت، حق رای نداشت، حق مالکیت نداشت و حق معامله نداشت. بعدها هم که زن را به میدان کار و زندگی و فعالیت اجتماعی کشانند، در همان حال تمام وسایل را برای لغزش او در متن جامعه فراهم کردند. زن را رها کردند و بی پناه گذاشتند. سرمایه‌داران بزرگ، سیاستمداران خبیث و پلید، گردانندگان دستگاه‌های مخفی برای کارهای سیاسی و اقتصادی فکر کردند اگر زن را به ابتذال بکشانند بهتر می‌توانند استفاده کنند.^۱

۴۰. زن در غرب حق مالکیت نداشت!

البته از اواخر قرن نوزدهم میلادی، حرکت‌هایی به نام آزادی زنان شروع شده است. بانوان گرمی؛ بخصوص زنان جوان که می‌خواهند در این زمینه‌ها بیدیشند، درست توجه کنند. نکته مهم این است که حتی وقتی در اروپا برای زن حق مالکیت معین شد - طبق بررسی موشکافانه جامعه شناسان خود اروپا - به خاطر این بود که کارخانه‌ها که تازه بساط فناوری مدرن و صنعت در غرب را گسترده بودند، احتیاج به کارگر داشتند؛ اما کارگر کم بود و احتیاج به کارگر زیاد احساس می‌شد. لذا برای این که زنان را به کارخانجات بکشانند و از نیروی کارشان استفاده کنند - که البته مزد کمتری هم همیشه به زنان می‌دادند - اعلان شد که زن دارای حق مالکیت است!^۲

۴۱. زنان غربی حق گرفتن مدرک تحصیلی نداشتند!

در همین کشورهای غربی، تا چند سال قبل از این - نه خیلی زیاد - زنانی که در مراکز آموزش عالی تحصیل می‌کردند، حق نداشتند مدرک کتبی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار گروهی از خواهران شهرهای مختلف به مناسبت ولادت حضرت فاطمه علیها السلام، ۶۸/۱۰/۲۷.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتمع خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۷۶/۷/۳۰. (آیینه زن، ص ۳۱۹)

به او آشکار شود. یکی نقش زن به عنوان انسانی در راه تکامل معنوی و نفسانی است که در این دیدگاه، زن و مرد با یکدیگر هیچ تفاوتی ندارند. در تاریخ زنان بزرگ و برجسته ای حضور داشته اند؛ همچنان که مردان بزرگ برجسته ای بوده اند. در قرآن، وقتی خدای متعال می خواهد برای مؤمنین مثال بزند، از زن مثال می زند: «وَصُوبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» زن به عنوان عنصر مؤمن برجسته ای که نظیر او در میان انسانهای آن روزها نبود یا کمیاب بود، حضور دارد. این، از دیدگاه اول.

دیدگاه دوم، در زمینه فعالیتهای اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است. از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به پیش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی اجتماعی بی نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان با قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورتهایشان اجازه می دهد، می توانند در فعالیتهای شرکت کنند.

آنها هر چه می توانند، تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنند. شرح مقدس، مانع نیست. البته چون از لحاظ جسمانی زن ظریفتر از مرد است لذا ضرورتهایی دارد. تحمیل کار سنگین بر زن، ظلم به زن است. اسلام این را توصیه نمی کند؛ چنان که منع هم نمی کند.

البته از امام علی بن ابی طالب علیه الصلاة والسلام نقل است که فرمود «المرأة ریحانة وليست بقهرمانه». یعنی زن گل است، قهرمانه نیست. «قهرمان» یعنی پیشکار و خدمتگزار آبرومند. خطاب به مردان می گوید که زنان در خانه های شما مثل گلی لطیفند که باید نسبت به آنها با کمال ظرافت و دقت رفتار کرد. زن، پیشکار شما و خدمتگزار شما نیست که خیال می کنید کارهای سنگین را باید به او محول کرد. این، مسأله مهمی است.

این که بعضی مردان وقتی می خواهند ازدواج کنند، شرط قائل می شوند

که زن باید حتماً کار کند و شغل و درآمدی داشته باشد. خطاست. گرچه خلاف شرع نیست، اما اسلام به چنین کاری هم توصیه نمی کند. این که ما بگوییم «زن را از فعالیت اقتصادی و اجتماعی ممنوع کنیم» به استناد نظر اسلام، غلط است. اسلام چنین حرفی نگفته است. اما از آن طرف، این را هم که زن را مجبور به انجام کارهای سنگین و تلاشهای دشوار اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی کند، اسلام توصیه نکرده است.

نظر اسلام، یک نظر میانه است. یعنی زن اگر فرصت و فراغت داشته باشد، بچه داری مانع او نگردد، شوق و علاقه و نیرو و توان جسمانی داشته باشد و بخواهد وارد فعالیتهای اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی شود، مانعی ندارد. اما این که او را مجبور کنند و بگویند باید حتماً شغلی بپذیری، روزی فلان قدر کار کنی تا با درآمد آن بتوانی در تأمین هزینه خانوار، سهمی به عهده بگیری، نه، این را هم اسلام از زن نخواست است. این را هم یک نوع تحمیل بر زن به حساب می آورد.

پس، به طور خلاصه، در دیدگاه دوم، نظر اسلام این است که در میدان فعالیت علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نباید بر زن تحمیل و اجبار کرد؛ چنان که به سد کردن راه او هم نباید پرداخت. اگر خانمها می خواهند وارد فعالیتهای اجتماعی و سیاسی شوند، مانعی نیست. البته فعالیت علمی، خیلی خوب است و بر سایر فعالیتهای ترجیح دارد.

من به خانواده ها توصیه می کنم که اجازه دهند دخترهایشان درس بخوانند. مبدا پدر و مادری، از روی تعصب دینی، خیال کنند که باید جلوی دختر را بگیرند تا تحصیلات عالی نگیرد؛ نه، دین چنین چیزی نگفته است. دین، برای تحصیل علم، میان دختر و پسر فرقی نمی گذارد. اگر پسر شما تحصیلات عالی می کند، بگذارید دختر شما هم به تحصیلات عالی بپردازد. بگذارید دختران جوان ما درس بخوانند، علم بیاموزند، آگاهی پیدا کنند، به شأن خودشان واقف شوند و قدر خود را بدانند، تا بفهمند که تبلیغات



﴿۱﴾



﴿۲﴾





روی کرده، تعادل به هم می خورد. اگر زن هم زیاده روی کرده، تعادل به هم می خورد. اسلام در داخل خانواده، دو جنس زن و مرد را مانند دو لنگه یک در، دو چشم در چهره انسان، دو سنگر نشین در جبهه نبرد زندگی و دو کاسب شریک در یک باب مغازه قرار داده است. هر کدام از این دو، طبیعت، خصوصیات و خصصتهایی، هم در جسم و روح و فکر و هم در غرایز و عواطف دارند که ویژه خودشان است. این دو جنس، اگر با همان حدود و موازینی که اسلام معین کرده است در کنار هم زندگی کنند، خانواده ای ماندگار و مهربان و با برکت و پرفایده خواهند داشت.

امروز در دنیای غرب، خانواده، بنیان بسیار سستی دارد. خانواده ها - بخصوص زنان - از جدایی و تلاشی رنج می برند. اگر خانواده ای، خدای ناکرده، متلاشی شود، هم مرد و هم زن، هر دو، سرگردان و آواره و ناراحت می شوند و رنج می بینند. اما در این میان، زن بیشتر رنج می بیند. امروز در دنیای غرب، زنان دچار این رنجند؛ چون خانواده ها به آسانی به هم می خورند، متلاشی می شوند و از بین می روند. گاهی خود زنان اقدام به فریباشی کانون خانواده می کنند؛ اما خود آنها هم، چوبش را بیشتر می خورند.

نکته مهم این است که در محیط خانواده همان طور که گفتیم این دو عنصر و دو موجود، ضمن برخورداری از خصوصیاتشان، با یکدیگر هماهنگی و همزیستی دارند. لکن زن از لحاظ جسمی، ظرافت بیشتری دارد و مرد، قویتر و گردن کلفت تر است. باین حال، اگر قانون از زن دفاع نکند، ممکن است مرد، نسبت به او تعرض کند.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۷۵/۶/۲۸، آبیته، ص، ۳۱-۳۰.

استکبار جهانی در خصوص زن، چقدر بی پایه و اساس و پوچ است. در سایه سواد، می شود اینها را فهمید.

امروز متدین ترین، انقلابی ترین، پاکترین و با ایمانترین دختران و زنان جوان ما، در میان قشرهای تحصیلکرده هستند. کسانی که اهل تجمل و چسبیدن به زر و زیورآلات هستند و با کورکورانه و چشم بسته می خواهند از الگوهای غربی در لباس و پوشاک و وضع زندگی تقلید کنند، غالباً از سواد و معلومات و معرفت کافی بهره ندادند. کسی که معلومات داشته باشد، می تواند رفتار خود را کنترل کند و آن را با هر چه حق و حقیقت و خوب است، تطبیق دهد. بنابراین، در میدان علمی، همه راههای فعالیت باید برای زنان باز باشد. دختران، حتی در روستاها هم درس بخوانند. توصیه من به پدران و مادران این است که بگذارند دختر بچه هایشان به مدرسه بروند و سواد بیاموزند. اگر آنها استعداد دارند و مایلند پس از طی مراحل ابتدایی به تحصیلات عالی و دانشگاهی بپردازند، ممانعت نکنید. بگذارید در جامعه اسلامی ما آنها جزو انسانهای با سواد و دارای معلومات شوند. این هم از دیدگاه دوم.

دیدگاه سوم، نگاه به زن، به عنوان یک عضو در خانواده است که این از همه مهمتر به نظر می رسد. عزیزان من! در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را بر او تحمیل کند. برای مرد در خانواده، حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. این حقوق، برای هر کس گفته و تشریح شود، مورد تصدیق قرار خواهد گرفت. همچنین، برای زن نیز در خانواده، حقوقی معین شده است که آن هم از روی مصلحت است.

مرد و زن، هر کدام طبیعت، اخلاق، روحیات و غرایزی دارند که ویژه خودشان است. آنها اگر از خلقیات ویژه خود به طور صحیح استفاده کنند، در خانواده، زوجی کامل و هماهنگ و مساعد تشکیل می دهند. اگر مرد زیاده

زن مسلمان باید در راه فرزاندگی و علم تلاش کند؛ در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند؛ در میدان جهاد و مبارزه از هر نوع جهاد و مبارزهای پیشقدم باشد؛ نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم ارزش، بی اعتنا باشد؛ عفت و عصمت و طهارتش در حدی باشد که چشم و نظر هرزه بیگانه را به خودی خود دفع کند؛ در محیط خانه، دلارام شوهر و فرزندانش باشد؛ مایه آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد؛ در دامن پر مهر و پر عطف و با سخنان پر نکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ انسانهای بی عقده، انسانهای خوش روحیه، انسانهای سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامن او پرورش پیدا کنند و مردان و زنان و شخصیت‌های جامعه را به وجود آورد.

مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و با ارزش‌تر است. بزرگترین دانشمندان، مسکن است مثلاً یک ابزار بسیار پیچیده الکترونیکی را به وجود آورند، موشک‌های قاره پیمای سازند، وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند؛ اما هیچ یک از اینها اهمیت آن را ندارند که کسی یک انسان والا به وجود آورد. و او، مادر است. این، آن الگوی زن اسلامی است.^۱

۴۵. عدم تفاوت زن و مرد در کسب فضائل بشری از دیدگاه اسلام

هدف از آفرینش هر فرد انسان، همان هدف از آفرینش بشریت است، یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره‌بردن از بیش‌ترین فضائلی که یک انسان و یک فرد می‌تواند به آن فضائل آراسته شود. لذا فرقی بین زن و مرد نیست. نشانمانش هم در درجه اول فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر زنان بزرگ تاریخ در درجه بعد از ایشان است. یعنی فاطمه زهرا علیها السلام در قله بشریت قرار دارد و کسی از

همانگونه که می‌بینیم، آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسلمان این فرصت و این قدرت را یافت تا خود را به این اوج برساند. پس فرقی بین زن و مرد نباید باشد. به خصوص شاید از همین جهت است که خدای متعال در قرآن کریم آنجا که راجع به نمونه انسان‌های خوب و نمونه انسان‌های بد مثال می‌زند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می‌کند که در یک مورد همسر فرعون را و در مورد دیگر همسر نوح و لوط را مثال می‌آورد: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا الْغُرَاتِ فَوْعُونَ﴾ در مقابل وقتی می‌خواهد در مورد انسان بد و نگو نبخت و انسانی که در جهت غلط حرکت می‌کند نمونه ارائه بدهد، به همسر نوح و لوط مثال می‌زند. در اینجا شاید جای سؤال باشد که چرا مثال از زن و مرد هر دو نمی‌آورد؟

در همه قرآن وقتی می‌گوید «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا» یا «كُفْرًا» در هر دو مثال را از زن می‌آورد و آیا این بدان معنا نیست که ما باید از دیدگاه اسلام پاسخی به برداشت غلط و متأسفانه مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن بدهیم؟

اسلام می‌خواهد در مقابل این برداشت و روش غلط و فهم نادرست که در طول تاریخ از مسأله زن وجود داشته است بایستد.^۱

۴۶. اسلام کرامت زن را می‌خواهد

اسلام با کار کردن زن نه تنها موافق است بلکه تا آنجایی که مزاحم شغل اساسی و مهمترین شغل او یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند. یک کشور نمی‌تواند از نیروهای کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد. اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروهی از زنان پزشک، ۶/۸۸۱۰/۲۶، آئینه زن، ص ۱۲۳.



خارج شود و آن باور غلط آن است که زن وسیله‌ای است برای التذاذ مرد. این باوری است که فرهنگ مصرفی و استعماری غرب به ما تحمیل کرده است که البته زمینه آن در کاخ‌های سلاطین و مرفهین تاریخ وجود داشته و آن‌ها اولین کسانی بودند که این بذر پلید را در ذهنیت جوامع پاشیدند؛ اما غرب آن را به اوج خود رسانید. این باور را باید از ذهن‌ها خارج کنیم و شاید از ذهن خود زن به همان دشواری خارج می‌شود که از ذهن مرد. زیرا هر دو بر اثر تلقین طولانی، این باور را پذیرفته بودند.^۱

۴۹. دوست ندارم دختر و پسر ما در نوع آرایش و لباس و... دائم

چشمشان به غربی‌ها باشد
من می‌خواهم بگویم اگر شما موی سرتان را می‌خواهید آرایش کنید، اگر می‌خواهید لباس بپوشید، اگر می‌خواهید سبک راه رفتن را تغییر دهید، بکنید؛ اما خودتان انجام دهید؛ از دیگران یاد نگیرید.
در کشورهای غربی و بیشتر از همه در آمریکا، حدود سه چهارم دهه پیش یک مشت جوان بر اثر واخوردگی از شرایط اجتماعی، دچار حرکت‌هایی شدند، که البته تا امروز هم ادامه دارد. در زمان ما مظهر این افراد، پیتل‌ها بودند که با آرایش عجیب و غریب و بانوعی موسیقی شبیه موسیقی پاپ - که الان در دنیا معمول است - ظاهر می‌شدند.

بنده بعد از انقلاب به الجزایر رفتم. در خیابان ماشین ما عبور می‌کرد. یک وقت دیدم پسر جوانی نصف موی سرش را تراشیده و نصف دیگر را باقی گذاشته است. هرچه من نگاه کردم، دیدم این آرایش، هیچ زیبایی ندارد. مشخص بود او از کسانی تقلید کرده است. در الجزایر، فشار صنعتی و فشار ابزار تولید و تکنیک بر زندگی مردم اصلاً آنتقدر نیست که یک جوان،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مصاحبه با ویژه‌نامه روز زن، روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۰/۲/۷۵، (آینه زن، ص ۱۵۶).

منافات داشته باشد. نباید زن را تذلیل کنند. نباید زن را وادار به تواضع خضوع کنند.

تکبر از همه انسانها مذموم است مگر از زنان در مقابل مردان نامحرم. زن باید در مقابل مرد نامحرم متکبر باشد ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾^۱ زن در حرور زن با مرد نباید حالت خضوع داشته باشد. این برای حفظ کرامت زن است. اسلام این را میخواهد و این الگوی زن مسلمان است.^۲

۴۷. زن مسلمان ایرانی باید قدر خود را بداند و از بازیچه‌های تمدن

غربی و بگرداند
زن‌های مؤمن در جامعه ما سعی کنند قدر زن ایرانی مسلمان را بدانند ارزش زن اسلامی و مسلمان را بدانند. زنی که در اختلاط و معاشرت، با مرد قاطی نمی‌شود و خود را وسیله‌ای برای جلب چشم مرد نمی‌داند و خود بالاتر از این می‌داند؛ زنی که شائش را عزیزتر از این می‌شمارد که خود عریان کند و با صورت و موی بدن خود، چشم روندگان را به سمت خویش جلب کند و هوس آن‌ها را اشیاع نماید؛ زنی که خود را در دامنه‌ی قله‌ای می‌داند که در اوج آن فاطمه زهرا علیها السلام بزرگترین زن تاریخ بشر قرار دارد. آن زن، زن مسلمان ایرانی است. این زن باید دیگر از این بازیچه‌های فراهم آمده تمدن غربی و روش‌های توطئه‌آمیز آن، رو بگرداند و به آن بی‌اعتنایی کند.^۳

۴۸. باور غلطی که زائیده فرهنگ غرب است و باید از ذهن زنها خارج شود

زن باید از باور غلطی که نسبت به خویش در ذهن او به وجود آورده‌اند

۱. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۳۲.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا علیها السلام و «روز زن» ۷۱/۹/۲۵.
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمع کثیری از زنان شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، ۶۸/۱۰/۲۶، (آینه زن، ص ۹۷).





احساساتی را پیدا کند که در امریکا یا انگلیس یا در جای دیگر پیدا می‌کرد؛ اما چون دیده بود آن‌ها انجام داده‌اند، او هم انجام می‌داد. بنده با این چیزها مخالفم و دوست نمی‌دارم چون ما این‌طوری حرکت کردیم و دختر و پسر ما دائم چشمشان به آن‌ها باشد.^۱

۵. سرگرم شدن زنان به مد و زور و زیور
 امروز سرگرم شدن به زور و زیور، برای زن انقلابی مسلمان ایران عیب است. امروز سر و سینه و دست را از زیور آلات پر کردن و زیور و آرایش و مد و لباس را بت خود قرار دادن برای زن انقلابی مسلمان ایرانی ننگ است. آن زنی که در پی این گونه چیزهاست از ارزش پایش برخوردار است. طلا برای زن ارزش آفرین نیست. بی‌اعتنایی به طلا ارزش آفرین است. مد برای زن ارزش آفرین نیست، بی‌اعتنایی نسبت به مدهای دام‌گونه ساخته و پرداخته دشمنان برای زن ارزش است. زن مسلمان که شخصیت خودش را پیدا کرده است باید مواظب باشد این شخصیت را کم نکند.^۲

۵۱. گرایش به مد و تجمل‌گرایی، یکی از بزرگترین عوامل انحراف زنان به اعتقاد من، گرایش به سمت مدگرایی و تجمل‌گرایی و تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل اینها، خانمها بایستی مقاومت کنند.

آنها برای این که از زن، آن چنان موجودی به وجود بیاورند که مورد نظر خودشان است، محتاج این هستند که دائماً مد درست کنند و چشمها و دلها

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های

استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار گروهی از خواهران شهرهای مختلف به مناسبت ولادت

حضرت فاطمه علیها السلام، ۶/۸۱۰/۲۷.

و ذهنها را به همین چیزهای ظاهری و کوتاه نظرانه مشغول کنند. کسی که به این چیزها مشغول شد، کی به ارزشهای واقعی خواهد رسید؟ مجال پیدا نمی‌کند برسد. زنی که در فکر باشد از خود وسیله‌ای برای جلب نظر مردان بسازد، کی فرصت این را پیدا خواهد کرد که به طهارت اخلاقی فکر کند و ببیندش؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟^۱

۵۲. اگر زنهای یک جامعه فاسد شدند، طولی نمی‌کشد که:

زن اگر فاسد شد، احتیاج نیست مردها را فاسد کنند، مردها به خودی خود فاسد می‌شوند. اگر زن یک نسل فاسد شد، هیچ لزومی ندارد که با سرمایه‌گذاری مردهای آن نسل را فاسد کنند، طولی نمی‌کشد که تمام مردهای آن نسل فاسد می‌شوند؛ زیرا زن تربیت‌کننده است، حال تربیت‌کننده انسان‌های با فضیلت و شجاع است یا انسان‌های بی‌ارزش و بی‌ایده آل. مادران یعنی زنان جامعه که مهم‌ترین حیثیت آن‌ها مادری است، باید اصلاح شوند تا تاریخ و آینده اصلاح شود.^۲

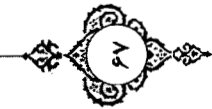
۵۳. معنای حجاب

حجاب برای زن به معنای ذلت زن نیست، بلکه به معنای عصمت و حفظ زن است و نه فقط عصمت و حفظ زن، بلکه عصمت و حفاظت زن و مرد هر دو... حجاب به معنای چادر نیست؛ اما چادر در نزد ما ایرانی‌ها که زنهای ما از قدیم داشتند، بهترین نوع حجاب است. بدون چادر هم حجاب ممکن است. حجاب به معنای پوشیدن سالم نه پوشیدنی که از پوشیدن بدتر است. به تعبیر روایات پوشیده عریان که در عین پوشیدگی مثل انسان

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار پرستاران، ۷۰/۸/۲۲ (آئینه زن، ص ۲۷۷).

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروهی از خواهران، ۶/۲/۲۱ (آئینه زن، ص

۲۳۸)





۵۵. حجاب، به معنای منزوی کردن زن نیست
مسأله حجاب به معنای منزوی کردن زن نیست. اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، این یک برداشت کاملاً غلط است. مسأله حجاب به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی قید و شرط زن و مرد در جامعه است. زیرا آمیزش و اختلاط بی قید و شرط، هم به ضرر جامعه و هم به ضرر زن و مرد به خصوص به ضرر زن است.^۱

۵۶. حجاب است که می تواند عفت و طهارت و تقوی را در زن نگه دارد
همیشه ما در طول زمان هر وقت گفتیم حجاب و عفت، عده‌ای گفتند آقا حجاب به عفت چه کار دارد، خیلی‌ها حجاب دارند، عفت ندارند خیلی هم عفت دارند، حجاب ندارند. در طول زمان هر وقت ما این حرف را می‌گفتیم تا حالا بعضی این را می‌گویند؛ در حالی که این حرف درستی نیست. عفت یک چیز است، حجاب یک چیز دیگر. اما عفت آن چیز غیر قابل دسترسی و غیر قابل تأثیرپذیری و آن صخره آسیب‌ناپذیر در انسان نیست؛ مثل همه خلقیات و خصلت‌های انسانی در معرض تهاجم قرار می‌گیرد. یکی از چیزهایی که می‌تواند آن را از تهاجم به دور بدارد و عفاف زن و طهارت او و تقوی او و حالت پرهیز و عصمت را در او نگه دارد، نداشتن معاشرت نامناسب در محیط زندگی و محیط کار و محیط جامعه است. معاشرت نامناسب یعنی معاشرتی که در او جهات فرهنگی و اخلاقی خاص رعایت نشده باشد. آن چیزی که می‌تواند به این نگهداری و مصون‌سازی و جداسازی کمک کند، حجاب است. بهترین چیز حجاب است؛ حجاب از طرف زن و حجاب از طرف مرد. حجاب مرد هم نگاه نکردن است، حجاب یعنی ممانع یعنی فاصل در زن.^۲ از نظر غرب و فرهنگ غربی یکی از

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار گروهی از خواهران بزرگ سراسر کشور، ۶/۸۱۰/۲۶.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در سمینار نقش زن در جامعه، ۶/۴۸۱/۲۸۱، (آئینه زن، ص

برهنه و عریان است، آن پوشیدن به درد نمی‌خورد، حجاب نیست، پوشیدن سالم که سر و مو و گردن و بدن و تمام سر تا پای بدن زن را پوشانده باشد. البته صورت و دو دست را بسیاری فقها مستثنا می‌دانند، البته در مواردی که صورت بدون آرایش و ساده باشد؛ این هم معنای حجاب.

البته زن‌های ایرانی روش چادر را پیدا کرده‌اند که بسیار هم روش خوبی است و هم زیبا است و منافعی با زیبایی زن نیست و هم حجاب حافظ کامل است. به هر حال حجاب را چه به شکل ایرانی، چه به شکل عربی، چه به شکل کشورهای دیگر که در هر یک از کشورهای اسلامی زن‌ها یک جور حجاب خود را حفظ می‌کنند، هر جوری که حجاب حفظ بشود، این نظر اسلام تأمین شده است، این یکی از پیشگیری‌های اسلام است.^۱

۵۷. مقصود اسلام از حجاب این است که
اسلام در باب حجاب، پوشش را معین نکرده است؛ مقصود را معین کرده است. مقصود این است که دیدار زن و مرد و ملاقات طبیعی آنها به صورت روز مره تبدیل به یک عامل تحریک نشود و این هدف اسلام است.

در کشورهای اسلامی خانم‌هایی هستند که مقیدند حجاب شرعی را که آیات قرآن به آن ناطق است رعایت کنند؛ ولی شما ببینید همه آن‌ها یک نوع رعایت می‌کنند؟ متدین‌ها و مقیدهایشان را می‌گویم، در کشورهای شمال آفریقا حجابی دارند که شما اصلاً با آن آشنا نیستید، در کشورهای شرقی یعنی هند و پاکستان حجابی دارند که باز هم شما با آن آشنا نیستید، این‌ها هم ناشی از همان شرایط فرهنگی و اجتماعی است.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه نماز جمعه، ۶۵/۵/۱۷، (آئینه زن، ص ۲۴۱).
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در مصاحبه با مجله شاهد بانوان، ۶۷/۲/۲۸، (آئینه زن، ص ۱۴۲).



ارزش‌هایی که برای زن متصور است این است که با وجود خود و با شخصیت خود وسایل التذاذ و بهرمندی دیگران را فراهم آورد. لذا وقتی ما بر اساس فرهنگ اسلامی اعلام می‌کنیم که اسلام برای معاشرت زن و مرد محدودیتی قائل شده و معاشرت بی قید و شرط زن و مرد را جایز ندانسته، ما را متهم می‌کنند که شما به زن اهانت می‌کنید. در حالی که اهانت آن چیزی است که در فرهنگ غرب نسبت به شخصیت زن دیده می‌شود.^۱

۵۷. ببینید چقدر مسأله عفت مهم است

این مسأله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قصبه عفاف در این بین سالم نگه داشته شود. اسلام به مسأله عفاف زن اهمیت می‌دهد. البته عفاف مرد هم مهم است. عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عظیم باشند. منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، می‌تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است. شما امروز هم که در دنیا نگاه کنید، می‌بینید یکی از مشکلات زنان در دنیای غرب، بخصوص در کشور ایالات متحده آمریکا، همین است که مردان با تکیه به زورمندی خودشان، به عفت زن تعدی و تجاوز می‌کنند.^۲ آمار منتشر شده از سوی مقامات رسمی خود آمریکا را من دیدم که یکی مربوط به دادگستری آمریکا و یکی هم مربوط به یک مقام دیگری بود. آمارها واقعا وحشت‌انگیز است. در هر شش ثانیه، یک تجاوز به عفت در کشور آمریکا صورت می‌گیرد! ببینید چقدر مسأله عفت مهم است.^۳

۲۲۵.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در کنگره بین‌المللی زن و انقلاب، جهانی اسلام ۶۶/۱۱/۸۷.

آینه زن، ص ۲۳۰.

۲. به ضمیمه شماره ۵ با عنوان «زن قربانی خشونت» مراجعه کنید.

۳. اجتماع خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۷۶/۷/۳۰. آینه زن، ص ۲۳۳.





نگرش اسلام و غرب به خانواده

۵۸ بی بندوباری، مهمترین عامل بی رغبتی به تشکیل خانواده در غرب یکی از چیزهایی که انسان را، زن و مرد را به محیط خانواده علاقه‌مند و وابسته می‌کند، این است که غریزه جنسی او، شهوات او که یکی از ارکان وجودی انسان است در خانه برآورده شود. اگر مرد و زن در غیر محیط خانواده، در محیط اجتماع، در محیط تحصیل، در محیط کار، در محیط‌های غیر قانونی به لذات جنسی و تمتعات جنسی خود سرگرم و مشغول شوند؛ بزرگترین ضایعه‌ای که به وجود می‌آید، این است که پیوند قوی میان زن و مرد و میان خانواده پاره می‌شود و از بین می‌رود.

آن مردی که تشنگی شهوات جنسی خودش را در خارج از محیط خانواده تأمین می‌کند و سیراب می‌کند یا آن زنی که این حالت را دارد، خانواده برای او آن جاذبه‌ای را ندارد که برای یک زن و مرد عقیف و معصومی که آن مرد هیچ زنی را جز زن خودش و آن زن هیچ مردی را جز مرد خودش نمی‌شناسد دارا است. این است که وقتی فساد در جامعه رایج شد، وقتی بی‌بندوباری جنسی در جامعه به وجود آمد، زن و مرد به محیط خانواده علاقه‌ای نخواهند داشت. جوان به تشکیل خانواده رغبتی ندارد. دختر و پسر به ازدواج دیگر علاقه‌ای ندارند.



همان طور که شما ملاحظه می‌کنید در دنیای امروز و در فرهنگ غربی امروز مطلب این چنین است. البته فرهنگ غربی، ناشی از شیوه‌های خبیث و پلید سرمایه‌داری غربی است. اما متأسفانه در همه جای دنیا حتی در کشورهای غیر سرمایه‌داری و کشورهای جهان سوم کشانده شده است. آنجاها به صورت یک فرهنگ رایج شده است و در آنجاها شما ملاحظه می‌کنید که دختر و پسر به ازدواج چندان رغبتی ندارند. سنین ازدواج سنین دیری است؛ در حالی که در اسلام سنین ازدواج سنین زودی است. این برای همین است که اگر در جامعه فساد به وجود آید، خانواده ضعیف می‌شود و اگر خانواده قوی بود فساد در جامعه زمینه رشد پیدا نمی‌کند. این یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های اسلام است برای این که در سطح جامعه بی‌بندوباری جنسی و برآمدن شهوات به صورت آزاد و بی‌قید و شرط وجود نداشته باشد. این یک نکته برای حفظ خانواده است و خانواده به عنوان کانون آرامش و آسایش برای هر زن و مردی لازم است.^۱

۵۹. عشق مصنوعی در خانواده‌های غربی

در بعضی از کشورهای دنیا که پیشرفت علم و تمدن هم خیلی سریع است، زندگی بر آنها این طور تحمیل کرده که اعضای خانواده به هم چندان کاری ندارند. پدر یک جا مشغول، مادر یک جا مشغول؛ نه همدیگر را می‌بینند، نه برای هم غذا می‌پزند، نه برای هم محبتی و عاطفه‌ای نثار می‌کنند، نه از هم دلجویی می‌کنند، نه با هم کار واقعی دارند. آن وقت برای اینکه به سفارش روانشناسان امور کودکان عمل کرده باشند، با هم قرار می‌گذارند یک ساعت معینی را، پدر و مادر ببینند خانه و یک محفل خانوادگی داشته باشند. برای اینکه بتوانند این اجتماع خانوادگی را که در یک خانواده سالم به طور طبیعی وجود دارد، اینها به صورت تصنعی برای خود

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه، ۶۵/۷/۸۹ (آئینه زن، ص ۱۰۷).

به وجود بیاورند. آن وقت این خانم یا آقا مرتب ساعتش را نگاه می‌کند که ببیند این ساعت کی تمام می‌شود، چون مثلاً ساعت ۶ یک جای دیگر قرار دارد. این طوری محفل خانوادگی درست نمی‌شود و بچه‌ها هم احساس انس نمی‌کنند.^۲

خانواده‌ها، آن جاگرم نیستند. خانواده اصلاً آن جا واقعیت ندارد. یک مرد و زن با هم توی یک فضایی زندگی می‌کنند اما از هم جدا نیستند و برخاسته‌های خانوادگی، آن محبت‌های خانوادگی، آن انس‌های فراوان به هم، اینکه مرد خودش را محتاج به زنش ببیند و زن خودش را محتاج به شوهرش ببیند، اینها دیگر نیست. دو نفرند به صورت قراردادی که فقط در یک خانهای زندگی می‌کنند. اسمش هم هست که از زندگی‌شان با عشق شروع می‌شود!^۳

۶۰. آزادی جنسی و فروپاشی خانواده در غرب

در دنیای غرب و بخصوص در آمریکا و بعضی از کشورهای اروپای شمالی معروف است که بنیان خانواده خیلی متزلزل است. چرا؟ علت این است که در آن جاها آزادی جنسی و بی‌بندوباری جنسی زیادتر است. وقتی بی‌عفتی رایج شد، یعنی مرد و زن این نیاز غریزی را در جایی دیگر غیر از خانواده، غیر از کانون خانواده، تأمین کردند، این کانون خانواده در واقع یک چیز بی‌معناست: یک چیز تحمیلی و تشریفاتی است. لذا از نظر عاطفی از هم جدا می‌شوند. حالا ظاهراً جدایی، بینشان نیست اما به هم علاقه و دل‌بستگی ندارند.

اگر انسانها رها بودند که غریزه جنسی را هر طور می‌خواهند اشباع کنند،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقد، مورخه ۷۹/۴/۲۲ (مطلع عشق، ص ۳۹)
 ۲. به ضمیمه شماره ۱ با عنوان «بی‌توجهی روزافزون به کودکان در آمریکا» و ضمیمه شماره ۲ با عنوان «خانواده در بحران» و ضمیمه شماره ۳ با عنوان «تأثیر تغییرات ساختاری دهمه‌های ۶۰ و ۷۰ بر ساختار خانواده در آمریکا» مراجعه کنید.
 ۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقد، مورخه ۷۳/۹/۲ (مطلع عشق، ص ۴۰)





۶۲ سست کردن بنیان خانواده مهمترین راه نفوذ فرهنگ غرب در بین ملت‌ها آن کسانی که می‌خواهند در یک کشور یا جامعه‌ای نفوذ پیدا کنند، فرهنگ آن جامعه را در مشت خود بگیرند و فرهنگ خود را به آن‌ها تحمیل نمایند، یکی از کارهایشان، معمولاً مترزل کردن بنیان خانواده است، کما اینکه در خیلی از کشورها این کار را متأسفانه انجام داده‌اند. مرد‌ها را بی‌مسئولیت و زن‌ها را بداخلاق کرده‌اند.^۱

انتقال فرهنگ‌ها و تمدنها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و یک فرهنگ در جامعه و انتقالش به نسل‌های بعد، به برکت خانواده انجام می‌پذیرد. خانواده که نبود، همه چیز متلاشی می‌شود. اینکه می‌بینید غریب‌ها در داخل کشورهای شرقی و اسلامی و آسیایی، این همه سعی می‌کنند شهوترانی و فساد را رواج دهند، برای چیست؟ یکی از علل آن همین است که می‌خواهند با این کار خانواده‌ها را متلاشی کنند تا فرهنگ این جوامع تضعیف شود؛ تا بتوانند سوار اینها شوند. چون تا فرهنگ یک ملتی تضعیف نشود، کسی نمی‌تواند او را مهار کند، به دهان او دهنه بزند و سوار دوش او بشود، آن چیزی که ملتها را بی‌دفاع کرده و در دست اجانب اسیر می‌کند، از دست دادن هویت فرهنگی است. این کار هم با برهم خوردن بنیان خانواده‌ها در جامعه آسان می‌شود.

اسلام می‌خواهد این را حفظ کند. این خانواده را نگهدارد. زیرا در اسلام یکی از مهمترین کارها برای رسیدن به این اهداف، تشکیل خانواده و سپس حفظ بنیان خانواده است.^۲

۶۳. متلاشی شدن خانواده، آخرین ضربه به فرهنگ غرب امروز، ببینید که در امریکا و انگلیس، همجنس‌نازی، رسمی و قانونی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقده، مورخه ۷۶/۱۲/۸۸. (مطلع عشق، ص ۴۲)
 ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقده، مورخه ۷۷/۱/۲۶. (مطلع عشق، ص ۴۳)



با خانواده تشکیل نمی‌شد یا یک چیز سست و پوچ و تهدیدپذیر و ویرانی‌پذیری می‌شد و هر نسیمی آن را به هم می‌زد. لذا در هر جای دنیا که می‌بینید آزادی‌های جنسی هست، به همان نسبت خانواده ضعیف است؛ چون مرد و زن برای اشباع این غریزه، احتیاجی به این کانون ندارند. اما در آن جاهایی که دین حاکم است و آزادی جنسی نیست، همه چیز برای مرد و زن هست، لذا این کانون خانواده حفظ و نگهداشته می‌شود.^۱

۶۱. فروپاشی خانواده و بی‌هویتی نسل‌ها در غرب امروز آنچه در کشورهای غربی مشاهده می‌شود عبارت است از نسل‌های بی‌هویت، نسل‌های در مانده و سرگشته، پدر و مادرهایی که از فرزندانشان سالها خبر ندارند؛ در یک شهر هم زندگی می‌کنند چه برسد به اینکه در شهر دیگری باشند. خانواده‌های متلاشی شده، انسان‌های تنها...^۲

در کشورهای اروپایی و آمریکایی از زن‌های بی‌شوهر و مردهای بی‌زن، آمارهای بسیار بالا وجود دارد که تبعاً بچه‌های بی‌پدر و مادر، بچه‌های ولگرد، بچه‌های جنایتکار حاصل آن است؛ در آن جا فضا، فضای جنایت است. همین حرف‌هایی که در خبرها می‌شنوید، یک بچه ناگهان در مدرسه، خیابان، توی قطار قتل انجام می‌دهد، تعدادی را می‌کشد. یکبار و دو بار و یکی دو تا هم نیست. همینطور سطح جنایتکارها از لحاظ سنی دارد پایین می‌آیند. جوان‌های بیست ساله بودند، شدند جوان‌های شانزده - هفده ساله، حالا بچه‌های سیزده - چهارده ساله در آمریکا جنایت می‌کنند. راحت آدم می‌کشد. این جامعه وقتی به این جا می‌رسد، دیگر تقریباً غیر قابل جمع کردن است.^۳

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقده، مورخه ۷۰/۴/۲۰. (مطلع عشق، ص ۳۹)
 ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقده، مورخه ۷۴/۲/۲۸. (مطلع عشق، ص ۳۷)
 ۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقده، مورخه ۷۶/۹/۸۱. (مطلع عشق، ص ۳۷)

وسيله مردان و حتی به وسيله زنان پرستیده می‌شد، اسلام در این آیات می‌شکند. در میدان مسائل سیاسی و اجتماعی، بیعت زن را یک امر لازم و یک مسأله زنده معرفی می‌کند.^۱

۶۵. زنان، محور اصلی خانه

شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی یا هر رشته دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشد، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخوایم تشبیه ناقصی بکنیم، باید به ملکه زنبور عسل تشبیه کنیم.

کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آن جا رشد و بالندگی پیدا کند؛ بچه‌ها محبت و نوازش ببینند؛ شوهر که مرد است و طبیعت مرده، طبیعت خامتری نسبت به زن است و در میدان خاصی شکنده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است - حتی نه نوازش مادر - باید نوازش ببیند. برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه کوچک آن کار را می‌کند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند. اگر این احساسات و این عواطف محتاج وجود یک محور اصلی در خانه - که آن، خانم و کدبانوی خانه است - نباشد، خانواده یک شکل بدون معنا خواهد بود.^۲

۶۶. زن، عنصر اصلی تشکیل خانواده

زن را به عنوان موجودی که می‌تواند مایه‌ای برای صلاح جامعه با

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با زنان و دختران مسلمان کشور، ۷۹/۶/۳۰، آیینیه زن، ص ۱۲۷.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، (۱) جمعی از زنان پزشک متخصص، و مسئولان اولین کنگره حجاب اسلامی، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، ۷۰/۱۰/۴.

شده است و خجالت هم نمی‌کنند! کاری را انجام دادند که ما از نقل و حکایت آن شرم داریم و حیا می‌کنیم. مردم ما بدانند، آیا وقتی در کشوری ازدواج دو همجنس با هم قانونی می‌شود، بنیان خانواده در این جامعه باقی خواهد ماند؟!^۱

امروز، توده معمولی مردم آمریکا و اروپا - نه قدرتمندها و تبلیغاتچیهایشان - از سست بودن بنیان خانواده رنج می‌برند. زن‌ها و مرد‌ها، در یک حد از تلاشی شدن خانواده‌ها رنج می‌برند و ناراحتند و این، روز به روز تشدید می‌شود و البته آخرین ضربه است. خانواده، محل آسایش انسان است. هیچ انسانی، بدون داشتن یک خانواده آسوده و آرام و راحت، مزه زندگی و طعم واقعی حیات انسانی را نخواهد چشید. اینها، این بنیان اصیل را متلاشی و منهدم می‌کنند و از بین می‌برند. این، فرهنگ غربی است. نتیجه این آزادی و بی بندوباری و فرهنگ فرهنگی و اختلاط زن و مرد، همین مسایل است.^۲

۶۷. ظهور ارزشهای انسانی در زن و مرد

آن جایی که بحث ایمان و اسلام و صبر و صدق و مجاهدت در راه به دست آوردن ارزشهای انسانی و اسلامی و معنوی است، [قرآن] می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالصَّابِرِينَ﴾. در این آیه ده عنوان برای ارزشهای معنوی ذکر می‌شود؛ اسلام، ایمان، قنوت، صدق، صبر، خشوع و دیگر چیزها. زن و مرد در این میدان، دوش به دوش حرکت می‌کنند و پیش می‌روند؛ هر دو را ذکر می‌کند. این بت مردگرایی را که در جاهلیتها همیشه به

۱. به ضمیمه شماره ۴ با عنوان «افول ازدواج در جوامع صنعتی» مراجعه کنید.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور، ۶۸/۹/۱۵، آیینیه زن، ص ۱۲۴.



یک محور اصلی است که آن خانم، خانه است و اگر او نباشد، خانواده شکل بدون معنایی خواهد بود.^۱

۶۸. شغل اصلی زن

شغل اصلی زن، شغل همسری و مادری است؛ ولی بعضی خیال می‌کنند این اهانت به زن است. مهم‌ترین کاری که زن می‌تواند بکند، کار مادری است. البته در مواردی شاید کارهای اجتماعی زنان واجب عینی و یا کفایی نیز باشد؛ اما در همه حال خانم‌ها باید فعالیت اجتماعی‌شان را با حفظ جنبه مادریشان بکنند و الگویشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام باشد.^۲

۶۹. بالاترین ارزش و افتخار برای زن، گرم نگه داشتن کانون خانواده است

ما معتقدیم زن در نگاه نخستین، بزرگ‌ترین و اولین مسئولیت اداره کانون گرم خانواده را که ما آن را پایه شکل اجتماعی خودمان می‌دانیم بر عهده دارد که این به عهده مرد نیست و از مرد اصلاً بر نمی‌آید. ما معتقدیم ترکیب آفرینش زن، او را برای برداشتن مسئولیت و مأموریت آماده می‌کند. ما معتقدیم برای زن این افتخار نیست که وزیر یا نخست وزیر باشد بلکه افتخار این است که بتواند کانون محیط خانوادگی خودش را گرم اداره کند که البته اگر در آن حال توانست وزیر و نخست‌وزیر هم باشد هیچ اشکالی ندارد و این هم شرفی و افتخاری بالاتر و مضاعف خواهد بود.

هرگز زن را مجبور نمی‌کنیم که تو باید بروی شوهر کنی، بچه‌هایت را اداره کنی و یا خانواده‌ای را حفظ کنی. لذا اگر خود زن ترجیح داد خانواده نداشته باشد و خانه اداره نکند یا بچه‌هایش را به دایه یا پرورشگاه بسپارد و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی کثیری از بانوان کشور، ۷۸/۹/۲۴ (آئینه زن، ص ۱۲۷).

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروهی از خواهران، ۶۳/۱۲/۲۱ (آئینه زن، ص ۱۳۰).

پرورش انسانهای والا شود نگاه کنید، تا معلوم شود که حق زن چیست و آزادی او چگونه است. زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید؛ که خانواده اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه است، به برکت زن و طبیعت زنانه است. باین چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که او چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوقش در چیست.^۱

۶۷. برای زن، مسئله مادری، همسری و خانواده، یک محور اصلی است^۲

مسئله مادری، همسری و خانه و خانواده بسیار اساسی و حیاتی است. در همه طرح‌هایی که ما داریم خانواده باید مینا باشد؛ شما اگر بزرگ‌ترین متخصص پزشکی (یا هر رشته دیگر) بشوید، ولی زن خانه نباشد، ناقص هستید.

شما می‌توانید ضمن آن کارها زن و کدبانوی خانه هم باشید. اصلاً محور این است و اگر نخواهیم در این مورد یک تشبیه ناقص بکنیم، باید به ملکه زنبور عمل اشاره کنیم. کانون خانواده جایی است که باید در آن عواطف و احساسات وجود داشته باشد و رشد و بالندگی پیدا کند. بچه‌ها در آن کانون محبت و نوازش ببینند. طبیعت مرد در یک محدوده خاصی خام‌تر و شکننده‌تر از طبیعت زن است و لذا مرهم زخم او فقط نوازش زن است. حتی نوازش مادر هم برای او نمی‌تواند جایگزین نوازش همسر باشد. یعنی همسر برای او کاری را می‌کند که مادر برای بچه کوچک خود می‌کند. زن‌های دقیق و ظریف به این نکته آشنا هستند. احساسات و عواطف خانوادگی محتاج

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمع کثیری از بانوان کشور، ۷۸/۹/۲۶ (آئینه زن، ص ۱۲۹).

۲. به ضمیمه شماره ۶ با عنوان «افتخار مادر بودن» مراجعه کنید.





بگذارید و بدانید که جوان‌ها به کمک نورانیت و صفایی که در دلشان هست، حرف شما را قبول می‌کنند.

شما فقط بایستی دو کلمه حرف قابل قبول و منطقی داشته باشید که به فرزندان برنید؛ هر مسئله‌ای که به نظر شما مهم است درباره دین، درباره انقلاب، امام و رژیم گذشته، در باره مسائلی که روز به روز به نوع انقلاب مطرح می‌شود، باید حرف داشته باشید. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقْوَةٌ النَّاسِ وَالْجِبْرَةِ» خودتان و فرزندان و اهل خودتان را حفظ کنید. این بسیار مهم است. بصیرت را برای خودتان و برای آنها به وجود بیاورید.

من بارها از قول امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه و جاهای دیگر عرض کرده‌ام که حضرت در جنگ صفین، وقتی که آن قضایا پیش آمد - از جمله فرمایشات - این را فرمود: «الا ولا يحمل هذا العلم الا اهل البصيرة والصبور». این کلمه بصر و صبر هم از آن زیبایی‌های مخصوص کلمات امیرالمؤمنین است که هر دو، حرف واحدی دارند! بصیرت و پایداری، هر دو لازم است.^۱

۷۲. گل خانه زندگی است نه سوس‌کارگر و مباشر

اگر در تعبیرات اسلامی ملاحظه کنید، درباره زن، درست همان تعبیرات واقعی وجود دارد. «المرأة ريحانة وليست بقهرمانة». گل است - ریحانه یعنی گل - انسان با گل چه کار می‌کند؟ نوع برخورد با گل چگونه است؟ اگر با گل کشتی بگیرند، گل پرپر می‌شود. اگر گل را گل بشناسند و برخورد در گلخانه با آن بکنند، مایه زینت و مؤثر است، و خودش شاخص و بارز خواهد بود.

«و لیست به قهرمانه»، قهرمانه به معنی قهرمانی که به فارسی می‌گوییم، نیست؛ یک تعبیر عربی است که از فارسی گرفته شده است. قهرمان - به طور خلاصه - یعنی مباشر امور، سرکارگر. یعنی در خانه شما، زن را به عنوان مباشر امور خودتان ندانید، خیال نکنید که شما رئیس هستید، کارهای خانه،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان سپاه، ۷۶/۱۲/۸۴. (آینه زن، ص ۱۳۷).



به شوهرش دستور دهد که از رستوران غذا بیاورد و خودش بیاید برود مدیر کل فلان اداره و وزیر فلان وزارتخانه، یا مسئول فلان گوشه کشور بشود دولت جمهوری اسلامی به او فشار نمی‌آورد که تو حق نداری این کار را بکنی، بلکه حق دارد. اما به عنوان یک ارزش در نظام ارزشی جمهوری اسلامی ترجیح را می‌دهیم به آن کار اصلی زن یعنی حفظ کانون خانواده و گرم نگاه داشتن آن و از نظر ما این از ارزش بالاتری برخوردار است.^۱

۷۰. رفتار مرد نسبت به زن در خانواده باید این گونه باشد

در داخل خانواده، از نظر اسلام مرد موظف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. می‌فرماید: «المرأة ريحانة؛ زن گل است. این مربوط به میدانهای سیاسی و اجتماعی و تحصیل علم و مبارزات گوناگون اجتماعی و سیاسی نیست؛ این مربوط به داخل خانواده است. «المرأة ريحانة وليست بقهرمانة» این چشم و دید خطایی را که گمان می‌کرد زن در داخل خانه موظف به انجام خدمات است، پیغمبر با این بیان تخطئه کرده است. زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کرد.^۲

۷۱. مردها باید به فکر بصیرت دادن به زن و فرزندان باشند

چنان چه نتوانید در زمینه فرزندان درست فکر کنید و عمل کنید، خدای نکرده برای شما مشکل درست خواهد شد! به شما دارم عرض می‌کنم؛ به بصیرت فرزندان و همسرانتان برسید؛ اهمیت بدهید. خودتان را آن چنان در کار غرق نکنید که برای زن و بچه، وقتی و فرصتی باقی نماند. من بارها به دوستان سفارش کرده‌ام. باز هم به شما سفارش می‌کنم. برای فرزندان وقت

۱. مصاحبه با نشریه نامه انقلاب اسلامی، اسفند ۶۰. (آینه زن، ص ۱۲۸).

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با زنان، ۷۹/۶/۳۰. (آینه زن، ص ۱۳۸).



بچه‌ها و امثال آن، به عهده یک سرکارگر است؛ سرکارگر هم این خانم است، و باید این گونه عمل کنیم!^۱

۷۳. محیط امن خانواده، نیاز طبیعی و عاطفی زن

بعضی خیال می‌کنند زن کمبودش این است که مشاغل بزرگ و سروصدا دار ندارد؛ خیر؛ مشکل زن این نیست. حتی آن زنی هم که شغل بزرگی دارد، به محیط امنی در خانواده، به یک شوهر مهربان با محبت، به یک تکیه‌گاه مطمئن عاطفی و روحی - که شوهر و مرد اوست - نیازمند است. طبیعت و نیاز عاطفی و روحی زن این است؛ باید این نیاز برآورده شود.^۲

۷۴. مهمترین هدف ازدواج در اسلام و سایر ادیان، تشکیل کانون

خانواده است
در کار ازدواج و این مراسم، و رسم و سنتی که در اسلام و در همه ادیان و در بشریت وجود دارد، به نظر اسلام آن چیزی که اصل و محور است، تشکیل کانون خانوادگی است. از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. اگر باشد و سالمش باشد و تربیت درست باشد، در پیشرفت کار جامعه به صورتی که اسلام می‌خواهد، تأثیر زیادی دارد. اسلام می‌خواهد این کانون تشکیل بشود و به وجود بیاید.

هنر ادیان - و بیشتر از همه اسلام - در این است که غرایز جنسی و غریزه زوج طلبی انسان را - که غیر از غریزه جنسی است - در خدمت تشکیل خانواده قرار داده و کاری کرده‌اند که کانون خانواده، با پشتوانه غریزه جنسی،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با زنان نماینده مجلس شورای اسلامی، ۷۶/۴/۳۰.

(آئینه زن، ص ۱۷۸).

۲. رهبر معظم انقلاب در اجتماع خواران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کورنر، ۷۶/۷/۳۰.

(آئینه زن، ص ۲۱۴).

یا با پشتوانه آن غریزه دیگر - که از غریزه جنسی عمویش بیشتر است - تحقق پیدا کند و باقی بماند. بعضیها ممکن است در سنین خاصی نیاز جنسی هم نداشته باشند، اما نیاز به زوج طلبی را دارند و می‌باید زوجی از جنس مخالف را داشته باشند؛ زن و مرد فرقی نمی‌کند. سکن، مایه آرامش است. ادیان - و بیش از همه اسلام - اینها را پشتوانه تشکیل خانواده قرار داده‌اند.

اگر انسانها رها بودند که غریزه جنسی را هر طور می‌خواهند، اشباع کنند، یا خانواده تشکیل نمی‌شد، یا یک چیز سست و پوچ و تهدیدپذیر و ویرانی‌پذیر می‌شد و هر نسیمی او را به هم می‌زد. لذا در هر جای دنیا که می‌بینید آزادیهای جنسی هست، در آن جا به همان نسبت خانواده ضعیف است؛ چون مرد و زن برای اشباع این غریزه، احتیاجی به این کانون ندارند. اما در آن جاهایی که دین حاکم است و آزادی جنسی نیست، این جا همه چیز برای مرد و زن هست؛ لذا این، حفظ نگه‌داشته می‌شود.

اصل قضیه این است که باید کانون خانواده به وجود بیاید؛ اسلام این را خواسته است. شما یک دختر از جایی و یک پسر از جای دیگری می‌آید و با یکدیگر آشنا و متصل می‌شوید؛ یک خانواده به وجود می‌آید. این خانواده، منشأ خیراتی است. در اداره کشور و اداره انسانیت، کارهای عظیمی به عهده این خانواده است. این، چیز بسیار مهمی است. شما باید این را مواظب باشید و حفظ کنید.^۱

۷۵. ازدواج، یک امر انسانی است نه یک داد و ستد

در ازدواج، اصل قضیه یک امر انسانی است؛ نه یک امر مادی. اسلام مهریه را قرار داده است؛ اما مهریه این ازدواج [را به صورت یک معامله داد و ستدی نمی‌کند. این جا دادوستدی نیست؛ بلکه طرفین در یک جای مشترک

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم خطبه عقد ازدواج، ۷۰/۴/۲۰ (آئینه زن، ص ۱۰۵).





مناقشات دارد، بایستی یگانه تلقی بشود. این را اصل قرار بدهید، تا آن شاء الله خداوند متعال بر کاشش را بر شما نازل کند.^۱

۷۷. معیارهای غلط در ازدواج

معیارهایی که در ذهن من هست، خیلی خارج از آنچه در ذهن عرف مشرعه ماست، نیست. من اصرار دارم بر نفی بعضی از معیارها؛ یعنی چیزی که من بیشتر روی آن تأکید می‌کنم، ارائه یک چهارم چوب معیاری نیست. چون می‌دانید اسلام میدان را باز گذاشته، ضمن این که ارزش‌هایی را در سطح اول - در درجه اول - قرار داده است؛ اما مردم را در آن چهار چوب صد در صد محدود نکرده است - که حالا ممکن است عرض بکنم - بنابراین من در تعیین معیارها خیلی اصراری ندارم بلکه بر نفی بعضی از معیارها اصرار دارم.

آن چیزهایی که من به شدت آنها را مایلم نفی بشود، یکی مسأله ثروت است؛ یعنی وقتی جوانی می‌خواهد ازدواج کند - چه پسر و چه دختر - اصلاً نباید ثروت همسر و نامزد ازدواجش مورد نظرش باشد. به نظر من این یک چیز گمراه کننده است. یک جاذبه حقیقی نیست و این نباید مورد نظر باشد. کما این که حالا در مورد خود ما هم همین طور بوده است. در موارد معدودی که بوده - دو تا از فرزندان من ازدواج کرده‌اند - بکلی این معنا مورد نظر نبوده است.

جنبه دیگری که اصلاً نباید مورد نظر باشد، عبارت است از تشخیص اجتماعی. این هم اصلاً نباید مورد نظر باشد. من شنیده‌ام - به گوشم خورده - بعضی از افراد که می‌گردند تا پسر یا دختری را برای ازدواج یا پسر یا دختری را برای پسرشان انتخاب کنند - خوشبختانه در خود دختر و پسرها کم‌تر هست، مربوط به پدر و مادرهاست - می‌گردند تا عروسی یا دامادی را انتخاب کنند

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقد ازدواج، ۷۰/۴/۲۰ (آینه زن، ص ۱۱۳).



سرمایه گذاری می‌کنند. این طور نیست که شما مثل خرید و فروش، یک چیز بدهید و یک چیز بگیرید. نه، این جا چیزی دادن و چیزی گرفتن نیست؛ بلکه هر دو نفر موجودی خودشان را در صندوق و کاسه مشترکی می‌گذارند و هر دو از آن استفاده می‌کنند. در ازدواج، قضیه این است.

بنابراین، نقش مادیات در این جا باید خیلی ضعیف باشد. ما که می‌گوئیم مهریه‌ها را سنگین نکنند، از این بابت است. اگر ما گفته‌ایم که مهریه بیش از فلان مقدار نباشد، معنایش این نیست که اگر بیش از فلان مقدار بود، عقد باطل یا حرام است؛ نه، جایز هم هست، اما کار غلط است. بعضی‌ها چند میلیون تومان مهریه می‌گذارند، یعنی ازدواج را که یک امر انسانی است به یک داد و ستد و به یک کار بازاری و معامله‌گری تبدیل می‌کنند. این، تحقیر و توهین به نقش و شأن انسانیت در ازدواج است. این کار غلطی است.^۱

۷۶. سازش دختر و پسر، اساس ازدواج است

بنای کار ازدواج، بر سازش دختر و پسر است؛ باید با هم سازند. این «با هم سازند»، معنای خیلی عمیقی دارد. من یک وقت خدمت امام رفتم، ایشان می‌خواستند خطبه عقدی را بخوانند؛ تا من را دیدند، گفتند شما بیا طرف عقد بشو. ایشان برخلاف ما - که طول و تفصیل می‌دهیم و حرف می‌زنیم - عقد را اول می‌خواندند، بعد دو، سه جمله کوتاه صحبت کردند. من دیدم ایشان پس از این که عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند: بروید با هم بسازید. من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف می‌زنیم، اما کلام امام در همین یک جمله «بروید با هم بسازید»، خلاصه می‌شود! - حالا ما هم عرض می‌کنیم که شما دختران و پسران، بروید با هم بسازید. سازش، اصل است. هر چیزی که با ساختن عروس و داماد، دختر و پسر، زن و شوهر

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در اجرای خطبه عقد ازدواج، ۷۰/۴/۲۰ (آینه زن، ص ۱۱۶).



تشریفات و قیود و تجملات غلط باشد محرم و ربیع الاول نمی شناسد. آن چنان ازدواجی همیشه مبارک است، ای جوان‌ها! به ازدواج بشتابید. ای پدرها و ای مادرها! دختران و پسران را که آماده ازدواج هستند تزویج کنید. این همه قید و بند قرار ندهید.

ای پدران دخترها! دخترها را برای داماد پولدار و اشرافی و شغل دار و نام و نشان دار و اسم و رسم دار نگه ندارید. اگر می بینید یک جوان، مسلمان مؤمنی است، دختر و پسر هر دو مسلمان، هر دو کفو، وسایل ازدواجشان را فراهم کنید. اینقدر سنگ بر سر راه ازدواج نیندازید. ای پدران پسرها! مخصوصاً ای مادران پسرها، وای خود پسرهایی که می خواهید داماد بشوید! در ازدواج معیارهای اسلامی را در نظر بگیرید.

همدانش دنبال زیبایی نروید. چقدر صورت‌های نازیبا است که بر روی دل‌های زیبایی قرار دارد. دختری که به خاطر نازیبایی محکومند در خانه‌ها بمانند، چه گناهی کرده‌اند؟ چرا بعضی‌ها اینقدر ظلم می کنند؟ چرا ارزش‌های اسلامی را نادیده می گیرند؟ چرا مسئله سن و شکل اینقدر به نظرشان تعیین کننده است؟

چرا باید بعضی از دخترهایی که مؤمن هستند، با یک مقدار سنشان که بالا رفته یا چندان از زیبایی بهره‌ای ندارند، از نعمت ازدواج و تشکیل خانواده و نعمت تربیت فرزند محروم بمانند. خوشا به حال آن فرزندی که در دامن چنین زنان پاک پرورش پیدا کند. خوشا به حال آن مردی که چنین زن پاک و مقدسی در خانه داشته باشد. این معیارهای طاغوتی را دور بریزید.

پدرها! مادرها! تفرای خدا پشه کنید در امر ازدواج. این همه قرآن به ما می گوید، اسلام به ما می گوید، مهریه را سنگین نکنید، دنبال جهیزیه‌های سنگین نباشید، دنبال نام و نشان و شغل نباشید. پسر مسلمان، دختر مسلمان، هر دو دارای معرفت اسلامی، هر دو دارای دل مؤمن، این‌ها کفو هم‌اند. بگذارید زندگی مشترک را شروع کنند. چقدر مسئله به من مراجعه می شود



که حتماً وابسته به بیت و شخصیت معروفی یا سمت معروفی باشد. این هم به نظر من معیار غلطی است و نایستی مورد نظر باشد.

بعضی از جاذبه‌هایی که به شکل صورتی جوان‌ها را جذب می کند، به نظر من برای ازدواج نباید به شکل معیار به آنها نگاه کرد. مثلاً پسرها یا دخترها بگردند، هر جا چشمشان را گرفت و جذب کرد، آن را کافی بدانند! این هم به شدت مورد بر حذر داشتن و پرهیز دادن ماست! ما می خواهیم دخترها و پسرها در این دام‌ها گرفتار نشوند.

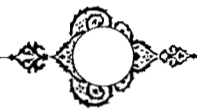
از این‌ها که بگذریم، ممکن است دختری یا پسر ی مایل باشد که حتماً همسرش تحصیلات عالی کرده باشد؛ یکی دیگر نه؛ به این اهمیت نمی دهد. من این مثال را می زنم، برای این که معلوم شود معیارهای مثبت و قابل قبول، محدود نیست، التفات می کنید؟ یا فرض کنید کسی اهل منطقه‌ای از کشور است، دوست می دارد که همسرش حتماً وابسته به آن منطقه باشد. یعنی راه باز است. بعضی‌ها حتماً دلشان می خواهد که همسرشان جزو کسانی باشد که در راه خدا حرکتی کرده باشد، تلاشی کرده باشد، جانباز، خانواده شهید و از این قبیل باشد.

بعضی این را جزو معیارهای خودشان نمی دانند. من می خواهم از این جهت معیار مثبتی گفته نشود تا این که به معنای محدود کردن باشد. فقط می خواهم آن مرزهای منفی را ملاحظه کنیم. ما البته در مورد فرزندان خودمان، بیشتر به این چیزها نظر داشتیم.^۱

۷۸. ای پدرها! ای مادرها! به ازدواج جوانها بشتابید. معیارهای طاغوتی را دور بریزید

ممکن است بگویید ماه محرم است؛ اما ازدواج اسلامی که بدون

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در پرسش و پاسخ زنان داخل و خارج کشور، ۷۷/۸۹ (آینه زن، ص ۱۱۰).



ضمائم

در همین زمینه‌ها مرتب جوان‌ها، پسر‌ها، دختر‌ها، شکایت و گله می‌کنند از دست خانواده‌های سختگیر. مخصوصاً پدر و مادرهای بعضی از دختران. من در این موقع مقدس، در این موضوع مقدس، در حضور شما جمعیت عظیم و انبوه، در خطبه نماز جمعه خواهش می‌کنم به حکم خدا برگردید، آنچه را که خدا گفته آنرا معتبر بدانید.^۱

۷۹. چرا مهریه‌های سنگین؟!؛

ما باید شایستگی خود را ثابت کنیم. مگر نمی‌گوییم که جهیزیه آن بزرگوار [حضرت زهرائمه] چیزهایی بود که انسان با شنیدن آنها اشکش جاری می‌شود؟ مگر نمی‌گوییم که این زن والا مقام، برای دنیا و زیور دنیا هیچ ارزشی قائل نبود؟ مگر می‌شود که روز به روز تشریفات و تجمل‌گرایی و زر و زیور و چیزهای پوچ زندگی را بیشتر کنیم و مهریه دخترانمان را زیادتر نماییم؟!؛

اوایل که گاهی بعضیها مهریه عقد را یک خرده گران قرار می‌دادند، ما شوخی می‌کردیم و می‌گفتیم شما که می‌خواهید مثلاً فلان قدر سکه قرار بدهید، پس یکباره بگویید ۷۲ سکه! اما حالا می‌بینیم که تعیین مهریه‌های گران قیمت، واقعی شده است! واقعاً چه خبر است؟ شما که پدر آن دختر هستید، آیا می‌توانید ادعا کنید که پیرو پدر فاطمه علیها السلام هستید؟ این طوری نمی‌شود؛ ما باید به حال خودمان فکری بکنیم.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه نماز جمعه، ۵۹/۹/۷، آینه زن، ص ۱۰۹.
 ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مداحان اهل بیت علیهم السلام به مناسبت تولد حضرت زهرائمه علیها السلام، ۷۰/۱۰/۵، آینه زن، ص ۹۰.



ضمائم

ضمیمه شماره ۱ بی توجهی روزافزون به کودکان در آمریکا^۱ □ مؤسسه کارگی^۲

امروزه ما در سراسر آمریکا، شاهد بروز علایم یک بحران خاموش هستیم. بچه‌های زیر سه سال و خانواده‌هایشان با مشکلات زیادی روبرو هستند و این وضعیت اسفناک هر روز وخیم‌تر می‌شود. در این شرایط، علاوه بر شنیده شدن سر و صدا و شیون کودکان، شاهد ناتوانی والدین در تأمین شرایط لازم جهت مراقبت‌های بهداشتی و اجتماعی فرزندانشان و شکایت‌های مداوم این پدران و مادران از وضعیت موجود هستیم. البته فرزندان خردسال خیر ساز نیستند. جرمی مرتکب نمی‌شوند، از مواد مخدر و روانگردان استفاده نمی‌کنند و از مدارس اخراج نمی‌شوند. در جامعه امروز، ما به نیازهای تربیتی و اقتصادی والدین برای رشد مناسب

۱. برگرفته از ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۳۱، ص ۷۸-۸۷.

۲. Carnegie corporation.



د) فقر: یک چهارم خانواده‌هایی که کودکی کمتر از ۳ سال دارند، در فقر زندگی می‌کنند. اکثریت این خانواده‌ها، تک والدینی بوده که معمولاً این سرپرست، مادر خانواده است. اغلب این خانواده‌ها در منازل و مراکز غیر ایمن زندگی می‌نمایند و دسترسی اندکی به مراکز مناسب نگهداری کودک، خدمات بهداشتی و یا برنامه‌های حمایت از خانواده‌ها دارند.

ه) توجه ناکافی به فرزندان: فقط نیمی از نوزادان و کودکان آمریکایی به صورت منظم از قصه‌گویی والدین بهره می‌برند و بسیاری از والدین به رشد فکری فرزندانشان توجه کافی مبذول نمی‌نمایند. معلمان گزارش داده‌اند که از هر ۳ کودک کوءکستانی، یک نفر در هنگام ورود به کوءکستان، فاقد توانایی‌های لازم جهت یادگیری بوده است. این موارد، به بحرانی که نه تنها رشد سالم فرزندان که علاوه بر آن، سرمایه‌های ملت ما را نیز تهدید می‌کند، تبدیل می‌شود.

اهمیت حیاتی سه سال اول زندگی کودکان

سه سال ابتدایی زندگی کودکان می‌تواند به عنوان یک نقطه آغاز بسیار مهم تلقی گردد. دوره‌ای که به ویژه نیازمند حمایت‌های خانواده و والدین از طریق ساز و کارهای حمایت و پشتیبانی از کودک است. والدین و کارشناسان از سال‌ها پیش دریافته‌اند که آموزش‌های سه سال ابتدایی عمر کودک، می‌تواند تا حد زیادی ضامن موفقیت کودک در سال‌های نوجوانی و حتی جوانی باشد. بی‌تردید کودکانی که در سایه توجه والدین و حمایت‌های محیطی همه جانبه از آنان رشد می‌نمایند، یادگیری بهتری در مقایسه با کودکان پرورش یافته در محیط‌های غیر مناسب که از توجه مناسب والدین محروم بوده‌اند، خواهند داشت. یافته‌های علمی اخیر، این اظهار نظر را تأیید می‌نماید. با بهره‌گیری از امکانات نوین و قدرتمند آموزشی به ویژه تصویر برداری از مغز کودکان، پژوهشگران رشد مغزی آن‌ها

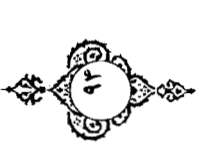
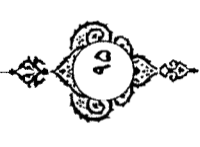
فرزندانشان و خواسته‌های تحقق نیافته آنان توجهی نمی‌کنیم. سیاست گذاران ما نیز به ندرت در این مورد اقدامی نموده‌اند و بدین ترتیب، مشکلات مربوط به بچه‌های خردسال ما و والدین آن‌ها همچنان به عنوان یک «بحران خاموش» تداوم می‌یابد.

یک بار دیگر شرایط فرزندان خردسال و خانواده‌های آنها را به خاطر بیاورید. در سال ۱۹۹۳ میلادی، «گروه کاری ملی اهداف آموزشی آمریکا» گزارش داد که تقریباً نیمی از نوزادان و کودکان نوپای ایالات متحده، زندگی خود را با یک معضل جدید آغاز می‌نمایند و از حمایت لازم جهت رشد و بالیدن بر خوردار نیستند. در مجموع، تعداد زیادی از فرزندان کمتر از ۳ سال جامعه امروز ما، با یک یا چند عامل مخاطره‌آمیز زیر روبرو هستند:

الف) فقدان مراقبت‌های کافی از سوی والدین: تقریباً یک چهارم زنان باردار آمریکایی که اکثر آنها نوجوان هستند، از مراقبت‌های محدود و یا فقدان این مراقبت‌ها رنج می‌برند. بسیاری از این حاملگی‌ها ناخواسته است. ایالات متحده یکی از بالاترین نرخ بارداری‌های ناخواسته را در میان کشورهای صنعتی دنیا دارد. ریسک تولد یک نوزاد با وزن پایین و مشکلات عقلانی، رفتاری و یا فیزیکی، در هنگامی که حاملگی با برنامه از پیش تعیین شده همراه نباشد و یا مادر و فرزند از مراقبت‌های کافی برخوردار نگردند، بسیار زیادتر خواهد بود.

ب) والدین جدا از هم: طلاق‌های بیشتر، خانواده‌های تک والدینی افزون‌تر و حمایت‌های کمتر خانواده و جامعه، والدین را در هنگام تربیت فرزندان خود با احساس تنهایی بیشتر روبرو نموده است.

ج) مراقبت‌های اندک از کودکان: بیش از نیمی از کل مادران آمریکایی، در سال اول تولد کودک خود به محل کار خویش باز می‌گردند. بسیاری از نوزادان و کودکان نوپای این مادران، ۳۵ ساعت و یا بیشتر از این زمان را در هر هفته، در مراکز فاقد امکانات لازم جهت نگهداری کودک می‌گذرانند.





نامناسب کمک می‌کند. پژوهشگران این فاکتورهای حمایت را در سه زیر مجموعه فراگیر تقسیم‌بندی می‌نمایند:

۱. وضعیت نوزاد و عوامل مربوط به والدین، نظیر دارا بودن ویژگی‌هایی مثل عمر و وزن مناسب نوزاد در هنگام تولد؛
۲. مراقبت‌های مناسب، شامل رشد کودک در خانواده‌ای با حضور یک یا دو فرد بزرگسال قابل اعتماد در تربیت فرزند که به رشد و تربیت مناسب فرزند کمک خواهد نمود.
۳. حمایت‌های اجتماعی نظیر زندگی در جامعه‌ای ایمن و پشتیبان

شهروندان خود؛
مجموعه این عوامل بر جهت‌دهی رشد کودکان مؤثر خواهند بود که در کنار سایر عوامل نظیر سطح درآمد خانواده، روابط درون خانواده و تغذیه مناسب والدین و کودک، به ایجاد شرایط مناسب برای رشد فکری و جسمی فرزندان کمک می‌نماید.

بروز تغییرات چشم‌گیر در خانواده‌های آمریکایی

در دهه‌های اخیر، آمریکا تغییرات چشم‌گیری را تجربه نموده که به ایجاد یک بحران خاموش در میان خانواده‌های دارای نوزاد و کودک منجر شده است. دو عاملی که معمولاً در تبیین دلایل ایجاد این بحران ذکر می‌گردد، تغییر ارزش‌ها و همچنین نقش فشارهای فزاینده اقتصادی بر خانواده‌های آمریکایی است.

والدین به صورت فزاینده‌ای فشارهای دوگانه ناشی از کار و زندگی خانوادگی را احساس می‌نمایند. چهار روند کلیدی زیر باعث ایجاد این فشارها در زندگی خانواده‌های آمریکایی است:

۱. مادران شاغل؛ والدین دریافته‌اند که باید زمان بیشتری را به کسب درآمد جهت تأمین هزینه‌های زندگی اختصاص دهند، لذا زمان کمتری را در

را با جزئیات و دقت بیشتری مورد مطالعه قرار می‌دهند.

این پژوهش به پنج یافته کلیدی منتهی گردیده است که باید ضمن انتقال به والدین فرزندان، به مهیا نمودن یک محیط مناسب برای کودکان ما جهت شروع سالم زندگی خود کمک نماید:

۱. رشد مغزی صورت گرفته در دوره پیش از تولد و سال اول زندگی کودک، بسیار سریع‌تر و گسترده‌تر از آن چیزی است که ما در گذشته معتقد بودیم.
۲. رشد مغزی کودک وابستگی زیادی به تأثیرات محیطی دارد.
۳. تأثیر محیط‌های اولیه در رشد مغزی، سال‌ها باقی خواهد ماند.
۴. تأثیرات محیطی نه تنها در تعداد سلول‌های مغزی و تعداد ارتباطات بین آن‌ها مؤثر است بلکه بر نوع این ارتباطات نیز تأثیر می‌گذارد.
۵. ما شواهد پزشکی جدیدی داریم که از تأثیر منفی استرس‌های اولیه عمر کودک بر عملکرد مغز حکایت می‌کند.

این ریسک‌ها نسبت به گذشته آشکارتر گردیده‌اند. یک محیط غیر مناسب می‌تواند عملکرد و رشد کلی مغزی کودکان را در معرض خطر قرار داده و کودک با ریسک زیادتری در برابر مجموعه‌ای از مشکلات جسمی، رفتاری و شناختی قرار گیرد. در پاره‌ای موارد، این تأثیرات می‌تواند غیر قابل جبران باشد؛ اما در برابر، فرصت‌های رشد مناسب کودک نیز می‌تواند چشم‌گیر باشد. شروعی خوب در آغاز زندگی می‌تواند به توسعه یادگیری و جلوگیری از آسیب‌های ذکر شده فوق، یاری رساند.

البته رشد مغزی، فقط یکی از متغیرهایی است که رشد کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در آینده، موفقیت‌های تحصیلی آنان را در مدارس تضمین می‌کند.

مجموعه‌ای از «فاکتورهای حمایتی» نظیر تغذیه مناسب و تربیت خانوادگی دلسوزانه، به کودکان جهت دستیابی به نتایج بهتر و دوری از نتایج



بسیاری از خانواده‌های تک والدینی به دلیل بروز حاملگی‌های دوران نوجوانی به وجود آمده‌اند. در آمریکا همه ساله بیش از یک میلیون دختر آمریکایی نوجوان، حامله می‌گردند که نیمی از این بارداری‌ها به تولد فرزند منتهی می‌گردد.

بحران خاموش از نگاه آمار

گزارش‌های آماری نشان می‌دهد از مجموع ۱۲ میلیون کودک آمریکایی کمتر از ۳ سال، تعداد مهوت کنده‌ای از آنان به وسیله یک یا چند عامل مشکل‌ساز در مسیر سلامتی و بهداشت و رشد خود، آسیب می‌بینند. در ادامه به آمار تغییرات در ساختار خانواده‌ها اشاره می‌شود:

- در سال ۱۹۶۰ میلادی، ۵٪ کل تولدهای ایالات متحده به مادران ازدواج نکرده تعلق داشت. در سال ۱۹۸۸ این رقم به ۱۶٪ رسید.
- همه ساله یک میلیون دختر نوجوان حامله می‌شوند.
- نرخ طلاق در حال فزونی است. در سال ۱۹۶۰ میلادی، کمتر از ۱٪ فرزندان در هر سال، شاهد جدایی والدین خود بودند. در سال ۱۹۸۶ میلادی، این نرخ ۲ برابر شد و در سال ۱۹۹۳ میلادی، نیمی از کل کودکان شاهد طلاق والدین خود بوده و به طور میانگین، ۵ سال از دوران کودکی و نوجوانی خود را در خانواده‌ای تک والدینی می‌گذراندند.
- همچنین از هر ۳ قربانی رفتارهای خشونت بار فیزیکی، یک نفر کودک بوده است.

هزینه‌های ناشی از غفلت از کودکان چیست؟

- همه ساله، مالیات‌دهندگان آمریکایی مجبورند هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم بیشتری در جهت درمان به نسبت پیشگیری بپردازند.
- در طول دوره شش ساله (سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۵ میلادی) هزینه‌های



مقایسه با والدین نسل گذشته خود وقف فرزندان خویش می‌نمایند. این تغییر عمدتاً به دلیل نیازهای اقتصادی خانواده که باعث اشتغال مادران می‌شود، به وجود آمده است. در دهه ۷۰ میلادی، مادران کمتری در خارج از خانه کار می‌کردند، اما اینکه نیمی از این مادران شاغلند. بسیاری از والدین گزارش نموده‌اند که به دلیل کاهش زمان حضور در خانواده، احساس عدم آسایش می‌نمایند و این عدم حضور کافی، به ناتوانی در انجام کامل وظایف والدین منجر شده است. این کمبود زمان، استرس زیادی را بر مادران تحمیل نموده است چرا که آنها معمولاً «شیفت دوم» کاری خود را در خانه و جهت انجام کارهای منزل و مراقبت از فرزندان اختصاص می‌دهند.

مشکلات ناشی از تعداد زیاد مادران شاغل که در محیط‌های کاری فاقد توجه به خانواده به کار اشتغال دارند و مراکز نگهداری از کودکان این مادران که از کیفیت پایینی برخوردار است، می‌تواند به عنوان یک نگرانی مطرح گردد. در واقع، در دو مطالعه گسترده و چند جانبه چنین نتیجه گرفته شد که وضعیت نگهداری و رشد کودکان در اکثر خانه‌ها و مراکز نگهداری از کودکان آمریکایی، از کیفیت پایینی برخوردار است که بر رشد کودکان و نوزادان تأثیر سویی به جا می‌گذارد. همچنین فقدان کیفیت لازم در این مراکز، نه تنها بر رشد فرزندان مؤثر است، بلکه به ایجاد دغدغه‌های ذهنی و دل‌پایی در والدین به ویژه مادران منجر می‌گردد.

۲. افزایش تعداد خانواده‌های تک والدینی؛ هیچ تغییری در میان خانواده‌های آمریکایی نمی‌تواند به اندازه نرخ فزاینده تعداد خانواده‌های تک والدینی، ایجاد نگرانی کند. از سال ۱۹۵۰ میلادی، در صد فرزندان که در خانواده‌هایی این چنین زندگی می‌کنند، سه برابر شده است. این افزایش سه برابر را می‌توان به دو عامل افزایش نرخ طلاق و همچنین ده برابر شدن تعداد فرزندان متولد شده در خارج از حريم ازدواج نسبت داد. امروزه از هر ۴ کودک در ایالات متحده، یک کودک در خانواده‌ای تک والدی زندگی می‌کند.





مربوط به بارداری دختران نوجوان آمریکایی ۱۲۰ میلیارد دلار بوده است. اگر این دختران پس از ۲۰ سالگی حامله می‌شدند، ۴۸ میلیارد دلار صرفه‌جویی می‌گردید.

- ۴۶٪ نوجوانان دختر دارای فرزند، به مدت ۴ سال تحت پوشش خدمات رفاهی و کمک‌های دولتی قرار می‌گیرند. همچنین ۷۳٪ دخترانی که بدون ازدواج دارای فرزند شده‌اند، از این حمایت‌ها بهره‌مند می‌گردند.

- در سال ۱۹۹۱ میلادی، هزینه‌های فدرال و ایالتی هزینه‌های مربوط به کمک‌های دولتی به خانواده‌ها، ۲۰ میلیارد دلار بوده است.

- در سال ۱۹۹۱ میلادی، هزینه‌های سالانه تخمین زده شده جهت درمان سندروم‌های ناشی از مصرف الکل توسط مادران در دوران جنینی، ۷۴/۶ میلیون دلار بود.

منبع: www.carnegie.org



ضمیمه شماره ۲

خانواده در بحران^۱

□ گفتگو با دکتر جینز سی دابسون^۲

مدت‌ها است که خانواده‌های سستی در بحران‌هایی جدی قرار گرفته‌اند و آمار مربوط به سرشماری اخیر آمریکا نشان داد که اوضاع خانواده‌ها تا چه حد نگران‌کننده است. این نتایج هشدار دهنده نشان می‌دهد، خانواده‌های که با سرپرستی زوج‌های ازدواج نکرده (این افراد معمولاً بدون پیوند ازدواج، با هم زندگی می‌کنند)، اداره می‌شود، رشدی ۷۲ درصدی در دهه اخیر یافته است. همچنین تعداد خانواده‌هایی که به وسیله یک مادر مجرد و یا پدر مجرد اداره می‌شود، با رشد‌های ۲۵ و ۶۲٪ روبرو است و برای اولین بار تعداد خانواده‌های هسته‌ای مرسوم، به کمتر از ۲۵٪ کل خانوارها کاهش یافته است. امروزه ۳۳٪ نوزادان به مادران ازدواج نکرده تعلق دارند، در حالی که آمار مشابه در سال ۱۹۴۰ میلادی فقط ۳/۸ درصد بود. سایر پژوهش‌ها نشان می‌دهند که همخانگی یک زن و یک مرد (بدون ازدواج رسمی) در

۱. برگرفته از ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۳۰، ص ۶۶-۵۹ با تلخیص.

۲. Dr. James C. Dobson.



می‌کنید؟

■ به نظر من مهم‌ترین عامل، شرایط جهانی و فراگیری که از فشارهای زندگی و خستگی‌های ناشی از آن به وجود می‌آید، است. شرایطی که اعضای خانواده را خسته و در مانده و منزجر نموده است. بسیاری از فرزندان خانواده‌های امروزی تقریباً هیچ پولی جهت هزینه نمودن برای ازدواج و تشکیل زندگی ندارند.

۵۹/ پسران و دختران جامعه امروز ما، هر روز عصر در حالی به خانه‌هایشان می‌رسند که هیچ‌کس در منزل نیست. در این شرایط هر اتفاقی ممکن است روی دهد. بسیاری از فرزندان ما در دام دنیایی آشفته افتاده‌اند که به صورتی مداوم آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد.

من معتقدم که خانواده‌هایی با والدین شاغل در زمان رشد کودک، سطحی از استرس را در میان افراد به وجود می‌آورد که باعث از هم گسیختگی روابط انسان‌ها خواهد شد. در نتیجه این شرایط، اغلب کودکان در بقیه سال‌های عمر، از آنچه به دنبال آن هستند، محروم می‌گردند.

اگر یک بازگشت همه جانبه از این سبک زندگی در قالب یک نهضت جهانی به وجود آید، نتایج شگفت‌انگیزی برای خانواده‌ها به دنبال خواهد داشت که کاهش نرخ طلاق و تعادل در خانواده، از آثار مفید آن خواهد بود. همچنین دستیابی به شرایط مورد انتظار کودکان و رفاه بیشتر و ده‌ها دستاورد دیگر را می‌توان انتظار داشت.

ما تاکنون گامی جهت دستیابی به این اهداف برنداشته‌ایم، اما من امیدوارم که بخش عظیمی از مردم، از کابوس مربوط به این در و آن در زندان‌های شدید رهایی یافته و بگویند: «راه کنونی زندگی ما احمقانه است. باید راه بهتری برای تربیت کودکانمان وجود داشته باشد و برای تغییر شرایط کنونی زندگی، نیازمند کمی فداکاری هستیم».

دوره‌ای ۳۸ ساله، از ۱۹۹۸ - ۱۹۶۰ میلادی، رشدی ۱۰۰۰ درصدی داشته است. همچنین تعداد خانواده‌های مربوط به همجنس‌بازان سر به فلک گذاشته است. از دیگر سو، ما با رشد فزاینده تعداد زنان ازدواج نکرده در دهه‌های سوم و چهارم زندگی آنها روبرو هستیم که تمایل دارند فرزندان خود را به تنهایی به دنیا آورده و تربیت نمایند. در این مصاحبه، با دکتر جیمز سی دایسون در مورد تعامل با این رفتارهای جدید و آنچه که ما می‌توانیم و باید انجام دهیم تا این روند را وارونه نماییم، گفتگو شده است.

□ به نظر شما خانواده در دین‌داری کودکان چه نقشی دارد؟

■ خانواده سنتی، مؤثرترین ابزاری است که تاکنون جهت گسترش تعالیم دینی به وجود آمده است. اکثریت گسترده‌ای از مؤمنین، در کودکی متدین شده‌اند و این انتخاب دین، تحت تأثیر والدین آنان صورت گرفته است. با نابودی این نهاد، به هر ترتیب، ایمان و اعتقاد نسل‌ها به دیانت به مخاطره می‌افتد.

این اتفاقی است که هم‌اکنون در اروپای غربی و سایر کشورهای فاقد دین، روی داده است. یکی از پژوهشگران افکار عمومی به نام جورج بارنا معتقد است که اگر یک دختر یا پسر تا ۱۴ سالگی با دین مسیح آشنا نگردد، تنها ۴٪ احتمال دارد که در سنین ۱۴ تا ۱۸ سالگی به مسیحیت ایمان آورد و به همین ترتیب، احتمال گرایش این فرد در بقیه عمر به آیین حضرت مسیح، تنها ۶٪ است. این آمار یک واقعیت غیر قابل تردید را نشان می‌دهد؛ خانواده‌ها برای تبلیغ و گسترش مذهب، نقشی حیاتی دارند.

ما نمی‌توانیم این واقعیت را رد کنیم که خانواده‌های سنتی دارای پدر و مادر، سالم‌ترین محیط برای کودکان هستند و این خانواده‌های سالم، مستقیماً ما را به سوی جامعه‌ای پایدار رهنمون می‌نمایند.

□ اگر شما بخواهید به یک عامل که بیشترین آسیب را به نسبت سایر عوامل بر خانواده‌ها وارد نموده، اشاره کنید، چه موردی را انتخاب



تربیت کنندگان و مراقبان در خانواده بودند و مردان تنها کسانی بودند که با کار خارج از خانه، هزینه‌های زندگی را تأمین می‌کردند. ورود تعداد بسیار زیادی از زنان به بازار کار در دو دهه مذکور، به طرز شگفت‌انگیزی، نحوه کارکرد خانواده را به عنوان یک واحد و کل تغییر داد. از این رو، پدران و فرزندان باید جبران غیبت طولانی نیمه وقت و یا کامل مادر، در طول هفته نقش‌های خود را تغییر می‌دادند. علی‌رغم این که بسیاری از زنان بدون وجود ضرورت اقتصادی وارد بازار کار شدند، اما موج اشتغال زنان دلایل دیگری هم داشت. یکی از دلایل اصلی این بود که در میان همه نژادها و جنسیت‌های مختلف، خصوصاً زنان، حمایت از نقش سنتی زنان در خانواده کاهش یافته بود. تضعیف پشتیبانی از این اعتقاد که اشتغال مادر برای کودکان و روابط مادر و فرزند مضر است، باعث شد که بخشی از فشار وارد آمده بر زنان به عنوان تنها بزرگ‌کننده فرزندان بر داشته شود و همچنین باعث شد که زنان احساس کنند، می‌توانند هم وارد بازار کار شوند و هم مادران خوبی باقی بمانند. این تغییرات متناسب با رویکردهای فمینیستی، در میان بسیاری از گروه‌های مردم در ایالات متحده رخ داد و باعث بسیاری از تغییرات در ساختار خانواده شد.

تغییرات در نظام تربیت کودک

در طول دهه ۱۹۸۰، ظهور روزافزون خانواده‌های تک‌والدی تغییراتی اساسی در شیوه‌ها و فعالیت‌های نگهداری و مراقبت از کودک ایجاد کرد. دهه ۱۹۸۰، شاهد کاهش قابل توجه حضور والدین طبیعی کودکان در خانه و در نتیجه، رشد صنعتی نگهداری از کودکان بود. علت این تغییرات در فضای خانواده، افزایش جدایی و طلاق، افزایش اشتغال مادران و کاهش سریع نرخ باروری بود. با در نظر گرفتن این سه عامل، برای بسیاری از والدین، پیدا کردن مراقب مناسب برای کودکان، امری بسیار مهم بود، تا کاری که خود آنها



ضمیمه شماره ۳

تأثیر تغییرات ساختاری دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بر ساختار خانواده در

آمریکا^۱

□ مکان ویلیامسن^۲

دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با تغییراتی اساسی در ساختار خانواده در ایالات متحده همراه بود. در این زمان، زنان هر روز بیش از پیش، نقش سنتی خود را در خانواده به عنوان زن خانه دار رها کردند و بدون وجود ضرورت‌های اقتصادی به نیروی کار مزدبگیر تبدیل شدند. آنان بسیاری از بازار کارهایی را که پیش از آن فقط برای مردان بود، در برابر خود گشوده دیدند و از این فرصت استفاده کردند. هم زمان با افزایش مشارکت زنان به عنوان نیروی کار، نرخ باروری با کاهش جدی روبرو شد و نرخ طلاق در میان جمعیت ایالات متحده افزایش یافت.

این دستاوردهای خاص دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، آثار فراوانی بر ساختار خانواده در ایالات متحده داشت. چون به طور سنتی زنان اولین

۱. برگرفته از ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۱۷، ص ۵۹-۵۱ یا تلخیص.

۲. Megan Williamson، نویسنده، جامعه‌شناس و محقق مسائل اجتماعی.



توان انجام آن را ندارند انجام دهد. بیشتر والدینی که توان اقتصادی انجام این کار را داشتند، فرزندان خود را به تأسیسات نگهداری از کودکان در خارج و یا خدمتکاران تمام وقت داخل خانه سپردند. به هر حال، همه والدین توان اقتصادی انجام چنین کاری را نداشتند، خصوصاً مادران تنهایی که سرپرستی خانواده به عهده ایشان بود. اغلب این مادران، فاقد فامیل و آشنایی که مراقبت از کودکان را بر عهده گیر بودند، بنابراین آنها مراقبت از کودکان خود را به فرزند بزرگتر سپردند و یا کودکان را در خانه تنها رها کردند و بچه‌ها معمولاً از هنگام تعطیلی مدارس تا پایان کار مادر، در خانه تنها به سر بردند. این طبقه از کودکان را اکنون با عنوان «کودکان درهای قفل شده»؛ بچه‌هایی که روزانه چندین ساعت در خانه به تنهایی به سر می‌برند و هیچ بزرگ‌تری بر آنها نظارت ندارد، می‌شناسند.

این تغییرات اساسی در نحوه تربیت اولاد، آثار اجتماعی فراوانی بر رویکردهای آتی ایالات متحده - با توجه به تربیت کودکان نسل‌های آتی - دارد. اغلب به خاطر مشکلات اقتصادی و یا حتی صرفاً کمبود وقت بزرگسالان، کودکان به دیگران سپرده می‌شوند که بخشی از آن به مدرسه و بخش دیگر به تأسیسات مراقبت از کودکان واگذار می‌شود. این روند، به کاهش حس اجتماعی و افزایش روحیه فرد گرایی در ایالات متحده مرتبط است.

منبع: www.Lelak.edu

ضمیمه شماره ۴

افول ازدواج در جوامع صنعتی^۱

□ گفتگو با دیوید اچ اولسون^۲

□ از دیدگاه شما، وضعیت و جایگاه ازدواج در جامعه آمریکا چگونه است؟

■ به عقیده من، ازدواج در جامعه آمریکا در نوعی مخمسه به سر می‌برد. زوج‌ها می‌خواهند رابطه خوبی با هم داشته باشند، اما واقعاً نمی‌دانند که چگونه به چنین خواستهای برسند. به واسطه پذیرش مقوله‌ای جدید از زندگی یعنی «هم خانگی بدون ازدواج» بسیاری از مردم می‌گویند که قصد ازدواج نداریم و یا می‌خواهیم ازدواج خود را به تأخیر بیندازیم و یا اگر مطلقه باشیم، می‌گویند که احتمالاً دیگر تن به ازدواج نخواهیم داد. ظاهراً مردم خواهان رابطه‌ای نزدیک با یکدیگرند اما از انتخاب زوج مناسب خود عاجزند. از سوی دیگر، از ایجاد هر گونه تعهدی هم برای خود گریزانند.

۱. برگرفته از ماهنامه سیاحت غرب، نشریه مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، شماره ۳۱، ص ۷۲-۷۶ با تلخیص.

۲. David H. Olson: استاد علوم اجتماعی در دانشگاه مینوسا و از جمله صاحب‌نظران حوزه خانواده در آمریکا.





□ بی شک این مشکل تنها به ایالات متحده خلاصه نمی‌شود. آیا در دیگر نقاط جهان هم چنین شرایطی وجود دارد؟

■ شواهد بیانگر آن است که هر چه جوامع، صنعتی‌تر و یا به عبارت دیگر غربی‌تر می‌شوند، بر میزان طلاق در آن‌ها افزوده می‌شود. بیست سال پیش، پدیده طلاق به ندرت در ژاپن اتفاق می‌افتاد، اما هر چه به جامعه امروز ما نزدیک‌تر و شبیه‌تر شد، بر آمار این پدیده افزوده شد. پنج سال پیش، تقریباً طلاق در چین پدیده‌ای غیر محسوس بود، اما در همین مدت کوتاه، آمار طلاق و شکل‌گیری پدیده «هم خانگی بدون ازدواج» در پکن به نحو فزاینده‌ای افزایش یافته است. وقتی به جامعه چین نگاه می‌کنیم، در می‌یابیم که آنها نیز به سوی نظام سرمایه‌گذاری غرب پیش می‌روند.

□ بی شک از جمله بزرگ‌ترین رویدادها در قرن اخیر، دو جنگ جهانی بوده است. آیا این دو رویداد تأثیر خاصی بر تضعیف ازدواج و گسترش طلاق داشته است؟

■ یقیناً؛ به عقیده من بیشترین رشد طلاق، پس از جنگ جهانی دوم روی داد. بسیاری از زنان در شرایط جدید پس از جنگ به کار کردن روی آوردند. پس از ساعات کار و بازگشت همسرانشان به منزل، روابط گذشته‌ای خود را به روابطی سست و متزلزل داد. در چنین شرایطی، بسیاری دیگر از زنان با امید یافتن زوج مناسب‌تر دست به طلاق زدند. در جامعه امروز، شرایط متفاوتی از آن زمان را شاهدیم. آن چه پیش از همه چیز جامعه را به سوی طلاق هدایت می‌کند، استرس و شتاب زدگی در زندگی جدید است. همه چیز در این زندگی به قدرت شتاب گرفته که شتاب و سرعت در کارها، به نیاز یکایک افراد جامعه تبدیل شده است. مردم باید با یکدیگر مبارزه نمایند تا وقتی برای تنهایی و خلوت بیابند و به عبارت دیگر، خلوتی بدون دردسر داشته باشند.

□ آیا به عقیده شما، ازدواج یک رسم یا عرف الهی است؟

■ زمانی که به کتاب مقدس رجوع می‌کنیم، آدم و حوا را به عنوان نخستین زوج می‌بینیم. نکته جالب آنکه، حیات با یک زوج شروع شده نه مثلاً با هفت زوج. در سراسر کتاب مقدس شاهد مباحثی در مورد زوجها هستیم و زندگی زن و مرد در قالب یک زوج در تمام طول تاریخ وجود داشته است.

□ امروزه بسیاری از افراد در ارتباط با مقوله «هم خانگی بدون ازدواج» مشکلی احساس نمی‌کنند، حال چرا شما صرفاً تأکید بر خود ازدواج دارید. آیا شما ازدواج را نسبت به این نوع زندگی مقدم می‌دانید؟

■ نکته قابل توجه در این باره آنکه، حتی کسانی که مدت‌ها این نوع زندگی را تجربه کرده‌اند و سپس با یکدیگر ازدواج می‌کنند، معتقدند که روابط آن‌ها پس از ازدواج، متفاوت از قبل بوده است. بله، متفاوت است؛ چرا که انتظارات و خواسته‌های از یکدیگر در زندگی زناشویی، متفاوت با هر شکل و حالت دیگر است. متأسفانه حدود بیست سال پیش بود که زوجین علیه نظام ارزشی والدین و جامعه‌شان دست به اعتراضاتی گسترده زدند، اما نتیجه چه شد؟ آیا جز به تجویزی برای این نوع زندگی جدید یعنی هم خانگی بدون ازدواج در جامعه انجامید؟ امروزه دیگر در جوامع مدرن، مردم نشانه‌ای از زندگی پدران و مادرانشان و یا اثری از نقش مذهب نمی‌بینند و از این رو نیازی به تداوم زندگی مشترک خود هم احساس نمی‌کنند. بخش دیگری از مسائل ازدواج به روابط جنسی باز می‌گردد. شرایط امروز به نحوی است که دیگر افراد نیازی به چنین انتظاری در زندگی مشترک ندارند و می‌توانند خود را به سهولت در جامعه ارضا نمایند و از این رو با ارضای خود خارج از زندگی مشترک، تعهدی نسبت به مقوله ازدواج هم ندارند. اساساً بی‌قید و بندی جنسی و عرف شدن هم خانگی بدون



ازدواج، مردم را بسیار منفعت جو و بی توجه به ارزش های روابط خانوادگی ساخته است.

□ **تأثیر شکل گیری چنین شرایطی بر ثبات خانواده ها و تربیت فرزندان چیست؟**

■ به عقیده من، این گونه روابط کماکان بی ثبات خواهد ماند حتی اگر این دو زوج هم خانه، صاحب فرزند هم شوند، تفاوت چندانی نخواهد داشت. آنچه که ازدواج مرسوم به خانواده ها اعطا می کند، ثبات در روابط و اشتیاقی است که زن و مرد را در همه حال با یکدیگر همراه می سازد. مشکل دیگر این نوع ازدواج آن است که تعدادی از این زوج ها، در سال های متبادی با زوج های متفاوتی هم خانه شده اند

و پیش خود می گویند که اگر این یکی هم خوب نبود، فرد دیگری را انتخاب می کنم و این عین ذهنیت یک مشتری در بازار است که اگر این جنس خوب نبود، جنس دیگری می خرم.

از منظری دیگر باید بدانیم که فرزندان در هر خانواده ای نیازمند و خواهان ثبات و آرامش هستند، اما با افول ازدواج ما شاهد مشکلات اجتماعی متعددی می شویم.

□ **حال با چنین چشم اندازی، پیش بینی شما از یک دهه دیگر چیست؟**

■ واضح است که کودکان ما با مشکلات بیشتری همراه خواهند بود و به طور طبیعی، بسیاری افراد ازدواج را به تأخیر خواهند انداخت. بسیاری می گویند که نمی خواهیم همانند والدین خود یا دوستان والدین و یا اقوام خود طلاق را تجربه کنیم و بهتر است که بگوییم، اصلاً نمی دانند که چه می کنند. دیگر جامعه الگوری مناسبی برای آنها ندارد که بخوانند از آن پیروی کنند.

□ **عده ای از صاحب نظران، امروزه «پایان ازدواج» را پیش بینی می کنند. آیا شما هم با این دیدگاه موافقت می کنید؟**

■ در این باره شاهد فشارهای شدیدی از سوی رسانه ها و جامعه هستیم. امیدوارم که ازدواج در این گونه جوامع تداوم یابد؛ اگر چه با مشاهده چنین شرایطی، به این امیدواری خیلی خوشبین نیستم. ما یعنی جامعه غرب، به جامعه ای مشتری محور در همه ابعاد تبدیل شده ایم و همه چیز را به چشم کالا می نگریم و با ازدواج هم به همین نحو برخورد می کنیم.

منبع: www.visino.org



مقطعی از زندگی، به دست شوهر یا دوست‌پسر هایشان آسیب بدنی دیده و یا مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند.

* سی درصد زنان مقتول در ایالات متحده، به دست همسر، همسران پیشین و یا دوست‌پسر هایشان کشته می‌شوند.

شاید بتوان توصیف ساده و گویایی از تناوب جنایات خشونت‌آمیز علیه زنان بیان نمود ولی آنچه مطرح است، این است که یکی از عوامل احتمالی تعیین‌کننده در این زمینه، نحوه حضور زنان در رسانه‌ها است. زنان غالباً به عنوان قربانیان خشونت و آماج تجاوزهای جنسی در رسانه‌ها مطرح شده‌اند. محققان به این نتیجه رسیده‌اند که این‌گونه تصویر نمودن زنان در رسانه‌ها تأثیر منفی در طرز تلقی و رفتار جامعه نسبت به زنان خواهد داشت.

از آنجا که محتوای فیلم‌ها، تلویزیون، موسیقی، موسیقی‌های تلویزیونی و بازی‌های کامپیوتری، به لحاظ تصویر نمودن زنان به عنوان یک وسیله ارضای غریزه جنسی، نمایش خشونت و نیز روابط جنسی توأم با خشونت، باعث خفت زنان شده است، همواره مورد انتقاد و سرزنش بوده‌اند.

تحقیقات علمی چهل و چند ساله محققان، آن‌ها را به این نتیجه رسانده است که خشونت‌های نمایش داده شده در رسانه‌ها، در شکل‌گیری واکنش‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز، دخالت مستقیم داشته است. شواهد بسیاری در دست است که تلقی منفی از زنان در نمایش‌های (رسانه‌ای)، بر زندگی روزمره آنها سایه می‌افکند.

تحقیقات صورت گرفته بر روی خشونت‌های به نمایش درآمده بر پرده سینما یا صفحه تلویزیون، نشان داده است که بعد از دیدن دو فیلم از فیلم‌هایی که دارای مضامین خشن و تحقیرآمیز جنسی است، احساسات عاطفی فرد کور می‌شود. همچنین مطالعات صورت گرفته نشان داده است، مردانی که شاهد صحنه‌های خشن و توهین‌آمیز جنبه‌های جنسی زنان



ضمیمه شماره ۵ زنان، قربانی خشونت رسانه‌ها^۱ □ گروه مدیا اسکوپ

اداره سلامت و خدمات انسانی ایالات متحده آمریکا، خشونت را اصلی‌ترین مشکل زنان طی دهه گذشته اعلام نموده و تحقیقات جدید نیز حکایت از سیر صعودی این معضل دارد. آمارهای ارائه شده ذیل، ابعاد این مسأله را بهتر روشن می‌کند:

* خشونت درون جامعه آمریکا، بارزترین و اصلی‌ترین عامل آسیب‌رسانی به زنان آمریکایی است؛ رشد روزافزون تجاوز به عنف، خشونت تبهکاران، قتل و تصادفات، نمونه‌هایی از آنها است.

* از هر هفت زن آمریکایی، یک نفر در طول حیات مورد تجاوز واقع می‌شود.

* هر دو دقیقه، یک زن آمریکایی مورد تجاوز قرار می‌گیرد.

* هر نه ثانیه، یک زن در آمریکا صدمه جسمی و بدنی می‌بیند.

* بر اساس اطلاعات و گزارش‌های موجود، یک سوم زنان آمریکا در

بوده‌اند، نسبت به این قربانیانِ خشونت، بسیار کمتر عواطف خود را ظاهر می‌سازند.



ضمیمه شماره ۶
افتخار مادر بودن
□ جسیکا اندرسون^۱

رزی دریوتر، نماد زن جوانی است که در تصویری که از وی توسط هاوارد میلر کشیده شده است، آستین‌هایش را بالا زده و الهام بخش بسیاری از زنان آمریکایی در دهه ۱۹۴۰ جهت رها ساختن حوزه‌ی سنتی خانه‌هایشان بوده است. آنان تصدی سمت‌ها، مناصب و حرفه‌هایی را به عهده گرفتند که پیشتر متعلق به مردانی بود که در جنگ جهانی دوم به خدمت زیر پرچم فراخوانده می‌شدند یا داوطلبانه به جبهه‌های جنگ می‌شناختند. به نظر می‌رسد که شعار رزی مینی بر «ما می‌توانیم آن را انجام دهیم» روح، جان و رؤیای بسیاری از زنان را چنان تسخیر کرد که آنان وارد بازار کار شدند و گسترش ناگهانی فرصت‌های شغلی را تجربه کردند.

از آن هنگام تاکنون، زنان هم از نظر آموزشی و هم از نظر حرفه‌ای و شغلی کام‌های بلندی داشته‌اند و امروزه، فرصت‌های کاری در دسترس آنان بی‌نظیر است. اکنون زنان نسبت به هم‌تایان مردشان، درجات کارشناسی و

۱. Jessica Anderson. بزک زند.





کارشناسی ارشد بیشتری دریافت می‌کنند و تقریباً نیمی از درجات دکترا و شغلی به آنها اعطا می‌گردد. با وجود این که منافع و دستاوردها مثبت هستند، اما مایه تأسف است که تأکید بر «قدرت دختر» و فرهنگ سنایش کننده حرفه و شغل، تداوم بخش اسطوره‌هایی شده که باعث شده است تا شمار زیادی از زنان، از ارزش و فضیلت پذیرفتن نقش دیگر (مادر) غافل شوند.

اسطوره اول:

فقط زنان بی سواد در خانه می‌مانند تا بچه‌ها را بزرگ کنند.
مطالعه‌ای که از سوی مرکز ورک - لایف پالیسی صورت گرفت نشان داد که تقریباً ۴۰٪ از زنان در برخی از مقاطع زندگی حرفه‌ای خود، معمولاً به خاطر پرورش بچه‌ها از شغل خود کناره می‌گیرند. نیویورک تایمز این روند را «انقلاب انصراف از شغل» می‌نامد. بسیاری از آن‌هایی که از حرفه خود کناره‌گیری می‌کنند، بسیار فرهیخته و موفق هستند. پژوهشی درباره دانش‌آموزان زن از دو دانشگاه معتبر و صاحب نام نشان داد که ۵۷٪ از دانشجویان زن در سال ۱۹۸۱ دانشگاه استنفورد، کار را رها کردند و فقط ۳۸٪ از دانش‌آموزان دانشگاه تجارت هاروارد در دهه ۱۹۸۰، هنوز در مشاغل تمام وقت به سر می‌برند.

دکتر جانس شاو کروز، عضو ارشد پژوهشگران مؤسسه Beverly LaHaye که مربوط به زنان آمریکا است، اظهار داشته است که این یافته‌ها بازتاب روندی رو به افزایش در میان زنان و در سال‌هایی است که آنها بچه دار می‌شوند. «زنان هر چه بیشتر بی می‌برند که زندگی که در آن شغل همه چیز است، پس از مدتی رضایت بخش یا ارزش‌کننده نیست. آنان همچنین می‌نهند، هنگامی که پای بچه‌های آنان به میان می‌آید، هیچ کس نمی‌تواند جای مادر را بگیرد.»

اسطوره دوم:

ماندن در خانه برای بزرگ کردن بچه‌ها، برابر است با خودکشی شغلی
استراحت موقت شغلی در یک کار تمام وقت، به این معنی نیست که یک زن بایستی به کلی دست از کارش بکشد و آرزوها و رویاهای خود را فراموش کند. اینترنت، جهان کاری را دگرگون ساخته است و انجام کارهای اداری را از درون خانه بیشتر امکان‌پذیر کرده است؛ بسیاری از زنان در مشاغل پاره‌وقت باقی می‌مانند یا در گروه کارآفرینان قرار می‌گیرند. چنین شرایطی به مادران فرصت سود بردن از سهولت، انعطاف پذیری و درآمد کمکی یک شغل را بدون این که وادار شوند هر روزه در اداره کار کنند می‌دهد و تحول در نیروی کار را اندکی آسانتر می‌کند.

ریکا هاگالین، روزنامه نگار محافظه کار و نایب رئیس بخش ارتباطات و بازاریابی بنیاد هریتیج، در گفتگو با مؤسسه Beverly LaHaye اظهار داشت: برای مدت زیادی چنین به نظر می‌رسید که زنان مجبورند تا از میان داشتن یک شغل و یا مادری خانه نشین بودن، یکی را برگزینند، ولی فن‌آوری نوین به زنان فرصت انجام هر کاری را می‌دهد. خود هاگالین یک زن موفق است که حرفه‌ای شاخص و ممتاز دارد و به طور موقت کارش را رها کرد تا یک شغل تجاری مشورتی را که خانه محور بود، در اواسط دهه ۱۹۹۰ آغاز کند و بدین وسیله کارش را با پرورش سه بچه کوچک سازگار کند.

وی امروزه علاوه بر کار کردن برای یکی از کانون‌های تولید اندیشه کشور که سرشناس‌ترین و مشهورترین گونه از این نوع مؤسسات به شمار می‌رود، مقالاتی می‌نویسد که به طور گسترده منتشر می‌شود؛ غالباً با افراد گوناگون در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مصاحبه می‌کند؛ و به تازگی نخستین کتابش را با عنوان «هجوم به خانه» منتشر کرد.

وی اظهار می‌دارد: «من زنان جوان را تشویق می‌کنم که درباره یافتن شغل مورد علاقه خود ببینند، ولی شغلی که به آنان اجازه و امکان مادر





بودن و اولویت اول بودن بچه‌هایشان را به طور همزمان بدهد.»

اسطوره سوم:

برخورداری از همه مزایا و مواهب مادری، با شاغل بودن تمام عیار نیز میسر است.

رسانه‌ها دوست دارند که به مادران شاغل جلوه بیشتری ببخشند. آنان اغلب نقش اصلی فیلم‌ها را به زنان سرشناس و کامیاب می‌دهند و آنان را به خاطر تحمل مشاغل طاقت‌فرسا و دشوار و ایجاد موازنه با پرورش بچه می‌ستایند. در حالی که رسانه‌ها تمایل دارند تا تصویری کامل و بی نقص از مادران شاد و خرسند و همچنین بچه‌های شاد و خرسند نمایش دهند، اما تلاش آنان جهت برخورداری از همه مزایا و مواهب مادر بودن و در بیرون از خانه کار کردن، شکست می‌خورد.

حقیقت این است که دارا بودن یک شغل طاقت فرسا و زندگی خانوادگی، هلاکت‌کننده و تنش‌زا است. ۶۰٪ از مادران شاغل در آمریکا گزارش داده‌اند که استرس و فشار روحی، بحرانی‌ترین و خطرناکترین مسأله‌ای است که آنان با آن روبرو هستند و این قابل درک است. طبیعت پُر تکاپو و پرجنب و جوش یک هفته کاری می‌تواند توضیح دهنده این امر باشد. بسیاری از زنان یک روز طولانی را در اداره به پایان می‌رسانند، سپس بچه‌هایشان را از مهد کودک برمی‌دارند، شامی دست و پا می‌کنند، بچه‌ها را جهت رفتن به جلسه درس یا تمرین ورزشی سوار تاکسی کنند و با توده‌ای از لباس‌های چرک روبرو می‌شوید، پیش از این که در رختخواب بیفتند و دوباره رقابت بی‌امان و بیرحمانه را تکرار کنند. پیامدهای منفی این برنامه آزارنده، غالباً متوجه بچه‌هاست و زمان اندکی برای کنش و واکنش یا کارهای معنی‌دار باقی می‌گذارد. کشمکش همیشگی و پیوسته میان کار و ضرورت‌های خانوادگی باعث می‌شود تا بسیاری از زنان احساس کنند که گویی آنان از

دادن اولویت کامل به هر دو مورد، ناتوان و عاجز هستند.

دکتر کرو ز اظهار داشته است: «بی تردید، چیزی باید اولویت پیدا کند و اعضای یک خانواده بایستی با یکدیگر همکاری کنند تا مشاغل دو گانه را امکان‌پذیر کنند. آنچه به ندرت یادآوری می‌شود این است که تنها برخی انتخاب‌های شغلی میسر و شدنی هستند و گاهی اوقات، مادری و شاغل بودن نیازمند از خودگذشتگی و فداکاری چشم‌گیر و قابل ملاحظه است. ولی در پایان روز، مسأله این است که آیا یک زوج خواستار قربانی کردن رابطه‌شان یا بچه‌هایشان برای موفقیت شغلی هستند یا نه. شمار بسیار زیادی از زوج‌ها - بسیار دیر - فهمیده‌اند که آنان به هنگام اتخاذ تصمیم‌های مهم با نداشتن اولویت‌های درست، دست به این انتخاب زده‌اند. زنان خردمند و با شعور قبول دارند که آنان نمی‌توانند از همه مزایا و مواهب مادر بودن و در بیرون از خانه کار کردن برخوردار شوند؛ آنان بایستی بپذیرند که اگر از موهبت بچه برخوردارند، مهم است که برای نیازهای بچه‌ها، اولویت نخست را قائل شوند.»

هاگلین موافق این نظر است: «به لحاظ زیست‌شناسی، دلایل بسیاری در زندگی یک زن وجود دارد. بسیاری از زنان خواستار تغییر و تحول هستند؛ ولی در عوض، زنان باید از لذت ارائه هر آنچه که هر کسی می‌تواند برخوردار شوند. مادر بودن یک موهبت و امتیاز است.»

زمانی ژاکی کندی گفته بود: «اگر شما برای پرورش بچه‌هایتان اهمیتی قائل نشوید، من نمی‌دانم که چه چیز دیگری برای شما اهمیت زیادی خواهد داشت.» در حالی که زنان آزاد و مختارند که به تحصیل و تلاش‌های کاری ادامه دهند، به همین سان مهم است که زنان برخورداری حاکی از «ما آن را انجام خواهیم داد» نسبت به پرورش بچه‌ها از خود نشان دهند؛ برخورداری که پیام رایج جامعه را نمی‌پذیرد، و در عوض، خود را متعهد به محترم شمردن کار مادری می‌کند.

منبع: www.Cwfa.org

